



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۲۷، چهارشنبه اول مرداد ۱۳۹۹ - ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۰

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیا

در این شماره می خوانید:

خیزش بهبهان، شرایط انقلابی ادامه دارد - مهدی سامع.....ص ۲

خامنه ای؛ اینجا منفور، آنجا زیر سوال - منصور امان.....ص ۴

وضعیت کارگران هفت تپه و هپکو نمونه ای از اقتصاد مقاومتی - زینت میرهاشمی.....ص ۷

مافیای شهرداری - کامران عالمی نژاد.....ص ۹

چالشهای معلمان (تیر ۹۹) - فرنگیس بایقره.....ص ۱۰

زنان در مسیر رهایی (تیر ۹۹) - اسد طاهری.....ص ۱۵

رویدادهای هنری (تیر ۹۹) - فتح الله کیائیا.....ص ۲۰

احمد شاملو (الف. بامداد) / شاعر و ادیبی خلاق در جستجوی آزادی - م. وحیدی.....ص ۲۶

دانشگاه در ماهی که گذشت (تیر ۹۹) - کامران عالمی نژاد.....ص ۲۷

کارورزان سلامت (تیر ۹۹).....ص ۳۲

یادداشت‌های فراموش شده / کودکان کار - امید آدینه.....ص ۳۴

اشک - مرجان.....ص ۳۹

مرجان هنرمندی اصیل و متعهد - م. وحیدی (م. صبح).....ص ۴۰

حریق سپیدار / به یاد مرجان فرزند مقاومت ایران - م. صبح.....ص ۴۱

شرابه های نور - م. صبح.....ص ۴۲

متن سخنان زینت میرهاشمی در کنفرانس جهانی مقاومت ایران.....ص ۴۳

کوبا؛ پیشتاز و سرمشق در مبارزه با پاندمی کرونا - هلن یاف / آمریکا ۲۱ / برگردان: بابک.....ص ۴۴

جنبش رنگین کمان بیشماران (تیر ۹۹) - گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی.....ص ۵۰

گرامی باد یاد و نام رفیق محمد صفاری آشتیانی.....ص ۶۵

شهادت فدایی در مرداد ماه.....ص ۶۵

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

خیزش بهبهان، شرایط انقلابی ادامه دارد

مهدی سامع

پنجشنبه شب ۲۶ تیر، یک بار دیگر خشم و انزجار مردم ایران، این بار در بهبهان، در ۲۰۰ کیلومتری شرق اهواز و در مرز خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد، بروز خیابانی پیدا کرد و مردم این شهر شورش با شعار مرگ بر دیکتاتور، در میدان بانک ملی تجمع کردند.

مردم بهبهان در قیام آبان ۱۳۹۸، تصویر پُر شکوهی از آزادیخواهی را در کف خیابان ترسیم کرده و پرچم انقلاب رهاییبخش مردم ستمدیده ایران را برافشاندند. رژیم سفاک ولایت فقیه با شلیک مستقیم گلوله جنگی به زنان و مردان بپاخاسته تعداد زیادی از آنان و از جمله محمد حسین قنواتی، مهرداد دشتی زاده، احسان عبدالله نژاد، محمود دشتی زاده، احمد حشم دار، شبنم دینای، فرزاد انصاری فر، جاوید نامان، اسماعیل بازرگان، علی جماشیان و ... را به شهادت رساند. ۸ ماه پس از آن قیام پرتوان، در پنجشنبه شب ۲۶ تیر، مردم بهبهان اعلام کردند که جنایتهای رژیم را نه فراموش می کنند و نه می بخشند. مردم با شعار «دشتی روح شاد»، نام و یاد شهدای قیام آبان را گرمی داشتند و با شعارهای «مرگ بر دیکتاتور، خامنه ای قاتله ولایتش باطله، بسیجی بی شرف، حکومت آخوندی نمی‌خوایم نمی‌خوایم، خامنه ای ابلیس ایران ارث بابات نیست، ای دیو سیاه پای در خون از مملکت من برو بیرون و ...» دشمن اصلی خود را نشانه گرفتند. خیزش مردم بهبهان چنان سریع گسترش یافت که حکومت از ترس گسترش قیام به سراسر ایران، اینترنت در استان خوزستان را قطع کرد و مردم بپاخاسته را با شلیک گاز اشک آور مورد تهاجم قرار داد و به دستگیری گسترده دهها تن دست زد.

به گزارش هرانا، نرگس درم‌گزین (۳۰ ساله)، علی وفاپی پور (۲۴ ساله) حسین جاویدان (کارگر کارواش)، محمد ابول پور (۲۶ ساله، کارگر اخراجی پالایشگاه بیدبلند ۲ بهبهان)، سامان رنگی، حجت شکوهی زاده، محمد بهزادی نسب (۲۷ ساله، شغل آزاد)، علیرضا انصاری فر، احمد آخش، پیمان رسولی (۳۴ ساله، دیپلمه، مالک نمایشگاه خودرو)، مجید ضامن پیشه، میثم اکبری، محمد شریعتی و فرزانه انصاری فر (خواهر زنده یاد فرزاد انصاری فر)، رضا خسروی، زینب علیپور (۳۹ ساله، خانه دار)، ابراهیم ارمش (۳۳ ساله)، مهرداد آتش افروز (۲۷ ساله، آرایشگر)، مرتضی وحدانی (۲۸ ساله) و ... از جمله بازداشت شدگان هستند.

سرکرده نیروی انتظامی شهرستان بهبهان در باره قیام مردم گفت: «پلیس سعی داشت تا با مذاکره این افراد را متفرق کند اما آنها نه تنها متفرق نشدند، بلکه اقدام به سردادن شعارهای هنجارشکنانه کردند به همین دلیل پلیس هم با صلابت اقدام به متفرق کردن آنها نمود. مردم باید بدانند که افراد و گروههای معاند در شرایط حساس کنونی قصد تحریک مردم و ضربه زدن به نظام را دارند.» (ایرنا)

آری او راست می گوید که مردم شعار «هنجارشکنانه» [بخوانید شعار علیه رژیم] سردادند و درست می گوید که گروههای «معاند» [بخوانید سرنگونی خواهان] قصد نه فقط ضربه زدن به «نظام» را دارند. در مورد «صلابت» نیروهای سرکوبگر هم مردم ایران دچار هیچ توهمی نیستند و می دانند خامنه ای در اساس با شلاق، داغ و درفش و شکنجه و اعدام بر کُرسی خلافت تکیه زده است.

روز یکشنبه ۲۹ تیر، سرکرده جنایتکار نیروی انتظامی استان خوزستان اعتراف کرد که حرکت مردم «هنجار شکنانه» [بخوانید علیه نظام] بوده و مدعی شد که «تمام» کسانی که «محرک برپایی تجمع» بودند، بازداشت شدند.

همزمان با خیزش مردم بهبهان، گروهی از جوانان در شهرهای تهران، مشهد، رشت، شیراز و ... برای شکل دادن تظاهرات اعتراضی تلاش کردند و بنا به ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی در مواردی موفق به شکل دادن هسته اولیه تظاهرات شدند. نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی با حضور پُر تعدادشان و دستگیریهای گسترده مانع شکل گیری تجمعهای گسترده شدند.

سازمان اطلاعات سپاه منفور پاسداران در استان خراسان رضوی با صدور اطلاعیه ای از بازداشت تعدادی از جوانان مشهد به عنوان «عوامل دعوت به اعتراض» خبر داد. (فارس)

سازمان اطلاعات سپاه پاسداران در استان کرمانشاه از بازداشت تعدادی از مردم اسلام آباد غرب به عنوان «لیدرهای اصلی دعوت به آشوب» خبر داد. (مرصاد)

این که سپاه پاسداران از همان ابتدا به مقابله با خیزش مردم ورود می کند، بیان کننده وجود خطری است که بنیاد نظام را تهدید می کند. برای کارگزاران امنیتی رژیم مشخص شده که نیروی سرکوبگر انتظامی با همه ابزار و ادوات آن قادر نیست قیام توده ای را کنترل و مهار کند و بنابراین نیروی اصلی سرکوب مثل همیشه سپاه منفور پاسداران و اراذل و اوباش تحت امرش است.

خیزش مردم بهبهان گرچه به برآمد توده ای سراسری منجر نشد، اما همین حرکت نشان داد که آتشفشان خشم و نفرت توده های مردم هر لحظه می تواند فوران کند. کارگزاران نظام بارها به این واقعیت اعتراف کرده اند که آخرین مورد آن سخنان حسین علی شهریاری، مجلس نشین منتخب شورای نگهبان از زاهدان است. این کارگزار ولایت خامنه ای در سخنرانی خود در مجلس ارتجاع گفت: «امروز شاهد فقر، گرانی، تورم لجام گسیخته و مشکلات زیادی در اقشار مستضعف و محروم کشور هستیم. ... آقای رئیس جمهور یک شب گرسنه نخوابیده که ببیند گرسنگی چه معنی دارد. بی پول نبوده که بچه اش را به خاطر بی پولی نتواند مدرسه بفرستد. فرزندانش بیکار نبودند که ببیند بیکاری چه بلایی بر سر خانواده ها می آورد. خانواده هایی هستند که چهار تا پنج نفر بیکار تحصیل کرده دارند اما متأسفانه هیچ شغلی برای آنها وجود ندارد. دو سال قبل در همین مجلس گفتم دولت اگر کاری نکند به خاطر فقر، گرسنگی و فشار محرومین، مردم روزی خواهند ریخت ما را از مجلس و دولتمردان از دولت بیرون خواهند کرد، خیلی زمان نمی برد.» (خبرگزاری مجلس ارتجاع، یکشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۹)

این سخنان روایتی از عمق و دامنه بحرانی است که سراسر جامعه را فراگرفته است؛ بحران انقلابی مهمترین و اساسی ترین خصوصیت جامعه ایران در شرایط کنونی است و خیزش بهبهان و انبوهی از حرکت های اعتراضی نیروهای کار نشان می دهد که این بحران و شرایط انقلابی با وجود فراز و فرود آن همچنان ادامه دارد.

برخی از فراسوی خبرها.....

- با حکم اعدام معترضان آبان ۹۸، صورت مساله قیام تغییر نمی کند - زینت میرهاشمی.....ص ۶۰
- پرواز ۷۵۲؛ غرامت یا عدالت؟ - منصور امانص ۶۰
- هزینه های تروریسم با شگردهای عوامفريبانه پولسازی - زینت میرهاشمی.....ص ۶۱
- آتش و دود در حومه تهران و دمشق؛ دور بعدی تنش - منصور امانص ۶۳
- خیزش اعدام شدنی نیست - منصور امانص ۶۴

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

کمک مالی به سازمان چریک های فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس bedostan@gmail.com

خامنه ای؛ اینجا منفور، آنجا زیر سووال

منصور امان

هنوز مُدت کوتاهی از شروع کار مجلس یازدهم مُلاها نمی گذرد که "مهندس" این سازواره ناچار شده دست به تعمیرات اساسی در آن بزند. روز یکشنبه ۲۲ تیر ولی فقیه ج.ا از قرنطینه اشرافی خود، نمایندگان مجلس را به شلاق کشید، رفتار آنها با وزیر نگون بخت خارجه را "خلاف شرع" نامید و به شدت به قصدشان برای استیضاح دولت تاخت. مُداخله شتابان وی که بر متن شروع کار هیجانی مُنتخبان شورای نگهبان صورت گرفت، چشم انداز یک دوره پُرتلاطم زیر "خیمه نظام" را به تصویر کشید که آثار خود را بیش از همه در باند حاکم به جا خواهد گذاشت.

سُلطان بی مسوولیت

جلسه مواخذه و جاناندازی آقای علی خامنه ای که می بایست صحنه یک سیاستگذاری جدی را به نمایش بگذارد، در عمل اما با بهترین گم‌دیهایی که در یک جمهوری موزی می تواند روی صحنه برود، برابری می کرد: یک "رهبر" وحشت زده از ابتکار خویش، ابواب جمعی شگفت زده اش را شلاق کشان از این گوشه به آن گوشه می تاراند. در دستور کار دسته هایی که بر کُرسی نمایندگی مجلس نشانده شده اند، با خطوط دُرُشت زیر ضرب گرفتن دولت و بازخواست از آن به خاطر هر چه که در پهنه سیاست و اقتصاد روی داده و یا خواهد داد، حک و ثبت شده است. این امر از یک سو با هدف هموار کردن مسیر یکدست سازی قُدرت صورت می گیرد و از سوی دیگر، خارج کردن آقای خامنه ای از تیررس نگاه مُعترض و پُرسشگر جامعه را نشانه رفته است.

تا آنجا که به تلاش "مقام مُعظم" برای رفع مسوولیت از خود مربوط می شود، با شکل گیری مجلس "اصولگرا" اتفاق تازه ای در صحنه سیاسی ج.ا نیفتاده؛ دولتها همیشه برای او نقش سپربلا را داشته اند و این تاثیرگذارترین جایگاهی است که قوه مجریه می تواند در دستگاه خلافتش داشته باشد. او فرمان می دهد، مُداخله می کند، برای دستگاه ها و دوایر تصمیم می گیرد، عزل و نصب می کند و کنار می نشیند تا اگر نتیجه مطلوب بود، امتیاز آن را به کیسه اش بریزد و اگر نه، مُجریان را جلو براند، آماج طعن و لعن شان سازد و خود نقش طلبکار را بازی کند.

اهمیت این رویکرد در تحکیم جایگاه "رهبر" به ویژه در شرایط کُنونی که کشور بر اثر رهنمودها و سیاستهایش به آستان ورشکستگی اقتصادی رانده شده، مُناسبات با جهان خارج تخریب و به نُقطه خطرناکی رسیده، توافُق هسته ای به شکست کشانده شده و گرونا و فلاکت را به جان جامعه خشمگین و مُعترض انداخته، دو چندان شده است. از سر همین ضرورت است که پایوران باند او هیچ فُرصتی را برای انتقاد و افشاگری علیه دولت آقای روحانی از دست نمی دهند و صداوسیما و رسانه های بدنام آنها به جلد اپوزوسیون رفته اند.

نمایندگان مجلس حملات رهبران باند خود به دولت و مرزبندی سخت و بی روزن آنها با تدبیرهای اقتصادی، سیاست خارجی و رویکردهای داخلی اش را جدی گرفته و در حال استخراج تنها نتیجه منطقی و عملی از این صف بندی، یعنی برانداختن دولت بودند. اما آنچه که مجلس جدید به سمتش خیز برداشته بود، در حقیقت قصابی گاوی بود که آقای خامنه ای و دوستان می بایست در خلال یکسال باقیمانده از عمرش آن را بدوشند. نمایندگان مجلس ابتدا با انتشار نامه های تُند و تبلیغی به دولت و سپس با احضار آقای روحانی و سر آخر تدارک چینی برای استیضاح و مواجه ساختن وی با "طرح عدم کفایت مانند بنی صدر" گام به گام لبه حمله را به سمت ضربه نهایی تیز تر کردند، اما مسیری که تازه به دوران رسیده ها - بخشی عوامفریب، بخشی کج فهم و بخشی فناتیک - در حال پیمودن بودند، به هیچ وجه به آدرسی که ارباب شان در نظر داشت، مُنتهی نمی شد.

بُزکشی در مجلس

جو ذهنی حاکم بر مجلس "اصولگرا" را زمانی بهتری می توان ارزیابی کرد که جنجال بر پا شده در جریان احضار آقای ظریف مُرور شود. ارگان ولایتی بسیج شده بود تا با دستاویز "برجام" و سیاست خارجی، با دولت جناح میانه حکومت

تصفیه حساب کند. همه حمله‌ها و فشارهای رسانه‌ای و لفظی و سیاست دوگانه‌ای که از هنگام آغاز مذاکرات با طرفهای خارجی و پس از توافق وین علیه آن و کارگزارانش انجام شده بود، اینک فرصتی برای ابراز یافته بود که بستری قانونی داشت و در قالب رسمی و تاثیر گذار جریان پیدا می‌کرد. همزمان، چارمیخه کردن وزیر خارجه، می‌توانست آرایش مجلس علیه دولت را منسجم‌تر و دامنه‌دارتر کند.

انتخاب آقای ظریف بدین منظور حساب شده بود. او نوکر-بوروکراتی است که خدماتش به رسمیت شناخته نمی‌شود و از این زاویه به ضعیف‌ترین حلقه دولت بدل گردیده است. به همین دلیل نیز وزیر بخت برگشته ناچار شد برای ساعاتی در مجلس نقش لاشه را در "بُزکشی" جناح رقیب بازی کند. او در غریب ناسزا و فریادهای "دُرُوغگو، دُرُوغگو" دست به دست گردانده شد و به چنان حال نزاری افتاد که برای دفاع از خود به آوردن شاهد برای اینکه کارگزاری بیش نیست و در "سیاستهای گلی نظام" او را باید یک مَهْره بی اختیار به حساب آورد، مُتوسل شد.

آقای ظریف التماس کرد که "سیاست خارجی در حوزه اختیارات رهبری" است، رویکردهای وزارتخانه اش را به طور "هفته‌ای" با پاسدار سلیمانی "هماهنگ" می‌کرده و سر آخر نقشی در "قرارداد چین" ندارد، چرا که خود "مقام معظم رهبری" سرنخ آن است.

مجلس، وزیر نمدمال شده را با این پیام روانه کرد که آفتاب دولت آقای روحانی لب بام است و تمامی تصمیمها و سیاستهای آن موضوع جدال و حساب کشی خواهد بود؛ امری که در عمل به معنای تشدید تضاد در "بالا" از کیسه آقای خامنه‌ای و تصمیمهای او بود که به "نرمش قهرمانانه" و سپس به شکست کشاندن "برجام" منتهی شد. آنچه که اصولگرایان سرمست در بهارستان با زیر ذره بین گذاشتن آثار اقتصادی و اجتماعی این سیاستها به دنبال آن بودند، با مَهْمی کمتر از ورق زدن کارنامه "رهبر" برابری نمی‌کرد.

آغاز دردسر

رهبر باند حاکم در جدال در این سطح نه فقط چیزی برای بُردن نداشت، بلکه موقعیت تضعیف شده اش لطمه بیشتری می‌خورد. سایه این تهدید در سُخنان تُند او خطاب به نمایندگان مجلس به خوبی پیدا بود. او "فتیله" آنها را پایین کشید و برایشان روشن کرد که دولت "تا روز آخر" بر سر جای خود می‌ماند و باید بازی "عدم کفایت" و "استیضاح" را فراموش کنند. آقای خامنه‌ای همزمان با آنکه گله اش در قوه مُقننه را چوپانی کرد، یکبار دیگر زیر بیکاره و توخالی بودن این نهاد نیز خط تاکید کشید. او حق اعمال نمایندگی را که استیضاح و رای عدم اعتماد به دولت بخشی از آن است، بدون پرده پوشی لگدمال کرد و برای مجلس که به ظاهر نماینده موکلان خود است، دستور کار تعیین و برایش همچون کودکان، اصول رفتار دیکته کرد.

اگرچه بی درنگ پس از نهیب آقای خامنه‌ای، مُنتخبانش نیز موضوع دک کردن دولت و رییس آن را پس گرفتند، اما این هنوز به معنای هژمونی "مُطلقه" و پایان دردسر برای وی نیست. جدال سهم و قُدرت بین دسته بندیهای "اصولگرا" که مجلس یازدهم مُلاها را از آن خود کرده اند، او را نیز به کشمکشهای آتی که بر سر قوانین، دولت، شورای نگهبان و رویدادهای روز مجال بروز پیدا می‌کند، خواهد کشاند تا با هر بار مُداخله، بخشی از اتوریته اش را نیز وا بگذارد.

خط مشی شناخته شده رهبر باند حاکم، بازی بین دسته بندیهای مُختلف این مجموعه است؛ سیاستی که حفظ آن همگام با ژرفش شکاف "بالا" و "پایین" و در دوره محدودیت منابع به دلیل تحریمها، به گونه روز افزونی دُشوارتر می‌شود.

یک نمونه زنده از این واقعیت را می‌توان در انتقادهای گاه سربسته و گاه بخشهایی از اعضای باند او پیرامون حمایتش از آقای صادق لاریجانی مشاهده کرد. برای مثال در واکنش به انتصاب رییس قوه قضاییه به ریاست مجمع تشخیص مصلحت، یکی از آنان به نام آقای سعید زیبا کلام پرسید: "سوال اینست که: چرا پس از برملاشدن نقش آشکارا مُتخلفانه و مُجرمانه فاضل لاریجانی در ارتباط با شیخ صادق لاریجانی، نه تنها ایشان از ریاست قوه قضاییه عزل نمی‌شود و نه تنها هیچ توضیحی یا توجیهی از سوی رهبری برای عدم عزل ارایه نمی‌شود که، تکان دهنده تر، شیخ پس از پایان دوره ریاست

بسیار ناصواب و قانون شکنانه و مناقشه انگیز بر قوه، در سمت فوق العاده تاثیرگذار ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب هم می شود؟"

و یک روزنامه نزدیک به دسته بندی آقای قالیباف (صبح نو) پس از دفاع سخت "رهبر" از آیت الله صادق لاریجانی و هُشدار به منتقدان وی، نوشت: "یک نفر ممکن است از عملکرد آقای لاریجانی در موضوع پرونده طبری انتقاد داشته باشد. آیا نباید سوال کند؟ نباید طلب شفافیت کند؟ نباید در خواست توضیح کند؟"

خوئینی ها

در همان حال که تصمیمهای آقای خامنه ای و مسوولیت وی در برابر آن به تدریج در باند خود او به موضوع بحث و پرسش بدل می گردد، بخشهایی از باند "اصلاح طلب" نیز دُرُست از همین زاویه جبهه دیگری را علیه او گشوده است. نامه سرگشاده و غیر معمول آقای محمد خوئینی ها، یکی از پایوران ارشد ج.ا. و از رهبران باند حکومتی یاد شده، خطاب به وی، نقطه رسمی آغاز این کارزار است. او در این نامه از همان زاویه ای که "مقام معظم" زیر ضرب قرار دارد، به او حمله ور شده و مسوولیتش به عنوان عامل اصلی شرایط وخیم "نظام" را یادآور می شود.

آنچه که آقای خوئینی ها را به این اقدام غیر معمول - برای او - تشویق کرده، از یکسو نگاه به صف بندی اکثریت جامعه در مُقابل "نظام اسلامی" و احساس خطر از سرنگونی آن است و از سوی دیگر، موقعیت تضعیف شده آقای خامنه ای است که به او اجازه داده برای جلوگیری از این تهدید از گوشه امن بیرون بیاید و تلاش کند روی موج سوار شده و برای "اصلاح طلبان" هم دُکائی در برابر ولی فقیه نظام بگشاید.

هدف این مقام باند مغلوب آشکارا بازاریابی و گردآوری سرمایه سیاسی از کیسه "اقتدار" و موقعیت انحصاری رهبر باند حاکم است. او دُرُست در همان هنگامی فعال شده که پایان دوره ریاست آقای روحانی، پدرخوانده یدکی "اصلاح طلبان" نزدیک می شود و عُمر حُضور خفیف و آمیخته به بدنامی آنها در مجلس نیز به آخر رسیده. این دو عامل، مسیر سیاسی آنها برای مُشارکت در ثروت و قُدرت را می بندد و این طیف را با آینده ای مُبهم روبرو می سازد. آقای خوئینی ها که در تمام طول این دوره خاموش و در پُشت صحنه فعال بوده، می کوشد با ابتکار خود فصل جدیدی را گشوده و سهام تازه ای را وارد بازار و نقد کند.

برآمد

در حالی که خیزشهای توده ای زیر پرچم "مرگ بر خامنه ای" شکل می گیرد و "رهبر الدنگ" به شُعار خیابان و ورد زبان توده بدل گردیده، دست و پا زدن بُزدلانه آقای علی خامنه ای برای پنهان ساختن خویش و مسوولیتش از نگاه و نظرها، کوششی رقت بار و همزمان ریشخند آمیز است که تنها تاثیر آن جلب توجُه بیشتر به این فرار ناشیانه است. او برای موفق شدن در این هدف حتی در میان همدستان و زیردستان خود نیز شانسی ندارد. جانبداری ناگزیر او از گُماشته فاسدش، آقای صادق لاریجانی و دولت شکست خورده آقای روحانی، بیش از آنکه مایل باشد مساله وظایف و اختیارات او را مرکز بحث و کشمکش رانده است.

همگام با نزدیک شدن توفان توده از افق، آقای خامنه ای نیز بیشتر و تنگاتنگ تر به اسارت سیاستهای خود درمی آید. او نه می تواند کنارشان بگذارد و نه می تواند با آنها زندگی کند. کشته های دیروز او امروز به میوه های مسمومی بدل گردیده اند که روند رویدادها دانه به دانه به دهانش می گذارد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

وضعیت کارگران هفت تپه و هپکو نمونه ای از اقتصاد مقاومتی

زینت میرهاشمی

پنج هفته از اعتصاب و راهپیمایی خیابانی کارگران هفت تپه می گذرد و هنوز خواسته های آنها رسیدگی نشده است. کارگران هفت تپه، همراه با همسر و فرزندان خود در خیابانهای شهر شوش زیر آفتاب و گرما، عملکرد و سیاستهای ضد کارگری و غیر انسانی رژیم ولایت فقیه را به چالش کشانده اند.



یکی از خواسته های کارگران معترض بازکردن حسابهای مسدود شده اسد بیگی برای پرداخت حقوق کارگران و شرکت نمایندگان کارگران در دادگاه رسیدگی به پرونده اسد بیگی و مهرداد رستمی است. تصفیه حساب باندهای درون رژیم و مهندسی کردن پرونده های اختلاس و فساد در جمهوری اسلامی نشان می دهد که رسیدگی به این گونه اختلاسها در یک دادگاه واقعی صورت نمی گیرد. فساد و اختلاس کلید واژه رژیم است و بدون آن ساختار حکومت با

ریزش روبرو خواهد شد. بر این منظر خروجی به اصطلاح بازگشایی جعبه های سیاه اختلاسها، پولی به جیب مردمی که غارت شده اند ریخته نمی شود.

مهندسی پرونده های فساد به گونه ای است که دزد اصلی در امان خواهد بود. تخفیف میزان جرم برای دزد گرفتار شده به شرطی است که نام دزد بالایی مطرح نشود. در مهندسی این دادگاهها، بالادستیهای مثل لاریجانی، اژه ای، رئیسی و ... نقش شان در کلان فسادها مشخص نمی شود. در نظامی که حرکت هر جنبنده ای زیر نظر گرفته می شود و دزدیدن یک مرغ به قطع دست منجر می شود، آقایان و آقازاده ها ریش و سبیل قاضی حذف شده (منصوری) و طبری را چرب می کردند و بنابراین مورد تعقیب قرار نمی گیرند. ماجرای اسد بیگی یک نمونه از این گونه پرونده های فساد است. اسد بیگی و مهرداد رستمی، رانت خوارهای «ارزان خر» شرکت نیشکر هفت تپه، به شکلی محاکمه می شوند که پشت پرده حراج بی سابقه این شرکت مشخص نشود. امید اسدبیگی متهم به اختلاس ۲۵ هزار میلیارد تومان ارز دولتی است. از بالائیهایی که این ارز را در اختیار او گذاشتند نامی برده نمی شود.

همراه با اسدبیگی، کسانی باید محاکمه شوند که اسد بیگیها را تبدیل به اختلاسگران ارز کرده و این جوان تازه به دوران رسیده را مدیر عامل شرکت بزرگ و با سابقه نیشکر هفت تپه کردند.

وضعیت کنونی کارگران نیشکر هفت تپه نتیجه سیاست خصولتی سازی، فامیلی سازی و خودی سازی حکومت است و تنها راه بهبود نسبی وضعیت این کارگران، سپردن مالکیت و مدیریت این واحد تولیدی به خود کارگران است.

رژیم برای مقابله با تداوم و همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه، تعدادی از آنها را دستگیر کرد. حرکت یکپارچه کارگران با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، منجر به آزادی همکاران شان شد. تداوم حرکت اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه نشان می دهد که راهکار سرکوب و دستگیری برای جلوگیری از حرکتهای اعتراضی کارایی خود را به میزان زیادی از دست داده است.

حرکتهای اعتراضی کارگری در ماه گذشته همچنان ابعاد بسیاری داشت که در بخش اخبار جنبش رنگین کمان بشماران پرداخته خواهد شد. اعتراض کارگران شرکت هپکو یکی از این آنها است.

تصمیم دولت روحانی در واگذاری کارخانه هپکو در اراک به شستا (شرکتهای سازمان تامین اجتماعی) در ازای بدهیهای دولت به سازمان تامین اجتماعی، بی اهمیت دانستن زندگی و معیشت کارگران این کارخانه است. رژیم به پول نقد برای تروریسم بیشتر احتیاج دارد تا پرداخت به صندوق تامین اجتماعی.

شستا که مالک آن سازمان تامین اجتماعی است با دسترنج و پرداخت ماهیانه نیروهای کار شکل گرفته است. صندوق این سازمان باید متعلق به عموم کارکنان و بازنشستگان باشد. دولت سهم خود را به این صندوق پرداخت نکرده و مشکلات کارگران در رابطه با دفتر بیمه، حقوق بیکاری و بازنشستگی تحت تاثیر بدهیهای کلان دولت به این صندوق عمومی شده است. سازمان تامین اجتماعی با مالکیت حدود ۱۹۰ شرکت زیر مجموعه شستا، در پرداخت حقوق بازنشستگان مشکل دارد. در اقتصاد ورشکسته با سیاست کازینویی و وارد کردن شرکتهای این سازمان به بورس، بهبودی در صندوق این سازمان به وجود نخواهد آمد.

شرکت هپکو، که یکی از واحدهای بزرگ تولیدی ماشین آلات سنگین و مونتاژ ماشین آلات راهسازی است مانند بسیاری از واحدهای تولیدی دیگر به حراج گذاشته شد و به بخش خصوصی واگذار شد و در وضعیت بدتری دوباره به مالکیت دولت درآمد و سرانجام دولت روحانی اعلام کرد در ازای بدهی کلان، آن را به شستا واگذار کرده است. شستا که با تزریق به بازار بورس، رونقی کاذب به اقتصاد کازینویی بخشید، بار دیگر سرنوشت کارگران را به دست گرفت. این شکل پرداخت بدهی دولت، نانی بر سفره خالی کارگران و بازنشستگان نخواهد آورد.

این اقدام در حالی است که کارگران هپکو بارها برای دریافت حقوق خود و اعتراض به واگذاری به بخش خصوصی در خیابانهای اراک دست به تظاهرات زده تا جایی که با خشونت ماموران حکومت روبرو شدند.

فقر و فلاکت بی سابقه

کارگران و مزدبگیران از ویروس کرونا و بی کفایتی رژیم در مدیریت این بحران، بسیار آسیب دیده اند. تهدید جانی به تهدید گرسنگی و فقر برای نیروهای کار اضافه شده است. بیکاری، ناامنی شغل و فقر معیشتی و... به شکل بی سابقه ای افزایش پیدا کرده است.

حسینعلی شهریاری در مجلس ارتجاع در روز یکشنبه ۲۹ تیرماه گفت: «فقرایی در استان زاهدان و سایر اقصا نقاط کشور هستند شاید نتوانند شش ماه یکبار گوشت بخورند». وی اضافه کرد که: «مردم به خاطر فقر، گرسنگی و فشار» ما را از مجلس و دولت بیرون خواهند ریخت و «این امر خیلی زمان نخواهد برد». (رادیو فردا ۳۰ تیر) رئیس مرکز آمار رژیم از اضافه شدن ۲ میلیون نفر به لشکر بیکاران خبر داد. بر اساس گفته وی: «فصل بهار سال جاری نسبت به فصل مشابه سال قبل حدود ۲ میلیون نفر از بازار کار خارج شده اند که بیش از ۱ میلیون و ۲۰ هزار نفر آن را زنان و ۹۷۰ هزار نفر آنرا مردان تشکیل می دهند.» (اقتصاد نیوز ۲۸ تیر ۹۹) به موازات افزایش بیکاری، فقر هم رشد صعودی داشته و هر روز اقشار بیشتری از مردم به زیر خط فقر و فلاکت رانده می شوند.

بر اساس داده های آماری رئیس اتاق بازرگانی تهران: «۶ دهک جامعه زیر خط فقر» هستند. به گزارش ایلنا، این کارگزار نظام که روز سه شنبه ۳۱ تیر در جلسه اتاق بازرگانی تهران سخن می گفت با اشاره به رشد ۷ برابری قیمت سکه و ۵,۲ برابر شدن قیمت دلار گفت احتمال دارد با «ابر تورم» مواجه شویم.

بدهی است که پایوران نظام هیچ وقت آمار واقعی از فقر و فلاکت مردم را بیان نمی کنند. در جایی که قانون کار رعایت نمی شود و اقتصاد زیرزمینی و پنهان و قاچاق بخش بزرگی از اقتصاد را تشکیل می دهد، آمار واقعی به سختی برملا می شود.

نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس ارتجاع در رابطه با وضعیت قراردادهای سفید از وجود ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر کارگر بدون هیچ قراردادی حرف زد که هیچ بیمه بیکاری به آنها تعلق نمی گیرد. (رکنا ۲۹ تیر ۹۹) اگر آمار مرکز پژوهشهای رژیم مبنی بر وجود ۶۰ درصد اشتغال غیر رسمی در سال ۹۸ را هم در نظر بگیریم می توان وضعیت فاجعه بار کار و معیشت مزدبگیران و کارگران را بهتر دید. اینها گوشه هایی از فقر و فلاکتی است که ولی فقیه ارتجاع با فربه کردن سرنشینان کشتی ورشکسته حکومت با اسم اقتصاد مقاومتی به نیروهای کار تحمیل کرده است.

مافیای شهرداری

کامران عالمی نژاد

جمهوری اسلامی باری دیگر، فساد، بی لیاقتی و ناکارآمدی خود را در برابر حوادث گوناگون، با وجود ادعاهای بی اساس رهبر رژیم، دولتمردان و تفنگدارانش در مورد آمادگی کامل در مقابل تهدیدات و حملات "دشمن"، با صدای مهیب انفجارات و آتش سوزیهای پی در پی در نقاط مختلف کشور به گوش همگان رساند.

نصایح و توصیه های علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، در مورد "رکورد شکنی"، جامه عمل به تن کرده و روز به روز زندگی مردم را با چالشهای بزرگتری روبرو می کند، مردم به تنگ آمده بی آنکه خود نقش تعیین کننده ای در این چرخه جهنمی داشته باشند، ناخواسته در مشکلات پر شمار و در هم تنیده رژیم به بازی گرفته می شوند و دار و ندار خود را در قمار می گذارند که رژیم، از قبل کارتها را به نفع خود چیده است.

شیوع بی سابقه ویروس کرونا در کشور، سقوط بی سابقه ارزش پول ملی، انفجار در پارچین، آتش سوزی در کلینیک پزشکی سینا اطهر، انفجار در تاسیسات هسته ای نطنز، آتش سوزی در شیراز، آتش سوزی در بخشی از نیروگاه "شهید مدحج زرگان" در حومه شهر اهواز، همچنین آتش سوزیهای سلسله وار در جنگلها، تنها بخش از اتفاقاتی بودند که در مدت یکماهه اخیر در کشور رخ داده است. این همان رکوردی است که علی خامنه ای به کرات از آن نام می برد.

در شامگاه روز سه شنبه ۱۰ تیر، ساختمان کلینیک سینا اطهر طعمه حریق شد. زهرا صدراعظم نوری، رییس کمیته ایمنی شورای شهر تهران، اعلام کرد "طبق گزارش اولیه آتش نشانی اشکال در سیستم برق نگهداری سیلندرهای اکسیژن علت وقوع حادثه کلینیک سینا اطهر بوده است". در این حادثه ناگوار ۱۴ نفر مصدوم و ۱۹ نفر بر اثر خفگی ناشی از دود در طبقات فوقانی جان سپردند، تعداد زیادی از کادر بیمارستانی سینا اطهر در بین جانباختگان این حادثه تلخ بودند.

محسن هاشمی، رییس شورای شهر تهران، بلافاصله بعد از این حادثه اعلام کرد: "مدیران کلینیک سینا اطهر پیش از انفجار و آتش سوزی در این مرکز درمانی، چهار بار در سالهای ۹۴، ۹۶، ۹۷ و ۹۸ اخطار ایمنی ساختمان دریافت کرده اند و باوجود اینکه در سال ۱۳۹۶ نامه استنکاف با دستورالعمل شهرداری مجدداً به بیمارستان ابلاغ شده بود، مدیران کلینیک توجهی به این نامه نکرده اند. پس از بی توجهی مدیران این مرکز درمانی به نامه های ارسالی، در سال ۹۷ شهرداری اخطاریه نبود ایمنی به مدیران کلینیک می دهد و پس از بی اعتنائی مجدد این مدیران، اخطاریه جدی در سال ۹۸ به مالک ساختمان ابلاغ شده که به دنبال آن مدیریت ساختمان اقدام به نصب خاموش کننده و سیستم اعلام و اطفای حریق کرده است."

در همین جا لازم به یادآوری است، به دلیل رعایت نکردن پروتکل های ایمنی در ساختمان کلینیک سینا اطهر از قبیل: نصب کامل و صحیح سیستم اعلام و اطفای حریق، دوربند (دودبند) پلکان، دربهای ضدحریق، پلکان خروج اضطراری و ... دامنه فاجعه گستردگی غیر قابل باوری یافته. افرادی که از ترس انفجار سیلندرهای اکسیژن و شعله های آتش به طبقات بالا پناه برده بودند، در همان طبقه محبوس شده و به تدریج دود حاصل از آتش سوزی که در طبقه منهای ۲ شروع شده بود، از طریق راه پله ها به طبقات فوقانی نفوذ کرده و همگی به علت استنشاق دود حاصل جانباختند. این جنایتی است که صاحبان سرمایه بدون کوچکترین اندیشه ای در مقابل ایمنی کارگران و کارمندان، هر روزه در گوشه و کنار کشور مُرتکب می شوند، بدون آنکه دوایر مسوول از آنان بازخواستی کند.

در همین رابطه اما صحبت های محمد سالاری، رییس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران، در گفتگو با "همشهری آنلاین" جالب است. او از ارسال اخطاریه ها و تنظیم گزارشات مبنی بر نایمن بودن ساختمان کلینیک سینا اطهر اظهار بی اطلاعی کرده است.

از آنجا که رویه و برخورد ماموران شهرداریهای کشور در چندین سال گذشته زبازد خاص و عام شده و فیلمها و گزارشهای منتشر شده در شبکه های اینترنتی از طرف شهروندان به خوبی این رفتار ناشایست را به تصویر کشیده، صحت صحبت های

هاشمی، مبنی بر خطاریه های متعدد به صاحب و کارفرمای ساختمان کلینیک سینا اظہر قابل تامل است، نه از آن جهت که شهرداری به مدیران و صاحب ساختمان کلینیک خطاریه ای در مورد ناامن بودن ساختمان نداده باشد، بلکه از این جنبه که چگونه مدیران و صاحب ساختمان توانسته اند به مدت پنج سال ماموران شهرداری را سردوانده و به کار خلاف خود ادامه دهند. چرب کردن سبیل ماموران و در نهایت شهرداری تهران به نظر راهی کم خرج تر از هزینه کردن برای تامین جان انسانهای است که در این مکان به عنوان کارمند و یا بیمار حضور داشته اند.

(تصویر ۱)

رفتار ماموران شهرداری کرمانشاه با خانم آسیه پناهی، نمونه ای از شقاوت و سنگدلی شهرداری در مقابل ضعیف ترین اقشار کشور را به نمایش گذاشت؛ زنی که در زمینی به مساحت چند متر و با ساده ترین مصالح ساختمانی، آلونکی بنا کرده بود و تنها به دلیل غیر مجاز بودن محل بنای این چهاردیواری توسط ماموران شهرداری مورد ضرب و شتم و حمله با اسپری فلفل برای دور کردن او قرار گرفت و در نهایت در مسیر بیمارستان جان باخت. اینکه شهرداریها می بایست در جهت اعمال وظایف مربوط به حوزه شهرداری عمل کنند، محل ابهام برای هیچ کس نیست، اما سووال اینجاست، آیا شهرداریها با تمام کسانی که در سطح شهرها ساخت و سازهای غیر مجاز می کنند رفتاری همانند رفتار شهرداری کرمانشاه با خانم آسیه پناهی داشته اند؟ آیا وظیفه حاکمیت جمهوری اسلامی نیست که برای شهروندان بستر آرامش و آسایش و زندگی در شأن و منزلت انسانی فراهم آورد؟ آیا وظیفه دولتها نیست که شغل و حرفه متناسب با رشته تحصیلی و علاقه افراد برای شهروندان ایجاد کنند؟ آیا وظیفه دولتها نیست که به مشکلات افراد آسیب دیده و ناتوان رسیدگی کنند ... و دهها پرسش دیگر در مورد وظیفه ای که جزو بایدهای غیر قابل انکار هر دولتی است.

رژیم جمهوری اسلامی سوار بر ماشین سرکوب، با سرعتی غیر قابل تصور در مسیر "انقلاب - آزادی" در حرکت است و باید خود را آماده پیاده شدن از مرکب جهل و خرافات دینی کند. مردم این بار به طور حتم برای او این مسیر را کوتاهتر خواهند کرد. عطش رسیدن به "آزادی" رو به فزونی است و تا سر منشا آن چند پیچ بیشتر نمانده است. این شوق و اشتیاق، هر روزه در اعتراضات و تجمعات آنان به وضوح نمایان است.



چالشهای معلمان (تیر ۹۹)

فرنگیس بایقره

تجمع سه روزه مربیان نهضت سوادآموزی در تهران



گروهی از مربیان نهضت سوادآموزی در تجمعاتی سه روزه که از روز یکشنبه یکم تیر ماه آغاز گردید، با تجمع مقابل ساختمان مجلس در تهران خواهان رسیدگی به مطالبات شان شدند. معترضان خواستار لغو اجرای قانون جذب آموزشیاران و آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی مصوب مجلس شورای اسلامی شده و گفتند: "مجلس دهم قانونی برای جذب استخدام آموزشیاران و آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی تصویب کرده که به موجب آن

آموزشیاران و آموزش دهندگان باید از طریق آزمون تبدیل وضعیت بشوند، این درحالی است که از سال گذشته از ما خواسته شده برای ادامه همکاری باید در آزمون دانشگاه فرهنگیان شرکت کنیم و در صورت عدم قبولی اخراج می شویم." آنها افزودند: "ما خواهان لغو قانون استخدام آموزشیاران و آموزش دهندگان حق التدریسی نهضت سوادآموزی همانند سایر گروههای آموزشی مانند حق التدریسیها، سرباز معلمها و خرید خدمتیهها هستیم."

طبق گفته تجمع کنندگان، با وجود اعتراضات جمعیت ۲۴ هزار نفری آموزشیاران و آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی به آزمون استخدامی و قولهای بی نتیجه مسوولان، کسی پاسخگو نیست به همین دلیل ناچار شده اند برای چندمین بار برای پیگیری مطالبات شان به تهران سفر کنند.

تجمع معلمان مدارس غیردولتی کشور

شماری از معلمان مدارس غیردولتی کشور روز یکشنبه یکم تیر، در اعتراض به شرایط کاری و قراردادی خود مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در تهران تجمع کردند.



معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار استخدام در آموزش و پرورش، داشتن امنیت شغلی، داشتن سهمیه دولتی، برگرداندن بیمه سالهای قبل و استفاده از بیمه حمایتی دولت شدند. یکی از معترضان گفت: "هفته سال است معلم آموزش و پرورش در مدارس غیردولتی هستیم و در حالیکه شاگردانم به

مدارج بالای علمی رسیده اند، خود من هنوز یک کارت ساده پرسنلی هم ندارم."

معلم دیگری می گوید: "بسیاری از همکارانم از بیمه هم محروم هستند، چراکه کارفرمایان که همان مووسسان هستند، به آموزش و پرورش در مورد نحوه قرارداد و پرداخت حقوق و مزایای ما پاسخگو نیستند و وزارت کار هم برابر قوانین خودش با مساله ما مواجه می شود. سالهاست بار مالی زیادی را از دوش آموزش و پرورش برداشته ایم و حالا با داشتن تحصیلات عالی و سالها تجربه، آینده ای نداریم. استخدام کمترین خواسته ماست، برای اینکه گوشه ای از مشکلات مان حل شود." معترضان گفتند: "هر وقت اعتراض می کنیم می گویند خودتان رفتید و خودتان خواستید. بله، خودمان رفتیم، اما به خاطر این بود که نمی خواستیم بعد از چند سال درس خواندن و زحمت کشیدن گوشه خانه بنشینیم و مدرک مان خاک بخورد."

تجمع شماری از معلمان و فرهنگیان بازنشسته

شماری از معلمان و فرهنگیان بازنشسته روز دوشنبه ۲ تیر، مقابل ساختمان برنامه و بودجه در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. این معلمان خواستار رسیدگی به وضعیت معیشتی و دیگر مطالبات خود شدند.

بیانیه چهار تشکل معلمی و کارگری در محکومیت حکم اعدام معترضان آبان

کانون صنفی معلمان اسلام شهر، انجمن صنفی معلمان کردستان -مریوان، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در یک بیانیه مشترک حکم بیدادگاه جمهوری اسلامی علیه سه تن از معترضان آبان را محکوم کرده و خواهان اعتراض همگان بدان شدند.



این تشکلهای کارورزی نوشتند: "ما قویا حمایت خود را از امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی، سه جوانی که برایشان حکم اعدام صادر شده و دیگر معترضین آبان ماه ۹۸ که برایشان حکم اعدام صادر شده است، اعلام می کنیم، ما به گلوله بستن، زندان و انواع فشارهای پلیسی و امنیتی بر معترضان را

شدیدا محکوم کرده و خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان آبان ۹۸ و پیش تر از آن دی ماه ۹۶ هستیم."

بیانیه تاکید کرده است: "سکوت در برابر صدور احکام اعدام برای دستگیرشدگان قیام فرودستان در آبان ماه منجر به قربانی شدن تعداد بیشتری از شرکت کنندگان در این قیام خواهد شد."

فعالان صنفی نوشتند: "در اعتراضات سراسری آبان ماه صدها تن از معترضان به فقر، گرانی و فلاکت روزافزون با شلیک هدفمند، جان باختند و بیش از هشت هزار تن از معترضان، عموما از محله های زحمتکشان فرودست، بازداشت و زندانی

شدند. پاسخ حکومت به این اعتراض تنها خشونت حداکثری بود و هیچ گام ناچیزی برای تغییر شرایط اسف بار کارگران، مزدبگیران و فرودستان برداشته نشد."

چهار تشکل مستقل با اشاره به هدف سرکوب و احکام اعدام روشن کرده اند: "صاحبان قدرت برای حفظ منافع سرمایه داران و صاحبان ثروت‌های رانتی و بادآورده با ایجاد جو ارباب عمومی قصد خفه کردن هر اعتراضی در نطفه را دارند و هیچ برنامه اقتصادی برای بهبود شرایط اسفبار روز افزون معیشت کارگران و زحمتکشان و مردم فرودست ندارند."

معاون وزیر: استانهای با وضعیت بهتر می توانند از اول شهریور مدارس را بازگشایی کنند

شاپور محمدزاده، معاون وزارت آموزش و پرورش در باره بازگشایی مدارس با وجود شیوع کرونا گفت: "شروع سال تحصیلی جدید از ۱۵ شهریور اعلام شده و حتی در استانهای با وضعیت بهتر نیز می توانند دو هفته زودتر واحدهای آموزشی را بازگشایی کنند."

انتقال هاشم خواستار از زندان وکیل آباد مشهد به پزشکی قانونی

هاشم خواستار، معلم و کنشگر مدنی زندانی، روز دوشنبه ۱۶ تیر از زندان وکیل آباد مشهد به پزشکی قانونی منتقل شد. انتقال آقای خواستار همراه با دستبند و پابند و با لباس زندان صورت گرفته است. مشخص نیست که دلیل اعزام این فعال مدنی زندانی به پزشکی قانونی چه بوده است.

هاشم خواستار در تاریخ ۲۰ مرداد ۹۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. آقای خواستار بهمن ماه ۹۸ در مرحله بدوی توسط شعبه ۴ دادگاه انقلاب مشهد به ریاست قاضی منصوری به ۱۶ سال حبس، ۳ سال تبعید به شهرستان نیکشهر و ۳ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. اتهامات وی "توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی، توهین به مقدسات، توهین به رهبری، تشویش اذهان عمومی، همکاری با رسانه های خارجی، شرکت در تجمعات غیرقانونی" عنوان شده است. آقای خواستار در نهایت توسط شعبه ۳۵ بیدادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی به ۱۶ سال حبس، ۲ سال تبعید به شهرستان نیکشهر و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد

اعتراض تشکل صنفی فرهنگیان به محکومیت ۷ کنشگر فرهنگی خراسان شمالی

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه ای به محکومیت هفت عضو هیات مدیره انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی از سوی دادگاه انقلاب بجنورد اعتراض کرده و از ابراهیم ریسی، رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، خواستار بازنگری در این احکام شد.



در این بیانیه این تشکل آمده است: "دادگاه انقلاب بجنورد علی رغم فقدان هرگونه مدرک و سند در پرونده، هفت معلم خراسانی (محمدرضا رمضان زاده، حسین رمضان پور، سعید حق پرست، مصطفی رباطی، حمیدرضا رجایی، علی فروتن و حسن جوهری) را به اتهام تلاش برای تهاجم به مراکز نظامی و تسخیر آنها، توهین به مسوولان و ... به تحمل حبسهای طولانی، تبعید

و شلاق محکوم نموده است، درحالیکه نه وکیل، نه هفت متهم ماجرا در جلسات دادگاه و هنگام رویت محتویات پرونده هرگز یک بند انگشت سند یا گزارش از این اتهامات کاملا کذب مشاهده نکرده اند."

این تشکل ابراهیم ریسی را فراخوانده: "مسوولان به این موضوع ورود کنید و پرونده های مربوط به آن را که به منظور اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور ارجاع شده است، مورد بازنگری و رسیدگی دقیق قرار دهید."

معلمان تاکید کرده اند: "شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بنابر وظیفه ذاتی خود هرگز همکاران خویش را در فراز و نشیبهای کنشگری صنفی، تنها نخواهد گذاشت و تمام تلاش خود را برای حمایت اصولی و موثر از آنها به کار خواهد بست."

مرخصی یک هفته ای معلم زندانی

روز پنجشنبه ۱۹ تیر آقای محمدعلی زحمتکش، فعال صنفی فرهنگیان، با ضمانت چهار همکار فرهنگی از استان فارس، برای مدت یک هفته از زندان عادل آباد شیراز به مرخصی آمد. این فعال صنفی معلمان در تاریخ ۸ بهمن ۹۷، توسط شعبه یک دادگاه انقلاب شیراز به ریاست قاضی ساداتی به دو سال حبس تعزیری و یک سال تبعید به شهرستان ارسنجان و پرداخت جزای نقدی محکوم شده بود. اتهامات عنوان شده علیه وی "تبلیغ علیه نظام" و "توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی" بود و حضور در تجمعات معلمان شیراز و تهران نیز دیگر موضوعی بوده که جلسه دادگاه به آن پرداخته شد.

گردهمایی در همبستگی با همکاران زندانی

روز شنبه ۲۱ تیرماه، بیش از ۶۰ تن از نمایندگان تشکلهای و فعالان صنفی از سراسر ایران بدون فراخوان عمومی برای پشتیبانی از هفت تن از اعضای انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی که به خاطر احقاق حقوق خود و تلاش برای بهبود



سیستم آموزش و پرورش به ۴۱ سال زندان، شلاق و تبعید محکوم شده اند، در کنار سایر فعالان صنفی در شهر بجنورد حضور یافتند. نمایندگان تشکلهای صنفی ضمن همدلی با خانواده های این معلمان، در این باره با مسوولان منطقه ای نیز دیدار کردند. محمدرضا رمضان زاده، سعید حق پرست، علی فروتن، مصطفی رباطی، حسن جوهری، حمیدرضا رجایی و حسین رمضان پور اعضای انجمن صنفی فرهنگیان خراسان

شمالی، اردیبهشت ماه سال جاری به زندان، تبعید، شلاق، جریمه نقدی و اخراج محکوم شدند.

وعده نوبخت: پاداش بازنشستگان فرهنگی سال ۹۸ تا قبل از مهرماه پرداخت می شود

محمد باقر نوبخت، رییس سازمان برنامه و بودجه، با ادعای اینکه امسال بودجه آموزش و پرورش تا ۱۱۰ درصد تخصیص می یابد، گفت: "پاداش پایان خدمت فرهنگیان بازنشسته تا مهر ماه پرداخت می شود." نوبخت ادامه داد: "ما مقید هستیم و فرهنگیان نیز مطلع باشند انشاءالله قبل از مهرماه سال جاری پاداش بازنشستگان سال ۹۸ را تسویه خواهیم کرد."

تجمع فرهنگیان غیر انتفاعی با سفره های خالی در برابر مجلس

تعدادی از فرهنگیان شاغل در مدارس غیرانتفاعی استان مازندران با سفر به تهران روز یکشنبه ۲۲ تیرماه در مقابل ساختمان مجلس در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند. این فرهنگیان در اعتراض به اوضاع نامناسب اقتصادی، همسان نبودن درآمد با مخارج روزانه و محرومیت از استخدام رسمی در آموزش و پرورش که باعث شده از امنیت شغلی محروم شوند، این تجمع را برگزار کردند.



معترضان بنر و پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها از جمله نوشته شده بود: "برای جبران کمبود معلم، معلمان با تجربه مدارس غیر انتفاعی را استخدام کنید." آنها با رعایت فاصله فیزیکی، به صورت گروهی در مقابل مجلس تحصن کرده و تی شرت‌های سفیدی که بر روی آن مطالبات خود را نوشته بودند، به تن داشتند.

طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی رد شد

سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس از رد طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی در نشست کمیسیون آموزش خبر داد.

احمدحسین فلاحی در تشریح نشست روز یکشنبه ۲۹ تیر این کمیسیون گفت: "طرح رسیدگی به طرح اصلاح ماده الحاقی مصوبه ۱۳۹۷/۶/۱۳ به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزشیاران نهضت سواد آموزی در وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۵/۷/۱۳۸۸ و اصلاحات و الحاقات بعدی از سوی کمیسیون رد شد." این نماینده مجلس افزود: "این طرح به صحن علنی مجلس باز خواهد گشت که ممکن است با تلاش طراحان مجدداً به رای گذاشته شود."

محکومیت فعال صنفی به شلاق و ده سال زندان

محمدرضا رمضان زاده، عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان استان خراسان شمالی، به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی معلمان در سال ۹۷، به ۱۰ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

آقای رمضان زاده پس از تحصن سراسری معلمان در روزهای سه شنبه ۲۲ و چهارشنبه ۲۳ آبان ۹۷، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود.

در جریان تحصن سراسری معلمان در روزهای ۲۲ و ۲۳ آبان ۱۳۹۷ دستکم ۱۴ معلم در استانهای خراسان شمالی، فارس، مرکزی، کردستان، خوزستان و کردستان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

(منابع: عصر زاگرس، ایران اینترنشنال، ایرنا، هرانا، خانه ملت، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، تسنیم، گروه اتحاد بازنشستگان)

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

زنان در مسیر رهایی (تیر ۹۹)

اسد طاهری

زنان مهاجر نیجریه در صدر قربانیان بهره کشی جنسی

بنا بر گزارش سازمان بین المللی مهاجرت، زنان نیجریه بیش از هر گروهی در جهان قربانی قاچاق هستند. این سازمان



تخمین می زند که حدود ۸۰ درصد از زنان و دخترانی که از نیجریه به اروپا می رسند، در ایتالیا یا دیگر کشورهای اروپایی به اسارت قاچاقچیان درآمد و مورد بهره برداری جنسی قرار می گیرند.

این سازمان همچنین با اتکا به اسناد جمع آوری شده، از سوواستفاده جنسی گسترده از زنان و دختران مهاجر در لیبی خبر می دهد. اسناد همچنین از افزایش قابل توجه شمار زنان و دختران مهاجری حکایت دارد که در زمان

رسیدن به سواحل اروپا به دلیل تجاوز جنسی در دوران اقامت در لیبی، باردار بوده اند.

در ایالت "ادو" واقع در جنوب نیجریه در نزدیکی خلیج گینه، نمی توان کسی را یافت که عضوی از خانواده اش در اروپا نباشد. صدها تن از دختران جوان "ادو" هر ساله از مسیر لیبی به اروپا و آسیا قاچاق می شوند. این ایالت اکنون در سطح بین الملل به عنوان یک قطب قاچاق جنسی شناخته می شود. در سال ۲۰۲۰ میلادی تنها روی ۳۳ پرونده قاچاق انسان در این ایالت تحقیق شده و از این تعداد نیز تنها تحقیقات ۱۴ پرونده کامل و به دادگاه فرستاده شده است.

تا کنون هیچ حکمی برای متهمان به قاچاق انسان در این پرونده ها صادر نشده و هیچ فردی نیز محکوم نشده است، زیرا سیستم قضایی در این منطقه کند و فاسد است و حتی گاه قاچاقچی، خود عضوی از خانواده فرد قربانی است.

کرونا در افغانستان؛ دسترسی محدود زنان به آزمایش



کمیته نجات بین المللی در گزارش تازه از نابرابری جنسیتی دسترسی به آزمایش ویروس کرونا در کشورهای فقیر از جمله افغانستان ابراز نگرانی کرده است.

در گزارش این سازمان که روز پنجشنبه ۵ تیر منتشر شد، آمده است که در کشورهای فقیر به ویژه افغانستان، پاکستان، سومالی، یمن، چاد و جمهوری آفریقای مرکزی موارد شناسایی شده کووید-۱۹ کمتر از ۳۰ درصد اعلام شده است. گزارش تاکید کرده دسترسی زنان به آزمایش کرونا نیز در این کشورها محدود بوده است.

وزارت بهداشت افغانستان در واکنش به این گزارش تایید می کند که زنان در مقایسه با مردان در این کشور کمتر به خدمات بهداشتی از جمله آزمایش ویروس کرونا دسترسی دارند.

"اکمل سمسور"، سخنگوی وزارت بهداشت افغانستان، گفت براساس آمار رسمی در مجموع در سراسر افغانستان ۷۳ درصد مردان و ۲۷ درصد زنان به ویروس کرونا مبتلا شده اند.

محدودیت‌های بیشتر برای دوچرخه سواری زنان

به دستور اداره اماکن استان اصفهان، دو ایستگاه تحویل دوچرخه در این شهر تعطیل شد. این دو ایستگاه در خیابانهای "دروازه دولت" و "انقلاب" اصفهان به دلیل اجاره دادن دوچرخه به زنان پلمب شدند.



استان اصفهان با اینکه همیشه میزبان گردشگران بسیاری است، ولی قوانین سختگیرانه ای را نسبت به زنان اعمال می کند. طبق دستورالعمل دادستانی اصفهان، ایستگاههای دوچرخه در این شهر باید از دادن دوچرخه به زنان و افراد کمتر از ۱۵ سال خودداری کنند.

بهار سال گذشته دادستان عمومی و انقلاب اصفهان اعلام کرد: "بر طبق فتوای علما و همچنین براساس قانون، دوچرخه سواری بانوان در فضای عمومی فعل حرام است. نیروی انتظامی دوچرخه سواران زن در سطح شهر را متوقف کرده و در صورت نداشتن مدارک هویتی، دوچرخه فرد را توقیف می کنند."

دادستان عمومی و انقلاب اصفهان دلیل این ممنوعیت را اعتراض "ائمه جمعه" و "خانواده شهدا" و همچنین "تعرضات و مزاحمت برای زنان دوچرخه سوار" عنوان کرد. در روزهای گذشته دادستان شهر طرقله و شاندیز در خراسان رضوی نیز دوچرخه سواری زنان در این شهرها را ممنوع اعلام کرده بود.

رای دیوان عالی آمریکا به نفع کلینیکهای سقط جنین



دیوان عالی آمریکا قانونی که فعالیت کلینیکهای سقط جنین را در ایالت لویزیانا محدود می کرد، مغایر با قانون اساسی ایالات متحده دانسته است.

بر اساس قانونی که شش سال پیش در ایالت لویزیانا تصویب شد، فقط پزشکانی اجازه انجام عمل سقط جنین دارند که از "اولویت بستری کردن بیمار در بیمارستانی در شعاع ۴۸ کیلومتری مطب خود" برخوردار باشند.

مخالفان این قانون می گویند این مصوبه گزینه های سقط جنین را برای زنان محدود می کند.

پیش تر، دادگاه محلی این قانون را مغایر با قانون اساسی آمریکا دانسته بود، ولی دادگاه تجدید نظر به معتبر بودن آن رای داده بود.

دیوان عالی آمریکا در رای خود این قانون را موجب رنج غیرضروری زنان دانست. "جان رابرتس"، قاضی ارشد دیوان عالی که نظرش به محافظه کاران نزدیک است، به همراه چهار قاضی لیبرال دیوان عالی آمریکا به نفع کلینیکهای سقط جنین رای داد. دیوان عالی آمریکا چهار سال پیش قانون مشابهی را در تگزاس رد کرده بود. این نخستین رای دیوان عالی آمریکا در رابطه با سقط جنین از زمان روی کارآمدن دونالد ترامپ است.

پنج زن کنگویی جنایت دولت بلژیک را نه می بخشند و نه فراموش می کنند



۵ تن از زنان شهروند کنگو از دولت بلژیک به خاطر "ارتکاب جنایت علیه بشریت" شکایت کردند.

این زنان که در دهه ۴۰ میلادی از پدران سفیدپوست و مادران سیاه پوست در کشور کنگو، مستعمره وقت بلژیک، به دنیا آمده اند، در سن دوتا سه سالگی با همکاری نظامیان بلژیکی ربوده شده و توسط خواهران مسیحی صدها کیلومتر دورتر از محل زندگی والدین خود، تربیت می

شوند. این زنان می گویند به دلیل یتیم بودن شان بارها به عنوان "کودکان سرراهی" و "نتیجه گناه دیگران" تنبیه و مجازات شده اند. به دلیل دو رگه بودن، نه جامعه سیاهپوستان و نه بلژیکیهای سفید حاضر نمی شوند از آنها سرپرستی کرده و حامی شان باشند.

"شارل میشل"، نخست وزیر وقت بلژیک، در آوریل سال ۲۰۱۹ به طور رسم از کودکان قربانی که در کنگو به دستور پادشاه بلژیک از خانواده هایشان جدا می شدند، عذرخواهی کرد. اما وکیل این پنج زن کنگویی می گوید: "حملات و ربودن کودکان دورگه کاملا طرحی برنامه ریزی شده از سوی دولت پادشاهی بلژیک بود؛ سیاستی که نژادپرستانه و تنفر برانگیز است."

به گفته آقای "مارشاند"، تنها یک عذرخواهی نمادین نمی تواند برای قربانیان این فاجعه انسانی کافی باشد.

بحران کرونا؛ دو میلیون دختر در معرض خطر ناقص سازی اندام جنسی

در پی شیوع بحران کرونا در جهان، فعالیتهای نهادهای غیرانتفاعی در حمایت از دختران و جلوگیری از ناقص سازی اندام جنسی آنها به حالت تعلیق در آمده است.



به گزارش مدیر اجرایی "آژانس بهداشت جنسی و تولید مثل" وابسته سازمان ملل متحد، تا یک دهه آینده به علت بحران کرونا بیش از دو میلیون دختر در سراسر دنیا در معرض "ختنه زنان" قرار می گیرند.

بنا بر گزارش "مونیکا فرو"، فقدان آگاهی رسانی نهادهای مدنی، تعطیلی مدارس و عدم دسترسی به بهداشتکاران، بسیاری از خانواده ها را به سمت سنتهای رایج سوق داده است تا دختران خود را به دست تیغ بسپارند و آنها را به ازدواج مردان در آورند.

در حالی که سازمان ملل سال ۲۰۳۰ را به عنوان پایان ناقص سازی اندام جنسی زنانه هدف گذاری کرده بود، به نظر کنشگران مدنی این هدف تحت تاثیر همه گیری کرونا دور از دسترس شده است.

اجازه قیم برای خروج از کشور، زن بازرگان ایرانی را مالباخته می کند

فاطمه مقیمی، رییس کانون ملی بازرگانان ایران، قانون اجازه همسر یا پدر برای خروج از کشور را یکی از مشکلات بزرگ بر سر راه زنان بازرگان کشور دانسته و می گوید: "به عنوان مثال زن بازرگانی که در حال تجارت بین المللی است، باید



برای پیگیری کالای خود به کشورهای دیگر عزیمت کند، اما قانون جمهوری اسلامی از خروج او بدون اذن همسر و یا پدر جلوگیری می کند. به طور حتم این زن بعدها به یک مالباخته تبدیل شده و باید شکست اقتصادی سنگینی را متحمل شود."

مهرماه سال ۹۶ پس از آنکه دو زن ورزشکار ملی پوش به دلیل اجازه ندادن همسران شان از شرکت در مسابقات بین المللی خارج از کشور محروم ماندند، مجلس شورای اسلامی با کلیات "طرح تسهیل خروج زنان دارای شرایط ویژه" از کشور بدون اذن همسر موافقت کرد.

در این طرح، سفرهای زیارتی، المپیادها و مسابقات بین المللی ورزشی جزو استثنائاتی در نظر گرفته شده که زنان بدون اجازه همسر، ولی با تایید دادستانی امکان خروج از کشور را می یابند. حقوقدانان جمهوری اسلامی طرح یاد شده را ناقص دانسته و برای نمونه در نظر گرفته نشدن زنان خبرنگار یا بازرگان را که برای پوشش خبری یا امضای قرارداد تجاری

مجبور به خروج از کشور هستند، جزو نواقص این طرح خوانده اند. این در حالی است که حق سفر و اقامت یک حق بنیادی و عام است که همه زنان باید از آن برخوردار باشند.

"به خاطر دختر بودن اجازه اجرا نمی دهند"



پرافتخارترین دختر نوجوان تکنواز ایران در رشته دوتار می گوید به خاطر دختر بودنش در بسیاری مواقع مانع نوازندگی اش شده اند.

مهدیس ابراهیمیان می افزاید: "خیلی مواقع با من برای اجرای برنامه از قبل هماهنگ کرده بودند که در مراسمی دوتار بزنم و دو سه روز وقت گذاشتم و تمرین کردم اما قبل مراسم به من اطلاع دادند که اجرای شما کنسل است و به خاطر اینکه دختر هستم، اجازه اجرا نمی دهند."

به گفته او، در شش سالی که دوتار را شروع کرده، اگرچه هر ساله در مسابقات و جشنواره های مختلف از سطح شهرستانی گرفته تا بین المللی مقام کسب کرده، اما "مسئولان آن چیزی را که باید ببینند، نمی بینند و آن چیزی که نباید ببینند را می بینند". او می گوید: "جرم من و گناه من این است که دخترم."

مهدیس ابراهیمیان پیرامون برخورد حذفی مقامها و دوایر حکومتی می گوید: "در جشنواره ملی جوان که نام تربت جام را پرآوازه کردیم، هیچ مسئول شهرستانی و استانی از ما حمایت نکرد و هزینه ایاب و ذهاب و اسکان با خودمان بود و شب در پارک روبروی تالار وحدت خوابیدیم."

سودان لغو شریعت اسلامی را آغاز کرد

دولت موقت سودان در حال پیشبرد اصلاحات و انجام تغییراتی در قوانین سختگیرانه این کشور است. در این راستا از جمله حکم ارتداد، ختنه زنان، ممنوعیت نوشیدن الکل برای غیر مسلمانان لغو شده و زنان برای سفر به اجازه همسر نیازی ندارند.



پس از گذشت حدود سی سال "نصرالدین عبدالباری"، وزیر دادگستری دولت موقت سودان، در سخنانی در تلویزیون دولتی این کشور از انجام تغییراتی در قوانین سختگیرانه شریعت اسلامی و اصلاح نظام حقوقی این کشور خبر داد. او در سخنان خود تاکید کرد که تمام قوانین ناقض حقوق بشر در این کشور لغو خواهند شد. در قانون اساسی دولت انتقالی

سودان که سه سال است قدرت را در این کشور شمال شرق آفریقا در دست گرفته، تعریف سودان به عنوان یک کشور اسلامی حذف شده است.

از روز ۱۰ جولای/ ۲۰ تیر ختنه زنان و مثله کردن دستگاه تناسلی آنان در سودان جرم محسوب می شود و کسانی که مبادرت به این عمل کنند، به حدود سه سال حبس و پرداخت جزای نقدی محکوم می شوند. بیمارستانها و یا نهادهای دیگر نیز در صورت این اقدام با خطر تعطیل روبرو خواهند شد.

به گفته وزیر دادگستری سودان، در قوانین جدید همچنین زنان سودانی برای انجام سفر به تنهایی و یا با فرزندان خود، مجبور به کسب اجازه از همسر نیستند.

در ارتباط با لغو احکام محدود کننده زنان در سودان، هشت ماه پیش نیز قوانین مربوط به تعیین پوشش زنان و رفتار آنان ملغی شده بود.

عمر البشیر، دیکتاتور پیشین سودان که شریعت اسلامی را برای نظام حقوقی و قضایی این کشور انتخاب کرده بود، در بهار سال گذشته در پی اعتراضهای شدید مردمی پس از گذشت سی سال از قدرت برکنار شد.

انتقاد عفو بین الملل از فشارهای "زن ستیزانه" علیه مخالفان در بلاروس

سازمان عفو بین الملل از روشهای "زن ستیزانه" مقامهای بلاروس علیه مخالفان دولت در آستانه انتخابات ریاست جمهوری انتقاد کرد.

"ماری استراترس"، مسوول بخش اروپای شرقی و آسیای مرکزی این سازمان، مقامهای بلاروس را متهم کرد که به عمد



فعالان سیاسی زن یا اعضای خانواده آنها را مورد اذیت و آزار قرار می دهند. به گفته ماری استراترس، مقامهای بلاروس در همین راستا از تبعیضهای علنی و تهدید به خشونت جنسی ابایی ندارند.

در بیانیه ای که سازمان عفو بین الملل در این باره منتشر کرد، "الکساندر لوکاشنکو"، رئیس جمهوری این کشور، به ترویج "زن ستیزی" متهم شده است.

این سازمان مدافع حقوق بشر به طور خاص به ادعای "ویتالیا ناوومیک"، همسر یکی از مخالفان دولت بلاروس، استناد کرده است.

ویتالیا ناوومیک گفته است که مقامهای بلاروس اواخر ماه مه (اوایل خرداد) هنگام تفتیش منزلش تهدید کرده اند که سرپرستی دخترش را از او سلب خواهند کرد. سازمان عفو بین الملل همچنین به ادعای شریک زندگی یکی دیگر از مخالفان دولت بلاروس اشاره کرده که می گوید هنگام بازجویی در کمیساریای پلیس تهدید به تجاوز جنسی شده است.

بیانیه عفو بین الملل در حالی منتشر می شود که سه گروه مخالف دولت این کشور برای شکست الکساندر لوکاشنکو در انتخابات ریاست جمهوری با یکدیگر هم پیمان شده اند. رهبری این سه گروه را سه زن برعهده دارند. نامزد مورد حمایت آنها در انتخابات ریاست جمهوری، یک زن ۳۷ ساله به نام "سوتلانا تیخانوسکایا" است

(منابع: رادیو فردا، ایلنا، ایندپندنت، یورونیوز، بی بی سی، ایرنا، رکنا، دویچه وله)

پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

رویدادهای هنری (تیر ۹۹)

فتح الله کیائیها

موسیقی

انتشار اولین آلبوم موسیقی دالایی لاما



دالایی لاما در هشتاد و پنجمین سالروز تولدش یک سی دی موسیقی با یازده قطعه "مانترا" (موسیقی آوایی) منتشر کرد. او معتقد است که موسیقی می تواند روح بشر را صیقل دهد.

رهبان بوداییان جهان که از سال ۱۹۵۰ در تبعیدی خود خواسته از تبت خارج و در هند بسر می برد، در باره آلبومش می گوید: "موسیقی می تواند روح بشر را صیقل دهد و به شیوه ای به مردم کمک کند که من قادر به انجام آن نخواهم بود."

دالایی لاما به این نتیجه رسیده که موسیقی از جمله ناقل این پیام است که منبع واقعی خوشبختی، خوش قلبی و مهرورزی به دیگران است. آلبوم او با عنوان "دنیای درونی" قرار است شنونده را در رسیدن به این هدف کمک کند. انگیزه تولید سی دی موسیقی را "جونل کونین"، موزیسین ونزولایی و یکی از شاگردان دالایی لاما، در او برانگیخت.

اعتراض نیل یانگ و رولینگ استونز به ترامپ



به گزارش "هالیوود ریپورتر"، "نیل یانگ"، خواننده و آهنگساز کانادایی، اعلام کرد که از پخش شدن قطعاتش در برنامه های کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ بی خبر بوده و به آن معترض است.

این خواننده راک کانادایی الاصل که چندی پیش شهروند آمریکا شد، در توییتی اعلام کرد که پخش قطعات "همچون گردباد" و "راکین در دنیای آزاد" بدون اجازه او صورت گرفته است.

وی که پیشتر در نامه ای سرگشاده به باراک اوباما ضمن انتقاد از سیاستهای دونالد ترامپ، حمایت خود را از نامزد دموکراتها در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو اعلام کرده، تاکید کرد ترانه های او چیزی نیست که بتواند ترامپ از آنها به نفع خود استفاده کند.

یانگ گفت: "امیدوارم وقتی ترامپ "نواختن راک در دنیای آزاد" را می شنود خوب به یاد داشته باشد که خواننده این آهنگ آن شهروند آمریکایی است که مالیات می دهد و از عملکرد او به شدت ناراضی است."

پیش از این هم گروه "رولینگ استونز" ترامپ را تهدید کرده بود که به سبب سوواستفاده از آثارش از جمله قطعات "همیشه نمی توانی چیزی که می خواهی را بدست بیاوری" و "عقب نخواهم نشست" در کارزار انتخاباتی خود به دادگاه عالی آمریکا شکایت خواهد کرد.

این گزارش می افزاید که تیم کاری رولینگ استونز با همکاری مشاوران حقوقی بی.ام.آی درصد طرح این دعوی علیه ترامپ هستند.

بیانسه و جایزه خدمات بشر دوستانه

"بیانسه"، خواننده مشهور آمریکایی، همزمان با دریافت جایزه بشردوستانه در مراسم اهدای "جوایز بی ای تی"، طرفداران سیاه پوست خود را ترغیب کرد تا در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا شرکت کنند و گفت: "چنان رای دهید که گویی زندگی تان به آن بسته است."

این خواننده آهنگ "تشکیلات"، جایزه یاد شده را شب یکشنبه ۲۸ ژوئن / ۸ تیر طی مراسم اهدای جوایزی که توسط شبکه تلویزیون و سرگرمی سیاهپوستان "بی ای تی" برگزار شد، دریافت کرد.



در این مراسم که به صورت مجازی برگزار شد، میشل اوباما جایزه را به بیانسه تقدیم کرد و او را برای "سکوت نکردن در برابر تبعیضهای نژادی و جنسیتی" مورد ستایش قرار داد.

اوباما گفت: "شما می توانید این حساسیت را در همه کارهایی که بیانسه انجام می دهد ببینید، از موسیقی اش گرفته که صدای رنج و

شادی سیاهان است، تا فعالیتهای اجتماعی اش که خواستار عدالت در زندگی سیاه پوستان است."

بیانسه در این مراسم گفت: "از بی ای تی برای این افتخار زیبا سپاسگزارم. می خواهم این جایزه را به تمام برادرانم در جامعه تقدیم کنم، به خواهرانم که از آن بیرون الهام بخش من هستند، به شما که برای تغییر تظاهرات می کنید و می جنگید. صدای شما شنیده شد و شما ثابت کردید که مبارزه نیاکان ما بیهوده نبود."

سینما



چهار هنرمند ایرانی به عضویت اسکار در آمدند

آکادمی علوم اسکار در واکنش به اتهام نژادپرستی و جنسیت زدگی، شمار زنان و هنرمندان در اقلیت خود را افزایش داده است. چهار هنرمند ایرانی، نرگس آبیاری، ستار اورکی، سمیرا مخملباف و علی عباسی از اعضای جدید این آکادمی هستند. آکادمی علوم اسکار ۸۱۹ هنرمند را به عنوان اعضای جدید خود معرفی کرد. شمار قابل توجهی از اعضای آکادمی امسال زن و از هنرمندان در اقلیت هستند.

علی عباسی فیلمساز جوان ایرانی دانمارکی با فیلم "مرز" به شهرت رسید.

سمیرا مخملباف از کارگردانان نامدار ایرانی خارج از کشور است که سال ۲۰۰۰ با فیلم "تخته سیاه" برنده جایزه ویژه هیات داوران جشنواره فیلم کن شد و سال ۲۰۰۳ نیز با فیلم "پنج عصر" جایزه ویژه هیات داوران در بخش مسابقه اصلی فستیوال کن را از آن خود کرد.

ستار اورکی آهنگساز شماری از فیلمهای سالهای اخیر سینمای ایران از جمله "جدایی نادر از سیمین" و "فروشنده" است. نرگس آبیاری کارگردان فیلمهایی چون "شبی که ماه کامل شد" و "شیار ۱۴۳" سال ۲۰۱۷ با فیلم "نفس" نماینده ایران در رشته بهترین فیلمهای بین المللی اسکار بود، اما به جمع نامزدهای نهایی جایزه راه پیدا نکرد.

بعضی از کاربران شبکه های اجتماعی به انتخاب نرگس آبیاری برای عضویت در اسکار انتقاد کرده اند. آنها او را "فیلمسازی حکومتی" می دانند که فیلمهایش "هم جهت با پروپاگاندای حکومت است".

حسین رونقی از فعالان دانشجویی که به دنبال اعتراضات سال ۸۸ سالها در زندان بود، در رشته تویتهایی خاطره ای از بازدید خانم نرگس آبیاری از زندان اوین می نویسد. آقای رونقی توییت کرده است که او به همراه چند زندانی دیگر در اعتراض به این بازدید فریاد زدند: "شو راه انداختید؟ از اینجا برو ببین ۲۰۹ و ۲-الف و ۳۵۰ چطور و با زندانیها چی کار کردن!"

اما هنگامی که مسوولان زندان او را می گیرند و دهانش را می بندند، خانم آبیاری و اطرافیانش بی تفاوت با یک لیخند رضایت عبور می کنند.

کاربر دیگری می گوید این انتخاب از این جهت برایش ناراحت کننده بوده که "امثال بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، جعفر پناهی، نادری و دیگران اجازه ساخت فیلم نداشته باشند و فیلمسازانی وابسته و فیلمهایی حکومتی می شوند نمایندگان سینمای ایران".

مستند زندگی جوهانسن کلید خورد



"مارتین اسکورسیزی" قرار است ساخت مستند زندگی "دیوید جوهانسن"، خواننده و آهنگساز آمریکایی، را بر عهده بگیرد. به گزارش "ورایتی"، این مستند که هنوز نامی برای آن انتخاب نشده، با کارگردانی مشترک مارتین اسکورسیزی و "دیوید تدسکی" ساخته خواهد شد و اسکورسیزی یکی از تهیه کنندگان اجرایی این پروژه مستند نیز خواهد بود.

قرار است این مستند تصویری از زندگی دیوید جوهانسن، نفر اول گروه موسیقی راک "نیویورک دالز"، از جوانی تا به امروز ارائه دهد.

اسکورسیزی در اظهار نظری عنوان کرده از سال ۱۹۷۳ و ساخت فیلم "خیابانهای پایین شهر" از طرفداران گروه موسیقی دیوید جوهانسن و گروه موسیقی نیویورک دالز بوده و از آن لذت می برده است.

اسکورسیزی ساخت فیلم سینمایی "قاتلان ماه کامل" با بازی "رابرت دنیرو" و "لئوناردو دی کاپریو" را نیز در برنامه دارد. به دلیل تاخیر در آغاز تولید آثار هالیوودی در اثر بحران جهانی شیوع ویروس کرونا، هنوز تاریخ اکران دقیق مستند زندگی دیوید جوهانسن و فیلم سینمایی "قاتلان ماه کامل" مشخص نیست.

هنرهای تجسمی

نمایشگاهی از مجسمه های مش اسماعیل



برپایی نمایشگاهی از مجسمه های مش اسماعیل، ۲۶ سال پس از درگذشت این هنرمند استثنایی، بار دیگر نام وی و دوران وی را به یادها آورده است.

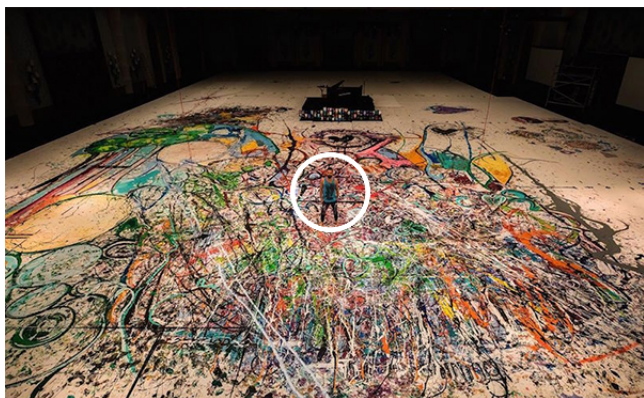
این نمایشگاه که "اسطوره های آهنی" نام گرفته، آثار هنرمند خود آموخته ای را به تماشا گذاشته که توسط نسل ممیزها و تناولیها و نامیها، از انبار یا کارگاه دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران بیرون کشیده شد و مجسمه هایش در چند موزه معتبر جهانی نگهداری می شود.

مش اسماعیل (توکل اسماعیلی) که اینک در گالری طراحی هنر در

برابر چشم نسل تازه ای از دانش پژوهان و هنردوستان قرار می گیرد، به دوران خود پدیده ای بود. تنها ارتباط وی با مجسمه و احیانا نبرد با فلز از آن رو بود که پدرش یک مسگر دوره گرد و او از سفیدگری پدر با اطلاع بود. او از زمانی که به عنوان نگهبان یا نگهدار کارگاه دانشکده هنرهای زیبا استخدام شد، در میان خرده پاره های آهن دنیای خود را داشت، تا استادان این گوهر را شناختند و آن را انبار بیرون کشیدند.

پرویز تناولی در ستایش این هنرمند می گوید: "در دنیا هنرمندانی وجود دارند که بدون تحصیلات و تربیت آکادمیک و با استفاده از هوش و ذوق خود به سوی هنر می آیند و کارهای عامیانه انجام می دهند؛ کارهایی که خیلی زود جای خود را در میان مردم پیدا می کند. مش اسماعیل تنها نمونه از این دست هنرمندان در مجسمه سازی ایران است."

ساشا جعفری و نقاشی اثری غول آسا در دبی



"ساشا جعفری"، هنرمند مشهور بریتانیایی اثری غول آسا در دبی نقاشی کرده است که هدف آن گردآوری پول برای خیریه هاست.

مشتریان ساشا جعفری، کسانی چون "لئوناردو دی کاپریو"، "مدونا" و "باراک اوباما" هستند. او در حال حاضر یک چالش حرفه ای پیش رو دارد: آفرینش اثری به نام "در کنار یکدیگر ایستاده ایم: الهام گرفته از بشریت". هدف او گردآوری پول برای خیریه است و در عین حال رکورد پنج اثر هنری را می

شکند، از جمله بزرگترین اثر روی بوم نقاشی که به اندازه دو زمین فوتبال است.

او می گوید: "به نظر من ما به سمت چیزی بدتر از کووید-۱۹ می رویم. فکر می کنم بشریت خودروبی است که خیلی خراب شده و ما مشکل خیلی اساسی داشته ایم."

با تکمیل و فروش این اثر، امید می رود که بیش از ۲۰ میلیون یورو برای فراهم کردن منابع آموزشی برای کودکان و همچنین بیمارستانها و کارکنان بخش مراقبتهای بهداشتی گردآوری شود.

خالق این اثر هنری می گوید: "من نمی خواهم کسی آن را بخرد و در انبار بگذارد، من دنبال کسی هستم که تحت تاثیر قرار گیرد، می خواهم کسی جلوی نقاشی من بایستد و گریه کند."

موزه لوور و گشایشی محتاطانه



موزه لوور که در نتیجه شیوع ویروس کرونا به اجبار تعطیل شده بود، درهای خود را به روی علاقمندان باز کرد.

این موزه از شروع قرنطینه و تعطیلی سراسری در فرانسه، بیش از ۴۰ میلیون یورو از عواید فروش بلیت را از دست داده است و حدود یک سوم گالریهای آن هنوز تعطیل خواهند ماند.

بازدیدکنندگان باید از قوانین جدید فاصله گیری در اجتماع

هنگام بازدید از موزه پیروی کنند که شامل تماشای آثار هنری با حفظ فاصله از یکدیگر و ایستادن بر نقاطی است که روی زمین مشخص شده است. برای جلوگیری از تجمع مردم در یک مکان هم بازدیدکنندگان از طریق نشانه هایی راهنمایی می شوند تا در یک مسیر حرکت کنند و حرکت در خلاف آن مسیر ممنوع است.

گالریهایی که امکان رعایت فاصله در آنها نیست یا اتخاذ چنین تمهیدی برای آنها خیلی پیچیده است، تعطیل خواهند ماند. "ژان لوک مارتینز"، مدیر موزه، به آژانس خبری فرانسه گفت انتظار دارد آمار بازدیدکنندگان پایین تر از حد معمول باقی بماند، چرا که کل جهان هنوز در حال دست و پنجه نرم کردن با این بیماری عالمگیر و انطباق با شرایط جدید است.

گوناگون

"ادامه سانسور فروپاشی است"

بیش از سیصد تن از نویسندگان، هنرمندان، دانشگاهیان، فعالان مدنی و روزنامه نگاران ایرانی با اشاره به تداوم سرکوب آزادی بیان در ایران هشدار داده اند "اگر این رویکرد تمامیت خواهانه ادامه پیدا کند، تصلب و خام اندیشی در قالب جهل مقدس به نهادینه شدن فساد می انجامد و در کنار این همه ناکارآمدی و فساد ساختاری موجب ناامیدی مردم ایران" و در نهایت فروپاشی بزرگ اجتماعی خواهد شد."

از جمله امضاکنندگان بیانیه "هشدار به تداوم سانسور" می توان به نورالدین زرین کلک، بابک احمدی، علی باباچاهی، علیرضا رجایی، کامران شیردل، سیدعلی صالحی، حمید نعمت الله، علی مصفا، احمد بخارایی، حسن محدثی، سامان سالور، عنایت سمیعی، بهزاد شیشه گران، فرزانه طاهری، پرستو فروهر، عبدالرضا کاهانی، فرهاد گوران، منیژه حکمت، پروین سلاجقه، باربد گلشیری و علیرضا آبیز اشاره کرد.

امضاکنندگان بیانیه جدید می نویسند: "بیش از صد سال است که ملت ایران برای دستیابی به آزادیهای مدنی و در بلندای آن، آزادی بیان، تلاشها و رشادتهای فراوان کرده است و در این راه، بسیاری رنج کشیدند و جان باخته اند."

دومین شکست کاخ سفید در جلوگیری از انتشار یک کتاب

تلاش خانواده ترامپ برای جلوگیری از انتشار کتاب خطرات مری ترامپ، برادرزاده رییس جمهور آمریکا، شکست خورد. آنها کوشیده بودند با شکایت به دادگاه و تحت عنوان نقض یک توافق خانوادگی مبنی بر محرمانه بودن مسائل مربوط به املاک خانواده، جلوی انتشار کتاب را بگیرند. یک قاضی نیویورکی اما با مردود دانستن این شکواییه، در نهایت مجوز انتشار کتاب را صادر کرد.

در پی این رای، انتشارات "سیمون و شوستر" ناشر کتاب، نیز اعلام کرد که تاریخ انتشار کتاب دو هفته زودتر از موعد مقرر صورت خواهد گرفت. این کتاب افشاگرانه با نام "بسیار زیاد و ناکافی؛ چگونه خانواده من خطرناکترین مرد دنیا را پدید آورد" در اولین روز ارائه، با استقبال فوق العاده ای روبرو شد و ناشر آن از فروش ۹۵۰ هزار نسخه چاپی، اینترنتی و صوتی این کتاب در یک روز خبر داد و آن را "یک رکورد" توصیف کرد.

کتاب مری ترامپ در حالی به بازار آمد که پیش از این نیز با تمام مخالفتهای کاخ سفید، کتاب جدید بولتون با عنوان "اتاقی که اتفاق آنجا افتاد"، اجازه نشر یافته بود.

ایاصوفیه مسجد شد



رییس جمهوری ترکیه فرمان تغییر کاربری موزه "ایاصوفیه" به مسجد را امضا کرد. این تصمیم با واکنش اتحادیه اروپا، یونسکو، یونان و آمریکا مواجه شده است.

موزه ایاصوفیه یکی از مهمترین بناهای تاریخی ترکیه و از محبوبترین مقاصد گردشگری در سال ۲۰۱۹ با سه میلیون و ۷۰۰ هزار بازدید کننده است.

دادگاهی در استانبول حکم داده بود که این بنا همیشه مسجد

بوده و نباید به موزه تغییر کاربری داده می شد. روز جمعه (۱۰ ژوئیه/ ۲۰ تیر) بعد از اعلام تغییر کاربری به مسجد، شماری از مردم استانبول بیرون ایاصوفیه شادمانی کردند.

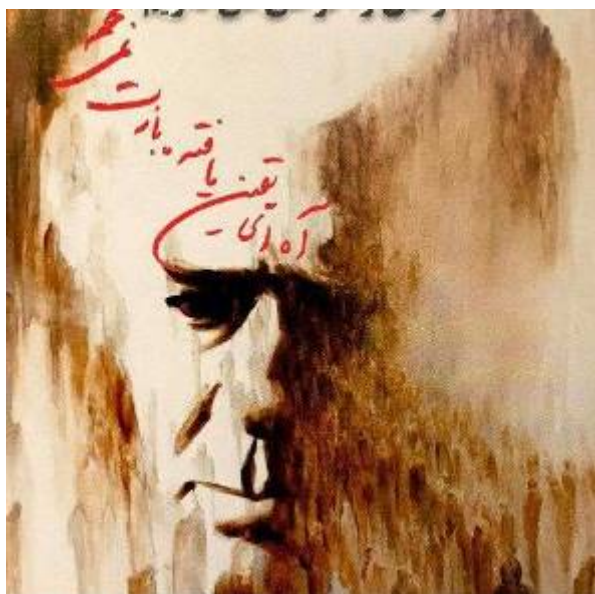
پیش از به قدرت رسیدن امپراتوری عثمانی، ایاصوفیه قرنهای از بزرگ ترین کلیساهای مسیحیان جهان بوده است. بعد از شکست صلیبیون در ۱۴۵۳ میلادی، مسلمانان عثمانی آن را به مسجد تغییر دادند. در دولت سکولار کمال آتاتورک این مسجد به موزه تبدیل شد.

کلیسای ارتدوکس روسیه برای تغییر کاربری ایاصوفیه را "تاسف بار" خوانده است.

سه هفته پیش رجب طیب اردوغان، رییس جمهوری ترکیه، در میان مقامهای دولتی و اعضای "حزب عدالت و توسعه" گفت: "در ایاصوفیه می تواند مراسم نماز برگزار شود. مراسم نماز جمعه هم می تواند اجرا شود. فقط ملت دیندار ما می تواند در این مورد تصمیم بگیرد."

احمد شاملو (الف. بامداد) شاعر و ادیبی خلاق در جستجوی آزادی

م. وحیدی



آنک قصابانند
برگذرگاهها مستقر
باکنده و ساطوری خون آلود
روزگار غریبی ست نازنین
و تبسم را برلبها جراحی می کنند
و ترانه را بردهان
شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد
(ا. بامداد تیر ماه ۱۳۵۸)

«سلامت فکری جامعه فقط در برخورد با اندیشه مخالف محفوظ می ماند؛ برای سلامت عقل فقط آزادی اندیشه لازم است.» احمد شاملو

دوم مرداد ماه ۱۳۹۹ مصادف است با بیستمین سالروز فقدان مرگ احمد شاملو، شاعر و ادیب اندیشمند و مبارز. او که در زندان زیست و در زندان مرد، اما هرگز تسلیم شاه و شیخ نشد. از ویژگیهای آثار شاملو عشق به آزادی و انسان گرایی ست. دکتر «جواد مجابی» در مصاحبه ای گفت: «شاملو با شکوه زندگی کرد؛ بسان یک اسطوره و هم چنان بسان یک اسطوره به حیات خود ادامه می دهد.» اعتبار و شهرت شاملو به خاطر نوگرایی در شعر معاصر پارسی و سرودن سبک نویی از شعر است که با نام «شعر بی وزن» یا «شعر سپید» شناخته می شود. مجموعه عظیم و پر بار «کتاب کوچه» او بزرگترین اثر پژوهشی در باب فرهنگ عامه ایران است و آثارش به دهها زبان زنده دنیا ترجمه شده است. شاملو در مورد آشنایی اش با «نیمایوشیخ» در سال ۱۳۲۵ می گوید: «نشانی اش را پیدا کردم. رفتم درخانه اش را زدم. به او گفتم استاد اسم من فلان است. شما را دوست دارم و آمده ام به شاگردی تان. فهمید که کلک نمی زنی. در من صمیمیتی یافته بود که آنرا کاملا درک می کرد. دیگر من غالبا مزاحم این مرد بودم و تقریبا هر روز پیش نیما بودم.» شمس لنگرودی شاعر و پژوهشگر معاصر نوشته است: «شاملو از معدود شاعرانی ست که برای همه نسلها شعر سروده است؛ یعنی از وقتی کودکی به دنیا می آید، می توان «بارون می آد جرجر» شاملو را برایش زمزمه کرد تا دوره نوجوانی و عاشقانه ها، تا جوانی و روحیه انقلابی و تا دوره میان سالی و پیری...» اشعار او چون رودخانه ای خروشان در تب و تاب و حرکت است و به قول نیما: «هر کس می تواند به اندازه گنجایش پیمان خود از آن آب بردارد، بی آنکه از رودخانه چیزی کم شود.» شاملو در مورد «سیاست و هنر» در مصاحبه ای گفته بود: «در جهان بی قانونی که اداره و هدایتش به دست اوباشان و دیوانگان افتاده، هنر چیزی در حد تنقلات است؛ البته اگر روزی حکومت خرد برپا شود، سیاست نیز، معنای درستش را باز خواهد یافت... هنرمند بالقوه می تواند منجی جهان باشد، چرا که با یقین کامل حکم می شود که استعداد جلا شدن ندارد. سیاست بازی و قدرت طلبی که لازم و ملزوم هم است، کار کسی است که لزوما برای حیات زیر روحی حرمتی قایل نیست و از دروغ بافتن و حيله در کارکردن و ویرانی و کشتار هراسی ندارد.»

شاملو به مثابه آینه ای در برابر اجتماع، به دنبال کشف هویت انسانی، تاریخی و فرهنگی انسان معاصر است و بار تعهد اجتماعی جدی و سنگینی بردوش خود احساس می کرد و رسالت خود را در هر زمان تشخیص می داد: «جویای راه خویش باش! از این سان که منم/ در تکاپوی انسان شدن/ در میانه راه دیدار می کنیم/ حقیقت را/ آزادی را...» برای او توقف مرگ است و دیگران را نیز، دعوت به مبارزه و همبستگی می کرد: «یاران من بیایید/ و بار دردهایتان را/ در زخم قلب من بچکانید! بین شما کدام صیقل می دهید/ سلاح آبابی را/ برای روز انتقام».

عرصه شعر او بشری و جهانی است: «من یک لر بلوچ فارسم؛ یک فارسی زبان ترک؛ یک آفریقایی اروپایی استرالیایی امریکایی آسیایی ام؛ یک سیاه پوست زرد پوست سرخ پوست سفیدم که نه تنها با خودم و دیگران کمترین مشکلی ندارم، بلکه بدون دیگران وحشت تنهایی و مرگ را زیر پوستم احساس می کنم. من انسانی هستم که بدون دیگران معنایی ندارم».

در آثار و اندیشه او انسان نه به شکل تابعی از محیط خویش، بلکه به عنوان یک نیروی محرک تاریخی تصویر می شود که بر محیط خویش و تاریخ تاثیر می گذارد: «چراغی به دستم/ چراغی در برابرم/ من به جنگ سیاهی می روم...» شاملو هدف شعر را «تغییر بنیادین جهان» می داند. او در مصاحبه ای که تنها سه ماه پس از قیام ضدسلطنتی و در اوایل سال ۱۳۵۸ صورت گرفته است، با ژرف بینی می گوید: «تاهنگامی که تعصب و خام اندیشی بر جامعه حاکم است، اختناق بر جامعه حاکم خواهد بود. تا هنگامی که برداشت جامعه از آزادی این باشد که «تو نیز آزادی سخن بگویی، اما فقط باید چیزی را بگویی که من می پسندم» هیچ سخن حقی بر زبانها نخواهد رفت. فرهنگ از پویایی باز می ماند؛ معتقدات به چیزی کهنه و متحجر مبدل می شود و انسان از رسالتهایش دورتر و دورتر می افتد.

سورخوران قدیمی سرنگون می شوند و سورخوران تازه ای جای آنها را می گیرند و فاشیسمی جانشین فاشیسم دیگر می شود که قالبش یکی است. عمل کردنش یکی است. فقط بهانه هایش فرق می کند. در زمان سلطان محمود می کشتند که شیعه است؛ زمان شاه سلیمان می کشتند که سنی است؛ زمان ناصرالدین شاه می کشتند که بابی است؛ زمان محمد علی شاه می کشتند که مشروطه خواه است؛ زمان رضا شاه می کشتند که مخالف سلطنت و مشروطه است؛ زمان کره اش می کشتند که خرابکار است؛ امروز توی دهنش می زنند که منافق است و فردا وارونه بر خورش می نشانند و شمع آجینش می کنند که لامذهب است. ما باید خواستار جهانی باشیم که در آن انسان در انسان به چشم بیگانه نظر نکند؛ که در آن موجودات بشری به گروههای مذهبی، نژادی، جغرافیایی و مرزهای فکری متعصبانه تقسیم نشود. با اشاره به همین تعصب ورزی است که می باید امروز نیز، در هر لحظه و در هر گوشه دنیا، نگران کشتارهای وسیع عقیدتی یا نژادی یا مذهبی بود. حقیقت اینست که دیگر باید به دوران تحمیل فکر، تحمیل عقیده، تحمیل نژاد، تحمیل زبان و فرهنگ خاتمه داده شود. حقیقت اینست که انسان باید از هرگونه تحمیل به دیگران خجالت بکشد».

شاملو پیش از مرگ در مصاحبه ای با «ماریا پرسون» گفته بود: «شاعر اگر شعر را همچو سلاحی در مبارزه برای بهروزی انسان به دست نگیرد، ارزش وجودی خود شعر را انکار کرده است. حدود شانزده سال مجموعه های شعر من در کشورم مطلقا اجازه انتشار نیافت... در عوض مطبوعات رسمی و نیمه رسمی که غالبا افرادشان یک سره فاقد سواد خواندن و نوشتن هستند، با چاپ کیفر خواستهای بی دلیل و مدرک... فضای رعب و وحشت ایجاد کرده و این همه در حالی بود که ما برای دفاع از خود نیز، فضایی نمی یافتیم.

به قول سعدی «سنگها را بسته و سگها را رها کرده اند» می بینید! انگار تو مملکت ما همیشه در بر یک پاشنه می چرخیده. جوانی ما سراسر با دغدغه آزادی گذشت. امروز هم نسل جوان ما با همین دغدغه می زید و آن را در هر کجا که مجال پیدا می کند، به زبان می آورد. اما این نسل پویاتر و پربارتر است. سالهای جوانی ما در رویای مبارزه به سرآمد، اما این نسل راست در میدان مبارزه به جهان آمده، تفاوت در این است...»

- دالان تنگی را که در نوشته ام/ به وداع فرا پشت می نگرم/ فرصت کوتاه بود و سفر جانگاہ.../چنین گفت "بامداد خسته".

نام و یادش بزرگ و گرامی باد!

دانشگاه در ماهی که گذشت (تیر ۹۹)

کامران عالمی نژاد

"جهش تولید" سرپرست دانشگاه اهواز

طرحهای مطالعاتی ابول نژادبان، سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز پرسش برانگیز شده است. تعداد کل طرحهای تحقیقاتی ابول نژادبان در سامانه بهسان، ۳۸ طرح است که به طور میانگین تا قبل از انتصاب وی به عنوان سرپرست دانشگاه (سال ۹۵ تا آبان ۹۸)، در هر سال حدود ۵ طرح تحقیقاتی را به ثبت رسانده است. اما به طور اعجاب انگیزی این رقم از زمان انتصاب وی به سرپرستی دانشگاه افزایشی نزدیک به صد در صد پیدا کرده است. تنها در بازه کوتاه ۳ ماه اول سال ۹۹ که استان با یکی از عظیم ترین بحرانهای تاریخ خود روبرو بوده، ابول نژادبان فرصت کرده ۱۴ طرح تحقیقاتی را به ثبت برساند!

جالب است که ابول نژادبان در نزدیک به تمامی طرحهای پژوهشی قبل از تاریخ انتصاب خود به عنوان سرپرست دانشگاه سمت "استاد مشاور" را داشته که این موضوع بعد از انتصاب به سمت "مجری طرح" یا "همکار اصلی" تغییر می کند.

راه اندازی سایتهای تقلب امتحانی



منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، با اشاره به برخی آگهیها در فضای مجازی برای کمک آنلاین به دانشجویان در امتحانات همچون آگهی "همیار تقلب" یا "کمک به دانشجو" هشدار داد: "افرادی که در فضای مجازی به عنوان همیار امتحان مجازی دانشجویان آگهی می دهند، به پلیس فتا معرفی و با آنها برخورد می شود."

وی گفت: "یک استاد دانشگاه بعد از چندین جلسه، هم دانشجویان و هم ظرفیتهای آنان را می شناسد و به راحتی می تواند تشخیص دهد که دانشجویی که سر کلاس به صورت معمولی و سطح پایین بوده، چطور در امتحان مجازی نمره بالایی کسب کرده و برعکس این نیز متصور است."

غلامی همچنین در باره مصادیق این موضوع که وزارت علوم اعلام کرده است اگر دانشجویی بخواهد تقلب کند، با پلیس فتا روبرو می شود، گفت: "این مساله را باید از کسانی پرسید که ابتکارانی در این حوزه در فضای مجازی داشته اند. البته برخی مطالب به صورت شوخی یا جدی در فضای مجازی منتشر شده، اما ما با پلیس فتا و مجموعه های مرتبط هماهنگی کردیم و در قالب قانون مبارزه با تقلب با خاطیان برخورد خواهد شد."

داوطلبان آزمونهای ارشد و دکتری: کنکور را به عقب بیندازید

جمعی از داوطلبان آزمونهای ارشد و دکتری در نامه سرگشاده ای خطاب به وزیر بهداشت خواستار به تعویق انداختن کنکورهای ارشد و دکتری شدند،

در این نامه نوشته شده: "وضعیت حاد شیوع ویروس کرونا در اکثر استانهای کشور و با شروع پیک دوم شیوع ویروس کرونا، برگزاری تجمعات با این حجم از داوطلب آن هم در فضایی بسته، سبب ابتلای داوطلبان و در معرض خطر قرار دادن خانواده های آنها (جمع وسیعی از مردم) به ویروس خواهد گردید."

داوطلبان آزمون همچنین توضیح داده اند که به دلیل وجود احتمال ابتلای داوطلب به ویروس، امکان تمرکز هنگام آزمون از بین رفته و استرس جایگزین آن می شود. آنها از سوی دیگر به اجبار استفاده از ماسک برای مدت زمان طولانی (حدود ۴ساعت) و در نتیجه کاهش اکسیژن رسانی به مغز اشاره کرده اند.

نویسندگان نامه سپس خطر حضور افراد مبتلا اما بدون علائم را یادآور شده اند و می گویند تشخیص این دسته فقط با یک تب سنجی ممکن نیست و می افزایند: "این امر با توجه به اینکه آزمونها در فصل گرما برگزار می گردد و همچنین لزوم استفاده از وسایل سرمایشی، سبب افزایش غیرقابل انکار انتقال ویروس به اکثر داوطلبان خواهد گردید."

وزیر علوم: زمان برگزاری کنکور به هیچ عنوان تغییر نخواهد کرد



وزیر علوم روز دوشنبه ۹ تیر در مورد درخواستهای تغییر زمان برگزاری کنکور سراسری، کارشناسی ارشد و دکتری وزارت علوم، تاکید کرد به هیچ عنوان زمان برگزاری هیچکدام از این آزمونها تغییر نخواهد کرد؛ چرا که تمام محاسبات برگزاری این آزمونها در وزارت علوم اندیشیده شده است.

منصور غلامی در توجیه این تصمیم عجیب در عصر کرونا گفت: "این حق داوطلبان است که سال آینده در دانشگاهها حاضر باشند و اگر به هر دلیلی حق ورود به

دانشگاه از این افراد ضایع شود، وزارت علوم نمی تواند مسوولیت آن را بپذیرد."

وی خاطرنشان کرد: "ما نباید از باب اینکه احيانا در سیستم احساس ضعف می کنیم و یا اینکه دیگران به سیستم اعتماد ندارند، حق داوطلبان را نادیده بگیریم و برگزاری آزمونها را لغو کرده و یا مجدداً به تعویق بیندازیم."

اعتراض به انتقال آفازاده ها و "بچه پولدارها" به داخل کشور

شورای صنفی دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در نامه ای به سعید نمکی، وزیر بهداشت، نسبت به هرگونه تصمیم جدید برای انتقال دانشجویان ایرانی محصل در دانشگاههای خارجی به داخل کشور به هر علتی از جمله پاندمی کووید ۱۹، کمبود ارز و ... اعتراض خود را اعلام کرد.

در بخش از این نامه که روز دوشنبه ۹ تیر منتشر شده گفته می شود: "انتقال عده ای از افراد دارای تمکن با ثبت نام در دانشگاههای خارجی و سپس بازگشت ایشان پس از دو ترم به داخل کشور باعث نابرابری و سرخوردگی اجتماعی خیل عظیمی از داوطلبان برای ورود به دانشگاههای علوم پزشکی شده است و ناامیدی و دلسردی قابل توجهی در بین دانشجویان و حتی فارغ التحصیلان رشته های حوزه بهداشت و درمان به وجود آورده است."

نویسندگان می گویند: "ای کاش مسوولان مربوطه به جای آنکه تمرکز خود را روی پذیرش دانشجویان خارج از کشور بگذارند، به فکر پذیرش داوطلبانی باشند که همواره با داشتن تمام شرایط لازم و صرفاً به دلیل عدم تمکن مالی و امتیازات ویژه از تحصیل در رشته های مورد علاقه خود بازمانده اند."

آنها در انتها می نویسند: "ما نمایندگان دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی سراسر کشور اعتراض و نگرانی خود را به هرگونه تصمیم جدید برای انتقال دانشجویان ایرانی شاغل در دانشگاههای خارجی که عمدتاً از ترازهای علمی پایینی نیز برخوردارند و قطع به یقین خسارات جبران ناپذیری را به بدنه علوم پزشکی وارد خواهند ساخت، به هر علتی از جمله پاندمی کووید ۱۹، کمبود ارز و ... اعلام می داریم."

سالانه نزدیک به یک میلیون نفر در آزمون رشته های علوم پزشکی شرکت می کنند و تعداد زیادی از این افراد با داشتن معدلهای بالا پشت در دانشگاه می ماند؛ اما برخی از آفازاده ها و کسان دیگری که خود را "بچه پولدارها" می نامند، به واسطه وضعیت مالی و رفاهی خود به دانشگاههای خارج از کشور رفته و با گذراندن چند واحد در این دانشگاهها به کشور بازگشته و درس خود را در دانشگاههای برتر کنار دانشجویان و نخبگان کشور ادامه می دهند.

بیانیه دانشجویان پیرامون اعتراضهای آمریکا و عوامفریبی حاکمیت



شماری از دانشجویان از سراسر کشور در بیانیه ای همراه با ابراز همبستگی با اعتراضهای دمکراتیک در آمریکا، نسبت به عوامفریبی حاکمیت جمهوری اسلامی در این باره واکنش نشان دادند. این بیانیه با حمایت چندین تشکل کارگری و بازنشستگی روبرو شده است.

دانشجویان نوشتند: "لازم می دانیم حمایت قاطع خود را از اعتراضات در آمریکا و سایر جوامع که تعرضی است علیه مبانی ساختاری نظامهایی که سالهاست نفس مان را بریده اند، اعلام

کنیم. همچنین اکیدا اعلام می داریم که این ستم و تبعیضات آشکار ضد انسانی که مورد اعتراض مردم آمریکا و سایر کشورها است، به شکلی صد چندان در جامعه ایران جاری است و ما به شکل روزانه علیه آن در حال مبارزه هستیم." دانشجویان و کارگران برای نمونه به سرکوب در دانشگاه، بازداشت و شکنجه دانشجویان مستقل و معترض و برخوردار نبودن دانشجویان از حداقلهای معیشتی، محرومیت دانشجویان، کارگران، معلمان و دیگران از متشکل شدن و داشتن و انتخاب تشکل خود اشاره می کنند.

آنها تبعیض سیستماتیک و قانونی علیه دگراندیشان، زنان و دگرباشان برای حفظ سلطه را یادآور شده اند و می افزایند: "بدون شک، به مجموعه ابزارهای هجوم به جان و کرامت انسانها باید سرکوب سازمان یافته ابراز وجود سیاسی شهروندان را هم اضافه کرد که در موخرترین آن می توان به تایید حکم اعدام سه تن از معترضین اعتراضات آبان ۹۸ اشاره کرد؛ یورش حاکمیتی سراسر استثمارگرایانه که برای حفظ خودش به جنایت روی آورده است."

بیانیه تاکید می کند: "ما دانشجویانی که اینک سالهاست زندگی در جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نفسمان را بریده است و زیر فشار تبعیضات گسترده و همه جانبه حکومتی، در کنار اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایران "نمی توانیم نفس بکشیم"، این درد مشترک را با جورج فلوید و عموم مردم شریف دنیا سهیم هستیم."

این بیانیه به امضای تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، جمعی از دانشجویان دانشگاههای هنر تهران، دانشجویان دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان و جمعی از دانشجویان دانشگاههای مشهد رسیده است و انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار، جمعی از کارگران و فعالان کارگری شهر سقز، سندیکای نقاشان البرز و اتحاد بازنشستگان ایران از آن حمایت کرده اند.

۱۵۰۰ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد خواستار تعویق آزمون جامع شدند



بیش از ۱۵۰۰ دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد در نامه ای به محمدمهدی طهرانچی، رییس این دانشگاه، ضمن تاکید بر ضرورت حفظ سلامت دانشجویان درخواست کردند دانشگاه آزاد همانند برخی از دانشگاهها و حتی علوم پایه دانشگاه آزاد که آزمون جامع را لغو و معدل نمرات را جایگزین کرده اند، آزمون را به عقب بیندازد.

در قسمتی از این نامه با اشاره به آمار بالای ابتلا و قربانیان کرونا در همه

استانهای کشور آمده است: "بسیاری از دوستان ما برای شرکت در آزمون جامع باید از استانهای در وضعیت قرمز و هشدار راهی تهران شوند و این یعنی دامن زدن به چرخه انتقال کرونا؛ موضوعی که عواقب متعاقب آن قطعا غیرقابل جبران خواهد بود. در این شرایط اگر خدای ناکرده تنها با احتمال یک درصد، یک نفر آلوده باشد و کرونا در میان دانشجویان و اساتید دکترا یک واحد دانشگاهی منتشر شود، هزینه های ابتلا و جان باختن احتمالی سرمایه های علمی کشور و داغدار شدن خانواده ها برعهده چه کس یا کسانی است؟"

دانشجویان می پرسند: "در شرایطی که هتلهای و مهمانسراها پذیرش مسافر ندارند یا اگر داشته باشند، ریسک انتقال بیماری بسیار بالاست، این گروه از دانشجویان چگونه و کجا باید اسکان پیدا کنند؟"

رامتین موثق در بازداشت اطلاعات سپاه است



رامتین موثق، فعال دانشجویی، روز شنبه ۱۴ تیر از سوی ماموران امنیتی در منزل پدری خود در تهران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. منابع نزدیک به این فعال دانشجویی گفته اند در تماس تلفنی او با خانواده اش در روز یکشنبه ۱۵ تیر، خانواده موثق از پیش شماره تلفن متوجه شده اند که او توسط ماموران سازمان اطلاعات سپاه بازداشت و به بازداشتگاه این نهاد امنیتی موسوم به "بند ۲ الف" در زندان اوین منتقل شده است.

خانواده رامتین موثق یک روز پس از بازداشت این فعال دانشجویی برای پیگیری وضعیت فرزندشان به دادسرای اوین مراجعه کرده اند، اما مسوولان زندان و دادسرا از حضور وی در زندان اوین اظهار بی اطلاعی کرده اند. رامتین موثق، متولد ۱۳۷۸ و دانشجوی کارشناسی اقتصاد در دانشگاه بهشتی است که دی ماه سال گذشته نیز بعد از حضور در یک تجمع دانشجویی در این دانشگاه، از سوی نیروهای سازمان اطلاعات سپاه پاسداران برای مدتی بازداشت شده بود.

تجمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در اعتراض به برنامه آموزشی، روز یکشنبه ۱۵ تیر، مقابل معاونت آموزش تجمع کرده و خواهان حذف ترم شدند. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان به بی برنامه‌گی معاونت آموزش دانشگاه نسبت به آموزش دروس عملی و شیوه برگزاری امتحانات اعتراض کردند. نمایندگان دانشجویان که ورودی سالهای ۹۵ و ۹۶ رشته فیزیوپات پزشکی دانشگاه هستند، بارها اعتراض خود را نسبت به برنامه ریزی نامناسب دانشگاه برای ارائه دروس عملی و نحوه برگزاری امتحانات مطرح کرده بودند.

تجمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان



روز یکشنبه ۲۲ تیر جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با تجمع مقابل ساختمان دانشکده پزشکی این دانشگاه، اعتراض خود را نسبت به بدقولی مسوولان درباره معادل قرار دادن مدت زمان کشیکهای آنها با دوره های آموزشی بالینی و برگزاری حضوری آزمونهای پایان سال تحصیلی به نمایش گذاشتند.

یکی از دانشجویان حاضر در تجمع گفت: "تعدادی از دانشجویان دوره های بالینی (اکسترن و اینترن) از ابتدای شیوع بیماری کرونا به صورت داوطلبانه در

بیمارستانهای اصفهان برای خدمت رسانی کشیک بودند و به آنها وعده داده شده بود که مدت زمان کشیکهای آنها معادل گذراندن دوره های آموزشی بالینی محاسبه شود."

این دانشجوی افزود: "کشیکهای داوطلبانه از دهم اسفند تا سی و یکم خرداد به مدت ۱۱۲ روز و توسط ۱۹۰ دانشجوی داوطلب در بیمارستانهای مرجع کرونا به مدت ۱۵ هزار و ۳۰۰ ساعت انجام شد." وی به یکی دیگر از خواسته های آموزشی دانشجویان اشاره و گفت: "بر اساس مصوبه شورای آموزشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، آزمونهای پایان سال تحصیلی دروس نظری باید به صورت غیرحضوری برگزار شود، اما دانشکده پزشکی دانشگاه این آزمونها را به ویژه برای دانشجویان ترم هفتم به بالا به صورت حضوری برگزار می کند. ما خواستار رعایت این مصوبه هستیم."

بازجویی و اعتراف گیری جمعی از دو دانشجوی

پس از گذشت بیش از ۳ ماه از بازداشت امیرحسین مرادی و علی یونسی، دو دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف تهران توسط نهادهای امنیتی، روز دوشنبه ۲۳ تیر جلسه ای به درخواست این دانشگاه با حضور این دو دانشجویان، با بازجویان، شکنجه گران و مقامهای قضایی و امنیتی همراهی می شدند، برگزار شد. در این نشست که به جلسه بازجویی و اعتراف



گیری اجباری تبدیل شد، شماری از استادان حکومتی و چند تشکل بسیجی و پرونده ساز نیز شرکت داشتند.

به نوشته "انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شریف" در این جلسه حدود سه ساعته نمایندگان از "انجمن اسلامی دانشجویان"، "انجمن اسلامی مستقل"، "جامعه اسلامی"، "بسیج و شورای صنفی"، یکی از اعضای هیات رییسه دانشگاه، یک نفر از اعضای هیات علمی دانشکده فیزیک و دانشکده کامپیوتر و یک نفر به نمایندگی از "بنیاد ملی نخبگان" حضور داشتند.

در خلال جلسه به عنوان مدرک اتهامات فیلمی از "خرابکاری" مرادی و یونسی نمایش داده می شود که به نوشته انجمن اسلامی دانشگاه شریف "در این فیلم، چهره اشخاص مشخص نبود" و "مرادی و یونسی نیز درباره فیلمها تایید و یا تکذیبی نکردند".

در بخش دیگر از جلسه امین ناصری، سرپرست دادسرای امنیت، از علی یونسی می خواهد تا "درباره فیلمها توضیح دهد" اما "علی همانطور که گفته بود، تمایلی به این کار نداشت" اما این مقام قضایی مجدداً "اصرار" می کند و دانشجوی دستگیر شده را در مقابل بقیه مسوولان دانشگاه و دانشجویان برای اعتراف کردن تحت فشار می گذارد.

علی یونسی در بخشی از این جلسه می گوید که "علاقه ای به حضور" در این جلسه نداشته و "مدتهاست که درخواست دارم وکیل داشته باشم و به دادگاه بروم و دفاع کنم".

یک دانشجوی دیگر که به نمایندگی از "انجمن اسلامی مستقل" در جلسه حضور داشته نیز گفته است: "ما با دو دانشجوی طرف نیستیم. با یک سازمان جلااد آدمکش طرف هستیم که باید پاسخ مناسب به آنها دهیم."

تجمع دانشجویان دانشکده دندانپزشکی اصفهان

گروهی از دانشجویان دانشکده دندانپزشکی اصفهان در روز آدینه ۲۷ تیر در اعتراض به برگزاری حضوری امتحانات در شرایط همه گیری ویروس کرونا تجمع کردند.

(منابع: خبرنگار دانشجویان ایران، آنا، ایرنا، باشگاه خبرنگاران جوان، ایلنا، ایسکانیوز، رادیو زمانه، تابناک، اتحادیه آزاد کارگران ایران، بی بی سی)

کارورزان سلامت (تیر ۹۹)

افزایش روز به روز جانباختگان ویروس کرونا

همه گیری ویروس کرونا چنان وسعت یافته که کارگزاران رژیم با وجود پنهانکاری همیشگی ناچارند به گوشه هایی از آن اعتراف کنند. روز سه شنبه ۳۱ تیر، وزارت بهداشت در آمار مهندسی شده خود شمار قربانیان در ۲۴ ساعت گذشته را ۲۲۹ نفر و بیماران با وضعیت وخیم را ۳۵۸۹ نفر اعلام کرد که بالاترین ارقام در ۵ ماه گذشته است. دبیرخانه شورای ملی مقاومت به نقل از سازمان مجاهدین خلق ایران، آمار جانباختگان کرونا در ۳۴۷ شهر ایران را بیش از ۷۴ هزار و ۲۰۰ نفر اعلام کرد.

سخنگوی وزارت بهداشت اعلام کرد که: «استانهای مازندران، فارس، آذربایجان شرقی و غربی، خراسان رضوی، البرز، خوزستان، لرستان، گلستان، کرمان، زنجان و ایلام در وضعیت قرمز قرار دارند. استانهای تهران، اصفهان، بوشهر، هرمزگان، قزوین، مرکزی، خراسان شمالی، همدان، خراسان جنوبی، سمنان، سیستان و بلوچستان، اردبیل و کهگیلویه و بویر احمد هم در وضعیت هشدار قرار دارند.» (ایسنا ۳۱ تیر)

پیرامون پنهانکاری و دروغگویی رژیم در مورد تلفات انسانی از ویروس کرونا، بی بی سی در برنامه روز چهارشنبه ۴ تیر اعلام کرد که: «تحقیقات بی بی سی نشان می دهد که شمار جانباختگان بر اثر ابتلا به ویروس کرونا در ایران در زمستان گذشته می تواند تا پنج برابر آمار رسمی باشد.»

جانباختن تعدادی از کادر درمانی در تیرماه

دکتر وحید علیزاده، پزشک متخصص بیهوشی در بیمارستان آذربایجان و مرکز جراحی چشم آفتاب و دکتر فرید یوسفی، متخصص کوش و حلق و بینی در تهران به خاطر آلوده شده به ویروس کرونا جانباختند.



وحید علیزاده

فرید یوسفی

روز یکشنبه ۲۹ تیر، محبوب زینلی زاده دندان پزشک و فرید حمایت پرستارشاغل در مراکز درمانی شهرستان لارستان در استان فارس بر اثر ابتلا به بیماری کووید ۱۹ جان باختند. بیش از ۵۰ درصد کادر بهداشتی و درمانی شهرستان لارستان به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده اند و خستگی مفرط و هجوم بیماران کرونایی، کار را برای کارکنان مراکز درمانی این شهرستان سخت کرده است.

همچنین سعادت سجادیان، ۳۷ ساله، پرسنل رادیولوژی بیمارستان محمدی بندرعباس و علی صانعی از پرسنل بیمارستان هاجر شهرکرد بر اثر ابتلا به کرونا جانباختند.



علی صانعی

سعادت سجادیان

در رویدادی دیگر روز چهارشنبه ۲۵ تیر، محمد میرزا بیگی رئیس کل سازمان نظام پرستاری گفت ۹ هزار نفر از پرستاران در بیمارستانها به کرونا مبتلا شده اند.

سازمان نظام پزشکی هم اعلام کرده که ۱۴۰ پزشک هم جانشان را در اثر ابتلا به این بیماری از دست دادند.

اعتصاب کادر پزشکی تیم ملی فوتسال

روز چهارشنبه ۴ تیر، کادر پزشکی تیم ملی فوتسال اعلام کردند؛ برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات یک ساله در اردوی این تیم ملی شرکت نخواهند کرد. این مشکل در حالی ایجاد شده که در حال حاضر کادر پزشکی سایر تیمهای ملی هم درگیر همین مسائل و مشکلات مالی هستند و اگر تصمیم مشابه ای بگیرند فدراسیون فوتبال دچار مشکل جدی خواهد شد.

تجمع پرستاران شرکتی گیلان

پرستاران شرکتی گیلان در ادامه اعتراض به قراردادهای ۸۹ روزه برای باری دیگر روز دوشنبه ۹ تیر، مقابل ساختمان ریاست دانشگاه گیلان واقع در خیابان پرستار رشت تجمع کردند.

پرستاران حاضر در تجمع گفتند: همزمان با همه گیری کرونا در گیلان با توجه به کمبود نیروی پرستاری در بیمارستانها، شرکت آوای سلامت از طرف دانشگاه علوم پزشکی طی فراخوانی خواستار حضور نیروهای داوطلب پرستاری در بیمارستانهای گیلان شد که پرستاران گیلانی با شرایطی از آن استقبال کردند. دانشگاه علوم پزشکی قرارداد ۸۹ روزه با پرستاران را مطرح کرد که مورد قبول پرستاران قرار نگرفت. در نهایت دانشگاه قرارداد دیگری مطرح کرد با عنوان نیروهای شرکتی با همه مزایای دولتی که این بار مورد قبول پرستاران واقع شد. پس از طرح این قرارداد بیش از ۵۵۰ نفر از پرستاران بلافاصله در بیمارستانهای گیلان مستقر و مشغول به خدمت رسانی شدند. حال بعد از گذشت حدود ۴ ماه که وضعیت بیماران کرونایی در استان بهبود پیدا کرده و تقریباً به حالت مناسبی در آمده است، دانشگاه علوم پزشکی با نقض وعده های خود از انعقاد قرارداد با پرستاران امتناع کرده و تنها قرار داد ۸۹ روزه بدون مزایای دولتی را مطرح می کند.



تجمع پرستاران دانشگاه علوم پزشکی مشهد

پرستاران دانشگاه علوم پزشکی مشهد در روز چهارشنبه ۱۱ تیر، برای اعتراض به شرایط سخت و فشار کاری به دلیل کمبود نیرو، تبعیض در پرداخت مطالبات و به موقع پرداخت نشدن حقوق، مقابل بیدادگستری کلانشهر مشهد تجمع کردند. جبران کمبود کادر پرستاری و افزایش فشار کار در روزهای مقابله با کرونا، رفع تبعیض بین گروههای پزشکی با پرستاری، رفع تبعیض میان نیروهای ستادی با بالینی، به روز کردن کارانه ها (آخرین کارانه فرودین سال ۹۸ پرداخت شد) و برقراری فوق العاده ویژه از جمله مهم ترین مشکلات شغلی پرستاران مرتبط با دانشگاه علوم پزشکی مشهد است. نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی با خشونت به معترضان یورش بردند و ویدیوی زد و خورد ماموران پلیس با یکی از پرستاران در این تجمع، در شبکه های اجتماعی به طور وسیع بازتاب داشت.



بیمارستانهای فرسوده بمب ساعتی آماده انفجار

انفجار و آتش سوزی در کلینیک «سینا مهر» در شامگاه سه شنبه ۱۰ تیر که به جانباختن ۱۹ نفر، شامل تعدادی از کادر درمانی، انجامید، در ساختمانی رخ داد که متعلق به کسانی توسعه بیمارستان را بدون توجه به کاربری مسکونی آن کلید زدند و حتی به ضوابط سیم کشی برق و نحوه ذخیره کپسولهای اکسیژن توجه نکردند؛ حتی تذکر سازمان آتش نشانی را به مدل خود رفع و رجوع کردند تا امروز شاهد این فاجعه باشیم. در مهندسی شهری، همواره بر ایمن سازی سخت گیرانه بیمارستانها و توسعه آنها در مکانی ایمن و به دور از هرگونه مخاطره طبیعی، تاکید می شود اما در ایران یکی از مهم ترین بیمارستانهای کشور که بالغ بر ۳ هزار پرسنل و روزانه حدود ۶ هزار مراجعه کننده دارد را بر روی گسل می سازند؛ این را باید در کنار انبوه بیمارستانهایی دید که بالای ۵۰ سال عمر دارند. این بیمارستانها در یک باغ یا زمین چنددهکتاری توسعه یافته و از چندین ساختمان قدیمی و فرسوده تشکیل شده اند؛ معروف ترین بیمارستانهای پایتخت که مالکیت آنها در اختیار دولت است، چنین ویژگیهایی را دارند. پربیراه نیست که این بیمارستانهای فرسوده را به بمبهای خنثی نشده، تشبیه کنیم که هر آن امکان تخریب در آنها وجود دارد. در واقع، مکانهایی که در هنگام بحران باید امداد رسان باشند خود نیاز به امداد پیدا می کنند.

کودکان کار

امید آدینه

هویت انسان، در مصدر و ضمیر نوعی از حیوانات موجود بر عالم حقیقی، قابل شهود و شنود است؛ و خانواده نیز، به عنوان یک واحد از عموم جهان و نظام اجتماعی، تعریف و شناخته شده؛ و الزاماً در این مقوله جاری، مبنی و متکی بر وضعیت و موقعیت انسان محور، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت: هسته ی خانوار به گروهی از افراد اطلاق می‌گردد: که با یکدیگر از طریق نسبی و هم‌خونی ... و یا تمایل خاص در غریزه ی جنسی ... و حتی زیست مکانی مشترک، وابستگی نزدیک و ارتباط مستقیم دارند؛ پس بنابراین هرگونه اختلال و اختلاف در هر جز از این سیستم پهنور و به هم پیوسته، کل مجموعه ی سراسری (یعنی جامعه ی انسانی را) دچار مشکل قرار داده و باعث معضلات اساسی در ارکان آن اجتماع خواهد شد؛ که البته! منظور مشخص و معین در این واکاوی، کنکاش در سطحی ویژه از اقشار بشری، و همانا حیطة ی اطفال آسیب‌پذیر (کودکان کار) است.

در مقدمه و ابتدا به ساکن، فرصت را غنیمت می‌شمارم؛ و صادقانه عرض می‌نمایم: و قاطعانه می‌نویسم: که کودکان آبروی آب و ذات زمین‌آندا! وقتی برخاک تفته، بذر مسموم پاشیده شود؛ لاجرم خلسه و خاکستر و خصم، خواهند روئید. آری کودکان کار، افسون و افسانه ... یا معما ... و یا ضیافت‌گاهی برای ارضاء هیجان‌ات سیاسی و فرهنگی انسان نماها نیستند؛ بلکه آنان، محصول انباشت ثروت و قدرت در قیل و قامت برجهای بلورینی هستند که توسط ارتجاع بورژوازی (سرمایه‌داری) و همین‌طور صنایع حکومتی و شبه‌خصوصی، هدایت می‌شوند؛ و طبقه‌ی فروکاسته (اصطلاحاً پرولتاریا را) در فرآیند سرمایه و کار، می‌بلعند و به یغما میری برند.

طبق منابع روانکاوی و عناصر مندرج در جامعه‌شناسی، و نیز بر مبنای موازین حقوق بشر، کار کودک بهره‌برداری نامطلوب و نامشروع نسل حاضر از آل آینده محسوب می‌شود. ضمناً با نگرش به پژوهشها و تحلیلهای انجام یافته، که برگرفته از مطالعات محوری در جنبشهای مدنی و حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار می‌باشد: می‌توان به منشأ این ریاضت مضاعف، و نحوه ی تحمیل آس بر کودکان کار پی برد؛ که متأسفانه با توجه به همین مأخذهای یاد شده، یکی از تأثیرات مخرب کار کودک، عدم رشد و توسعه ی دانش بشری، و نیز بحران در ایجاد عدالت فراگیر و یکسان است: کودکان کار با اندکی تفاوت در اکثر نقاط جهان از قبیل خیابانها و چهارراهها، مناطق کشاورزی و روستا نشین، کارگاهها و کارخانجات، ساخت و ساز در گوشه و کنار شهرها و جاده‌ها و حاشیه‌ها، و سایر اماکن دیگر ... مشاهده می‌شوند؛ و حضوری وسیع و برجسته دارند.

اکنون برای تشریح بهتر و ساده‌نمایی در صورت مساله ی مذکور و مطروحه، یعنی موضوع کودکان کار، به فهرستی مهم و گزینش‌وار که در مقارن با این قشر از کودکان آسیب‌پذیر است؛ اشاره ای مختصر و تلویحی می‌کنم:

۱- ناهنجاری‌های درونزا در خانواده:

که شامل ازدیاد جمعیت، اعتیاد یا طلاق والدین، نرخ بیکاری، و رواج تبهکاری در بین اعضاء این‌گونه خانواده‌ها است.

۲- فقر آگاهی و فقدان اسلوبهای فرهنگی:

که منجر به مواردی مثل تبعیض نژادی، خشونت کلامی، و نهایتاً آزار و خسارت معنوی می‌شود.

۳- معضلات بهداشتی و جسمانی:

مربوط به رشد و سلامت همه جانبه ی کودکان، همچون تغذیه ی سالم و کافی، مسکن مناسب، مسافرت سالانه، و تفریح کافی و اوقات فراغت در حضور والدین است.

۴- عوارض عاطفی و سلب امنیت روانی:

که باعث ایده ی خودکشی، و یا بروز خودآزاری، و حتی دیگر آزاری بین این نوع کودکان است؛ لذا با مراجعه به گزارشات گوناگون از فعالان حوزه ی مدنی و دانشگاهی و انجمنهای حمایت‌کننده از کودکان کار، و نیز شرایط تأثیرگذار و تجربیات موجود در جامعه، می‌توان به یک آمار و رقم تقریبی دست پیدا کرد.

۵- پندارِ خشونت‌آمیز و رفتارِ جنایت‌کارانه:

اغلب این انگیزه‌ها و زمینه‌ها، توسط پلیدترین و پلشت‌ترین افرادِ بزرگ‌سال نسبت به اطفالِ خیابان (کودکانِ کار) اعمال شده و منجر به قتل یا تجاوزِ جنسی می‌گردد؛ اما گاه نیز، این واکنشها از طرفِ خودِ این افراد (یعنی بچه‌هایِ کار) نسبت به یکدیگر انجام می‌پذیرد؛ به این نحو که: این نوعِ مشاجره‌هایِ بچگانه، با درگیریِ شدید و بعضاً فوتِ یک یا چندین نفر از طرفینِ دعوا، آغاز یافته؛ و در نهایت با دخالتِ مستقیم و عضلانیِ نیروهایِ پلیس، به بازداشت و سپس محاکمه و مجازات (زندان و اعدام) ختم می‌شود؛ و البته لازم به قید است! که در موردِ تعرضِ جنسی، بیشتر در حدود و جرگه‌ی دخترانِ خردسالِ خیابانی صدق می‌کند و حائز اهمیتِ والاتری است.

۶- سوء استفاده‌ی مجرمانه از سوی اشخاصِ بیگانه و سفاکِ صفت ... و حتی گاهی ارتکابِ جرم از طرفِ اعضاءِ خانواده‌ی مربوطه:

که در این خصوص با توجه به تحقیقات و تفحصهای انجام یافته، حاکی از اغفال و معتاد نمودنِ خردسالان و نوجوانان (کودکانِ کار) به مشروباتِ الکلی و استعمالِ انواعِ موادِ مخدر، و سپس بهره‌برداری و سودجوییِ بلاعوض در جهتِ فروش و توزیعِ مواردِ فوق و ذکر شده است؛ اما باید و باید! صراحتاً و بی‌پروا به حضورِ مخاطبانِ گرانمایه و فرهیخته بیان نمایم که: با یک دیدگاهِ ژرف‌اندیش و دیالکتیکی در امتدادِ به تاراج رفتنِ سرمایه و نیرویِ کار، می‌توان به انواعِ مشاغلِ کاذب... و همچنین شیادانِ مخوف و باندهایِ مافیایی در پوششِ اشکِ چشمهایِ کودکانِ کار، پی برد؛ آری من از اشکالِ متنوع تر و منجرکننده تری از کودکِ آزاری و نیز بهره‌کشی از آنان به صورتِ سیستماتیک (به سبکِ تکدی‌گری) سخن می‌گویم: که به مراتب، و قریب به مضمونِ ماجرا، اکثریتِ شهروندانِ جهان در سطوحِ مختلف و متفاوتِ جوامعِ بشری، مشاهده و رصد نموده‌اند؛ به عنوانِ تمثیل: اجاره و سوء استفاده‌ی ابزاری از نوزادان و خردسالانِ معلول (ذهنی و جسمی) که بنا بر مطالعاتِ میدانی و محوری و همچنین پژوهش‌ارگانهایِ ذی صلاح، با مبادرتِ افرادی مخفی و تشکّل یافته، ساختاری حرفه‌ای و اجزایی کاملاً پیچیده در راستای سازماندهیِ متکدیانِ کوچک‌سال و بزرگ‌سال؛ ایجاد و احداث شده است.

۷- رشد و تکثیرِ ازدواجِ نابه‌هنگام در مقیاسِ بچه‌هایِ کار: یعنی کودکِ همسری در موردِ اطفالِ دختر؛ که مشغول به امرارِ معاش هستند:

بی‌شک! از قرائن و مجموعه‌ی حوادث و همچنین از نمودارِ تجربه و بحرانهایِ مستمر در جوامعِ بشری، می‌توان دریافت که منشأ و رواجِ این نوعِ استثمارِ انسانی (مشخصاً کودکِ همسری در سطحِ کودکانِ کار) در قواعدی از قبیلِ سنتهایِ بومی و قومی (یا همان خلاءِ فرهنگی) و نیز اجبارِ مالی در بنیادِ اجتماعیِ خانواده‌ها قرار دارد؛ که در مباحث و گفتارهایِ بعدی این مقاله‌ی مدنظر، شرحِ مضاعف و تکمیلی‌اش ارائه خواهد شد... و ملاحظه خواهید فرمود.

۸- قاچاقِ بذرها و دانه‌ها (کودکانِ کار) در جهتِ بهره‌کشیِ جنسی و سیطره‌ی هرچه وسیع‌ترِ کمپانیهایِ تولیدِ فیلمهایِ پورن وابسته به سیرِ تحولاتی بر معیارهایِ اقتصادی و سیاسیِ حاکمانِ ستم‌پیشه و کابوس‌نشانِ جهان: همانا شعبده‌بازانِ استعمار و امپریالیسم:

بدون هیچ فرضی، آشکار و مبرهن است؛ که باید و باید! سابقه‌ی طولانی و ریشه‌دارِ توسعه‌طلبی بر دختران و حتی زنانِ دارایِ همسر و فرزند را، از قرون و عهدِ کهن آغاز و جست و جو کرد (تسلط و سودجوییِ وقیحانه و شرم‌آور مردانِ غارنشین و قبائل بر اصطلاحاً جنسی مؤنث (همان انقیاد ... تبعیت ... و تسلیمِ زنانه) به خاطرِ مسائلی چونان توانِ جسمانیِ مردان که منجر به شکار ... کاشت و جمع‌آوریِ محصولاتِ کشاورزی ... تهیه‌ی سایرِ موادِ غذایی ... و امنیتِ جانبی برایِ اماکن و ساکنانِ آن زمان بوده است؛ و یا مصائبی دیگر: همچون جنگهایِ مرسوم در دورانِ مختلف و متفاوت که افراد و اقوام و ملت‌هایِ مغلوب، ضمنِ به غارت رفتنِ اموال و داراییهایِ شان، دختران و زنانِ آنان نیز، به تصرف و تسخیرِ نیرویِ غالب در می‌آمد؛ و ... و سپس به تاریخِ مُشمزکننده و ددمنشانه‌ی برده‌داری در اکثرِ مللِ جهان رسیده، و آنگاه با ایده‌ها و ابعاد و اشکالِ جدید و نوین این سلطه‌جوییِ جنسیِ مردان بر طبقه‌ی بانوانِ معاصر. آشنا و آگاه شد؛ البته لازم به ذکر است! اگرچه با همه‌ی تلاشها و اقداماتِ مؤثرِ فعالان و مدافعانِ حقوقِ زنان (کُنشگرانِ فمینیسم) و همچنین حوزه‌ها

و نهادهای دیگر: و نیز حامیانِ کودکِ کار (در خصوص نوجوانانِ دختر) که باعث گردیده، تجارت و اسارتِ دختران و زنانِ قربانی در جوامعِ بشری، به عنوانِ یکی از مصادیقِ جرایمِ سازمان یافته و بین المللی، معرفی و شناخته شود؛ اما باز هم! به صورتِ مکرر، و با میزانِ گسترده و میانگینِ فزاینده ای، (که از سوی انجمنهایِ مدنی و مستقلِ امورِ اجتماعی بانوان به تأیید رسیده است) این دردِ مشترکِ جهانی را مشاهده و رصد می کنیم؛ آری شبانه روز: در بعضی از جرایم و سایتها و سایر اخبارِ انتشار یافته در فضاهایِ مجازی و غیره ... می خوانیم و می شنویم و می بینیم که کاسبانِ قدرت و دلالانِ ثروت (قاچاقِ چیان انسان) چگونه با ابرازِ فریب و وعده هایِ پوچ و تهی، و حتی با تهدید و ضرب و شتم و سرقت، دختران و زنانِ تحت فشار را (از حیثِ تبعیضِ سیاسی و تضادِ اقتصادیِ طبقاتی) به عرصه ی سقوط و ابتذالِ بشری کشانده، و با سلبِ امنیتِ خصوصی و کرامتِ عمومی شان، این بذرها و دانه ها (کودکانِ کار: اطفالِ دختر را) بدل به طیفی از ابزارِ کار و تولید می نمایند (همانا رابطه ی فقرو فحشا) به عبارتِ دیگر... این دخترانِ همیشه مغموم و مشغول به کار در مهلکه ی خیابان، در فرآیندی آگاهانه و کاملاً تشکیلاتی، به سوی صنفِ بردگانِ جنسی و روسپی خانه ها، حرکت و سوق داده می شوند؛ و یقیناً و طبیعتاً: بعد از مصادره و مصرف و تخریبِ روان و جسمِ شان! آنان را همچون تکه پاره های یک نونهالِ پلاستیک و پژمرده، در فطرتِ مرموز و دهشت ناکِ این کائناتِ لایتناهی؛ رها و حیران می سازند.

۹- نواقص و تناقضات در قانون اساسی کشورها ... خصوصاً ملتهایِ موسوم به جهان سوم:

یعنی نقاطِ ضعف و نکاتِ نارسا در کلیات و جزئیاتِ طرحهایِ تصویب شده، و همچنین عدمِ لوايحِ مدنی و اجرایی برای رفعِ دشواریها و محرومیتها ی این طبقه ی خاص از جامعه ی بشری و یا به تعبیری ساده تر و دقیق تر: سراسر ماده ها و تبصره هایِ مْصوبه از سوی نمایندگانِ منتخب و تحمیلی و نیز تعیینِ صلاحیت شده ی حاکمان و دولتها، که با منافع و حقوقِ شهروندیِ طبقه ی تهی دستِ جوامعِ انسانی؛ مغایرت دارند.

۱۰- مشکلاتِ بنیادین و غیرقابلِ پیش بینی: مثلِ مهاجرت بر اثر جنگِ داخلی در کشورها، و یا مناسباتی از این گونه اتفاقات؛ که در هر صورت به کوچِ اجباریِ خانواده ها ختم می شود (نوعی تبعید و تمکینِ غم انگیز و خود خواسته) ... اما بنابر درکِ کافی و آشناییِ بیشتر و فراتر با رویدادهایی که در پیرامون یا تقابلِ با کودکانِ کار هستند؛ به نکته ای اساسی و مضمونی عمیق تر می پردازم:

مالکانِ مؤسساتِ کار و صاحبانِ مشاغل در کارخانه ها و کارگاهها، با تصرف بر وسائلِ کار و تسخیرِ منابعِ مالی و عناصرِ سیاسی، موجبِ استثمارِ اقشارِ ضعیف و متوسطِ جامعه می شوند؛ و این فرآیندِ کاذب و ظالمانه، از یک سو نوعی لُکنتِ فرهنگی را در نظامِ اقتصادیِ سراسرِ جهان ایجاد می کند؛ که همانا رابطه ی اختناق و مغلوبه ی ارباب و رعیتی است! و از جانبی دیگر: باعثِ بهره کشیِ مضاعف و غیر انسانی از توده هایِ زحمتکشِ خلقها (کارگران و دهقانان و دیگران ...) گردیده و در نهایتِ این ماجرا، نفوذِ هرچه تمام تر سرمایه دارانِ خرد و کوچک، و مناسباتِ کلانِ امپریالیستهایِ جهانی را پدیدار می سازد؛ که نتیجتاً شکافِ طبقاتی، و همچنین گسستِ ارزشها و ساختارهایِ بنیادین در خانواده ها و جامعه مهیا می شود؛ به عبارتِ ساده تر و دقیق تر: این میزان و چرخه از استبداد و برده داری، به معنایِ بازیافتِ رنج و بازتولیدِ قحطی در لایه هایِ میانه به پایینِ جوامعِ بشری است (یعنی یوغِ استثمار و استعمار) که بارها و بارها در گذر از تاریخِ جهان، به اشکالی مختلف و متفاوت، شاهدش بوده ایم و تجربه کرده ایم؛ که پدیده ی کودکانِ کار، طرحِ نوینی از همین پُروسه ی ناعادلانه و نامبارک است؛ و در قسمتِ ذیل به تفسیری فراخ تر خواهیم پرداخت:

هنگامی که سرپرستِ خانواده از اداره ی مالی و مدیریتِ پرورشِ افرادِ تحتِ تکلفِ آش باز می ماند و در مقابلِ بدوی ترین و بدیهی ترین خواسته هایِ شان دچارِ یأس و استیصال می گردد: طبیعتاً و الزاماً، کودکانِ برایِ امرارِ معاش و تأمینِ نیازهایِ ضروریِ خود و خانوارشان به عرصه ی خیابان پناه می آورند (و این رویدادی هولناک و فاجعه آمیز است) زیرا در خانواده هایِ محروم و توسعه نیافته ی فرهنگی و اقتصادی، کودکانِ جزء نیرویِ رایگان و جوان محسوب می شوند؛ و ثقلِ کلام اینجاست! که هر کودکِ شاغل، در فقدانِ یک سیستمِ منسجمِ تربیتی، و همچنین تحصیلِ رایگان و مساویِ گستر آموزش، به کانونِ خیابان ... و حتی به پیکره ی خاطی و بزهدارِ علیه نظم موجود در جامعه تبدیل شده و دائماً موردِ تهدید و نكوهشِ طبقه ی حاکمه و نیز شماتتِ بخشِ عوام و آحادِ ناآگاهِ مردم قرار می گیرد.

البته لازم به ذکر است: که در حکومت‌های دیکتاتور مآب (شوونیستی، ناسیونالیستی، میلیتاریستی، بورژوازی) نحوه عملکردشان با پدیده‌ی کودکان کار، عموماً به صورت قهرآمیز و لومین وار انجام می‌پذیرد؛ که مسلماً این هنجار والگویی رفتاری (ایجاد رعب و وحشت) برآمده و برساخته از وحدت جنون و منشور جهل، و همچنین مشی سرمایه داری است! که به طور آشکارا در ذات این قبیل نظامها و رژیمها، تثبیت و نهادینه شده است: اما در همین راستا (یعنی عدم هرگونه عدالت برای نوجوانان مشغول به کار) باید به یک مورد خاص و ضروری از زاویه ای ممتاز و متمایز اشاره کرد: اینکه گاهی اوقات شاهد آن هستیم، که به دستور مسئولان و مقامات دولتی، و نیز سایر ارگانهای ذیربط و مربوطه، طرح جمع آوری کودکان کار از سطح شهرها و کرانه‌ی خیابانها صورت می‌پذیرد: ولی حقیقت و هدف نهفته در این روخداد ایهام زده، کاملاً واژگون و غم‌انگیز است! زیرا قصد و مراد رابطان و ضابطان قضایی و اجرایی نام برده در مطلب فوق، به مفهوم کمک رسانی و ارتقای معیشت، و در نتیجه جلوگیری از کار اجباری این کودکان محروم و بی‌بضاعت نیست؛ بلکه دلیل آش! در جهت ممانعت از مخدوش شدن چهره‌ی بزک کرده‌ی شهرها و خیابانها است و باید و باید، با اطمینان خاطر اعلام و ابلاغ کرد: که این واکنش غیرقانونی و روش غیرانسانی حاکمان دولت مدار، نوعی هجوم و مبارزه‌ی علنی علیه اقشار تهی دست و ستم دیده ... و یکی از شاخصه‌های ارتجاعی خداوندان ثروت و اربابان قدرت، تلقی و تداعی می‌شود.

راستی! نکته‌ای کوتاه، ولی پیشگام و پیشتاز؛ که من به موازات همین مسئله یعنی پدیده‌ی کودکان کار، قائم و قائل به ابراز و توصیف آش هستم: می‌توان با یک نگاه مستقل و با جست و جو در دوران تمدن بشری، و کاوش در شالوده‌های روان‌شناسی و شاکله‌های جامعه‌شناسی، و نیز نگرش در اصول ادیان و أسلوبهای فلسفه و مختصات سیاست، به سوژه‌ای مرموز و برجسته پی برد؛ که این نیروی انسان نهاد، نه فقط اکنون، که از همان آغاز جهان هستی و پیدایش بشر بر کره‌ی زمین، دچار عدم درک مشترک و تساوی طلبانه با هم نوعان خویش و سایر موجودات دیگر بوده، اما نحوه‌ی اجرایی آن در آوار گوناگون تاریخ تمدن بشری، متفاوت است؛ که به تدریج و بر مبنای دلایل ارائه شده در ارجاعات فوق و مذکور، همین ماهیت انسان نهاد تک‌ساختی یگانه محور، در ساختاری براساس نظام سرمایه‌داری و نیز مجموعه‌ای منزوی و انحصار طلب، نمودار پیدا کرده؛ و تکامل یافته است: که مسلماً عمده‌ی این تغییر و تحول، پیرامون سیاق درونی و بیرونی انسانها، و همچنین شرایط زیست محیطی شان تعریف می‌شود و تجلی و تبلور پیدا می‌کند.

به عنوان مثال: پیدایش توت‌مهای متعدد (از قبیل مذاهب مختلف) اختراعات و ابداع وسائل کار، توسعه‌ی ابزارآلات کشاورزی و جنگی ... ایجاد صنایع سنگین و سبک و نهایتاً گسترش علم و صنعت، تأثیر فراوانی بر شیوه‌ی نظامهای سرمایه‌داری و شیوع آن در سراسر جهان داشته است؛ نتیجه اینکه، آن سیستم تولید شده از سوی صاحبان کار و حاکمان استبداد (ترکیب و پیوند طبقات بورژوا و میلیتاریسم با یکدیگر) عاملی سبب و سبب‌گر برای اغفال نیروهای کار در جامعه، و نیز آهرمی به سمت کنترل و سرکوب‌سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری، و حتی تشکلهای سیاسی و جنبشهای انقلابی است؛ که با عرض تأسف باید گفت: حاصل این گونه اعمال نامطبوع و قوانین نامطلوب استثمارگرایانه‌ی فرد محور، موجب فقر و توحش بر بستر خانواده‌های ضعیف و فرومایه‌ی اقتصادی در جوامع بشری بوده و هست و خواهد بود؛ خانواده‌هایی که هر لحظه رو به فلاکت و زوال هستند و هویت و ارزشهای انسانی شان تحت نفوذ ساختاری پیچیده و انحصار طلب قرار گرفته؛ تا آنجا که! با یک پردازش روانکاوانه و دیدگاهی جامعه‌شناسانه در بین اقشار فرودست و اذهان زحمت کش جامعه، می‌توان با میزان نارضایتی و ناخشنودی شان از زندگی آشنا شد و در تار و پودشان مشاهده کرد آن گونه که: این نوع خانواده‌ها، از زایش خود نفرت روز افزون دارند! و دائماً این عالم سیال و چشم‌نواز را ملامت و سرزنش می‌کنند.

ضمناً قابل تأکید و تکرار است: که همین هندسه‌ی مستقر و مستمر در ارکان اقتصادی اکنون جهان و نمای اشرافیت نوین آش (یعنی رابطه‌ی ثروت و قدرت سیاسی) یک مفهوم کاربردی در ابعاد فرهنگی و اشکال تربیتی جوامع بشری دارد؛ که پدیده‌ی کودکان کار، نمونه‌ای دقیق و کامل از عناصر و منابع این نظام طبقاتی و ضد انسانی محسوب می‌شود و همان طور که ملاحظه می‌کنید مقاله‌ی پیش رو، در بضاعت مؤلف آش و با رویکردی انتقادی می‌کوشد تا حوزه‌ی تبعیض را در مرزهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، برای مخاطبان خود بیان کرده و نیز پندار و اندیشه‌ی برابر گستر را به همه‌ی خلقهای جهان؛ پیشنهاد و عرضه کند. (زیرا نقد و بررسی، ویرایش آگاهی در اکثر سطوح جامعه‌ی

انسانی را فراهم می‌سازد؛ و این‌گونه! ضرورتِ تجدیدنظر در افکار و عقایدِ پوچ و پوسیده‌ی بشری، تبلیغ و ترویج خواهد شد. اینک سطرهایی متروک و مجروح ... سخنی عریان با خیلِ بی تفاوتها و سنت‌نگارانِ بی تکلیف؛ که ترسیمِ آن شعله‌خوانِ واژگون درهیاھویِ بادآند:

آیا این کودکانِ ماهِ تاب ... این میهمانانِ ناخوانده ... و یا شاید میزبانانِ مغلوب به اجبار؛ همان گهواره‌های خستگی در بطنِ هر انسان نیستند؟ آیا این فرشتگانِ با وقار و ناامید، در گوشه و کنارِ همین عمارت‌های عظیم و خانه‌های غول‌آسای تجارت و توهم؛ پایتختِ درد و فلاکت و حسرت نشده‌اند؟ و آیا نباید سرآسیمه و پریشان‌احوال، به سمتِ خیابانها و میدانها و چهارراهها دوید و با آغوشِ تُردِ سخاوت، این رنگین‌کمانِ زلال و نجیب و کودک‌وار را نوازش کرد: بوسه‌ها بر پیشانی‌شان زد! و بی دریغ و بی ریا در مقابلِ این طیفِ صداقت‌گون، دریچه‌ای از نور و صدا گشود: تا پیوسته پیوسته، کوله‌بارشان توشه‌ی نان و آفتاب و آرامش باشد؟

افسوس ... گویی هزاران هزار پرسشِ بی حاصل و خطابه‌ی بی ثمر، سهمِ این کودکان از تمامِ میعادها و رُستنها و شکوفه‌ها خواهد بود؛ انگار لهجه و الفبایِ هر اهریمن و ابلیس در قابهایِ آونگ و آستانه، خلاصه می‌شود؛ زیرا زبان‌شان، ضرب آهنگِ دام و دژخیم است؛ زیرا که، مقصد و اصالتِ شان، زنجیرها و زندانهاست؛ لعنت ... لعنت بر کسانی که قتلِ آن یگانه‌اقاقیا را به تماشا نشستند! و سرانجام، غاصبان و قصابان، فانوسها و قاصدکها را به قربانگاه بردند: ذبح‌شان نمودند و آنان خاموش ماندند: هرگز از بُن و نایِ استخوانهایِ شان، شعور و شرافت را فریاد نکردند: هیچ نگفتند (نفرین به خادمانِ مرگ و ناطقانِ مسلخ)

ضمناً اگرچه توضیحِ واضحاتِ ضرورتی ندارد؛ اما لازم و ملزوم می‌دانم که محکم و مصمم بیان کنم: که دولتِ تزویر و توطئه و دروغ ... حکومتِ توحش و بلاخیز و خرافه‌پرورِ مستقر در ایران؛ مشغولِ بخششِ اموالِ عمومی و انفاقِ منابعِ ملیِ این سرزمینِ کهنِ دیار است! و کماکان قسمتی از همین چپاول و مصادره‌ی عناصرِ مشترک در جامعه را صرفِ مهارِ فرهیختگان و نیز تحریف و تخریبِ نویسندگانِ مؤمن به خلق می‌کند و در نتیجه! ما به ازاءِ آش، درماندگی و سانسور و غُضَب، جایگزینِ این ثروتِ همگانی و رفاهِ اجتماعی می‌شود؛ بنابراین وظیفه‌ی هر انسانِ مسئولیت‌پذیر (خصوصاً اهلِ اندیشه و الزاماً قیّمانِ قلم) این است: که خویشاوندِ هر کودکِ کار باشد ... زیرا که، آدمی آزمونِ محض و محالِ انجمنهاست و کودکان (اطفالِ کار) قطره‌هایِ باران در میعادگاهِ باغِ آند و جویبارِ یقینِ ما را طلب می‌کنند. به راستی اگر ما مدعیان و متولیانِ واژه و تفکر، کاتبانِ صلح و راویانِ آزادی نباشیم و خود را از تبارِ جنگل ... و از نسلِ گندم و خورشید و دریا ندانیم! و اگر این کودکانِ نیک‌نهاد را در ذهن و قلبِ مان تلاوت نکنیم؛ آن هنگام: اینان در میانِ تاول و تاوان ... در تلاطمِ آندوه و فاصله و مرثیه، به دقایقِ غفلت سپرده خواهند شد و ناگاه! کلمات و گُلِ پونه‌هایِ نابالغِ عاشق، حقیقت را شهادت خواهند داد و آینه و آینه‌ما را به بسترِ چالش و مقامِ پاسخ‌گویی خواهند کشاند و در امتدادِ این تلخونِ حادثه، ما نیز همچون نقاب‌پوشان و چاپلوسانِ ثبت شده بر تقویمِ هنر و کارنامه‌ی اعتراضیِ خلقهایِ جهان، در قدمگاهِ اعتراف خواهیم ایستاد و در حضورِ وجدانهایِ معصوم و آگاه، شرمگین تاریخ خواهیم شد و ناگزیر! مبهوت و محکوم خواهیم ماند.

آری این کودکانِ به‌غایتِ زبباسرشت، از جنسِ خدایان و نسلِ برزخیان نیستند؛ بلکه آنان از حوالیِ رنگها و ابدیتِ رؤیاها آمده‌اند! اما دریغا، که در لفظِ عقیم و یائسه‌ی فقر و نیز لابه‌لایِ خاطراتِ مشکوک و مبهمِ ما گم گشته‌اند ... فراموش شده‌اند: بیائید چونان جاده‌ها، تلنگر و تکاپویِ این دیرینه‌بغضِ فرتوت‌باشیم و امواجِ لبخند و انبوهِ ستاره‌ها را، نثارِ هر کودکِ کار کنیم؛ بیائید زمزمه‌کنان! بر آن شاخسارِ خیسِ احساس، ترانه‌ی فتح و مهر و میلادِ بیابویریم؛ و با زخم‌هایِ ناسور (بچه‌هایِ کار) میثاقِ رفیقانه ببندیم و رازِ دانه‌هایِ فصول را مژده دهیم تا شاید طعمِ دشواریها و متنِ این مظهرِ پروانه‌پوش مقاومت، نخستینِ سرودِ انسانِ معاصر شود؛ و آدمی را، از انتظارِ خاک و اشتیاقِ ابرها، سرشار کند؛ بیائید راستین و راسخ و با هر نوع اعتقاد و اعتماد و اعتبارمان، در صفوفِ حامیانِ حماسه‌انگیزِ کودکانِ کار؛ قرار گیریم و مدام و مدام، آنان را به تصویرِ چشمها و تفسیرِ گوشها، بدل سازیم؛ زیرا که، تقدیرِ جهان و رسالتِ بشریت، جغرافیایِ دریچه و دروازه است... کودکانِ کار را دریابیم.

اشک

مرجان

تا زمانی که هنوز
 اشک در چشم زند حلقه
 و دل می شکند
 زندگی معنی دارد
 زنده ام، جان دارم
 اشک برهان وجود روح انسانیت است
 و من از خشکی چشمان ترم می ترسم...
 آه آن روز مباد
 که من از ناله مظلوم، نلرزم بر خود
 و ببندم چشم
 بر غربت یک طفل
 که امید عطوفت دارد
 اشک، شعری است که از چشمه دل می جوشد
 قافیه، خون جگر
 وزن، اندوه به اندازه غمهای دل انسانها
 اشک درمان دل تیره و گمراه من است
 اشک باران لطیفی است که زنگار گناه
 از دلم می شوید
 و به من می بخشد
 حس آرامش یک گندمزار
 حس یک ابر که بر بال نسیم
 می رود تا به فراسوی خیال
 قطره اشک به زیبایی یک الماس است
 همچنان زینده
 و خدایا از من این لطف مگیر
 و ببخش
 چشم گریان و دلی بارانی...
 در دستهای زخمی سالها تلاش تو
 جای دو دست آن سرو باغ آرزو
 تصویر مهربان اوست
 که لبخند می زند به پهنای غم گرفته چهره پدر
 و امید می دهد به قلب شکسته مادرش...
 آه ای همه صبوری و سکوت
 محکم بگیر آن یادگار رفته را
 با قطره قطره اشک
 حک کن به لوحه زرین زندگی

افسانه همیشه ماندن و خروش
 آری بدان که صبح
 صبح قریب
 این انتظار تلخ قرنها ستم
 یک روز
 از بوستان سرخ لاله ها
 یک روز
 از کینه دل داغدار مادران
 یک روز
 از خون و اشک دیده انسان عصر ما
 می کند طلوع
 آری عزم را
 دوباره جزم کن.... ای همه امید
 ۱۳۶۴



مرجان هنرمندی اصیل و متعهد

م. وحیدی (م. صبح)

در این زمانه عسرت
 تو خامشی که بخواند؟
 تو می روی که بماند؟
 که بر نهالک بی برگ ما
 ترانه بخواند؟

هزار آینه

اینک

به همسرایی قلب تو می تپد با شوق

« شفיעی کدکنی »

درگذشت دریغ انگیز خانم مرجان هنرمند اصیل و مردمی را به آقای فریدون ژورک، خانواده گرامی وی، هم‌زمان شورایی و مجاهدان آزادی ستان و خلق اسیر ایران تسلیت می گویم.

سخت است از هنرمندی نوشتن که بیش از چهار دهه در عرصه مقاومت درخشیده و اکنون در جمع ما نیست. بی شک هنر بزرگ او رزم بی امانش برای آزادی و ایستادگی اش در برابر فاشیسم آخوندی بود.

او که از صمیم قلب مبارزه کرد و «هنرش را وقف مقاومت و آزادی» نمود و تا پایان بر پیمان خود وفادار ماند و نامی پایدار از خود به یادگار گذاشت.

خانم مرجان هنرمندی متعهد و مردمگرا، بدور از عافیت طلبی، مبارزه اش را از شکنجه گاههای خمینی شروع کرد، تبعید را برگزید، تا صدای رسای مردم ایران باشد و عاقبت با عشق به ایران و ایرانی به سوی خورشید پرکشید و جاودانه شد.

سلام بر او و سلام بر مردم داغدار ایران زمین

خرداد ۹۹

حریق سپیدار

به یاد مرجان فرزند مقاومت ایران

م. صبح



کدام ستاره فرو افتاد
 که دشت
 چون شاعری اندوهگین
 با دسته گلی
 به سوک نشست
 و گیسو پریشان کرد؟
 ای آسمان
 با ابرهایت ببار!
 تارو دها و برکه ها
 نامش را به خاطر سپارند
 چه غروبی ست!
 با سایه های گنگ
 و اصوات ناموزون فصلی
 در آستانه حریق
 بر شیشه های شهر
 نشسته غبار مه
 باسکوتی طاعون زده
 و بغضی خزیده
 در سنگفرش کوچه ها
 پیغام تو
 منظومه بلند فریاد
 رسالت بارانی ست
 که بهار های دور را
 برایمان
 به ارمغان می آورد
 ۲۰ خرداد ۹۹

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

تصویر پرنده و باد
 در سپیده ای گداخته
 میان عبور ابری خاکستری
 و صبوری آسمانی
 که خویشاوند زمین است
 به فصلی دیگر برآمدیم
 با طرح آزادی
 و خطابه ای نو
 در انتهای غروبی سوکوار
 اینک
 در جلوه گاه حادثه
 روشنی را اندازه بگیر!
 از ساقه گل سرخ
 تا سپیده
 مسافت چند است؟

بر آنم
 تا تصویر الفاظ نهان باشم
 میان فصل برگریزان
 و زمزمه های مصلوب شده

بر بال سنجاقکها
 پلی بساز!
 شاهراهی
 با سنگفرش شعر و حماسه
 و سرخی آرمانی
 که خیابان را ورق می زند
 آنک

رزمجویانند
 قصه پردازان دقایق خاموش
 شرابه های نوری
 که رفتار آتش دارند
 درپای بازترین پنجره ها
 و غوغای سرودی
 پراز پرنده و آفتاب

در کنفرانس جهانی مقاومت ایران

با درود به همه آزادیخواهانی که در این گردهمایی شرکت دارند
 با درود به مردم بهبهان که شب گذشته کاخ خامنه ای را به لرزه انداختند
 با درود به زندانیان سیاسی و به خانواده شهدا و تسلیت به خانواده جانبازگان از ویروس کرونا
 در آستانه چهلمین سال تاسیس شورای ملی مقاومت ایران، مردم ایران به ویژه تهیدستان و جبهه گسترده نیروهای کار
 وارد مرحله نوینی شده اند. مردم ایران طی سالهای حیات ننگین استبداد مذهبی حاکم بر کشور به اشکال مختلف مبارزه
 کردند که خیزش آبان سال گذشته، قیام «کار، نان، آزادی» اوج این مبارزه بود. خامنه ای در راس نظام درصدد است با
 بهره برداری از شرایط به وجود آمده به خاطر ویروس کرونا، نظام را از سرنگونی نجات دهد. اما مقاومت سازمانیافته مردم
 ایران با وجود سرکوبهای گسترده و توطئه های پیاپی به طور قاطع به مبارزه برای برانداختن نظام چهل و جنایت ادامه
 داده که یکی از برجسته ترین نمود این مبارزه حرکتها و تلاشهای کانونهای شورشی است. امروز رنگین کمان نیروهای
 مقاومت ایران بیش از هر هنگام در جنبش ضد دیکتاتوری ولایت فقیه تاثیرگذار و مداخله گر هستند.
 اگر دیکتاتوری حاکم بر ایران تاکنون توانسته بر قدرت بماند، به خاطر استفاده از تمامی اشکال سرکوب و توطئه بوده و
 مطمئن باشید که از توانایی و قدرت خارق العاده آن نیست. جنبشها و خیزشهای چند سال گذشته و به ویژه قیام آبان ماه
 سال پیش بر این واقعیت مظهر تایید زد که نیروی میرا و ارتجاعی رفتنی است و کسانی که برای تغییر و تحول دموکراتیک
 به سود مردم به پا خواسته اند، مانا و پیروز هستند.

پرچم سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی که به وسیله شورای ملی مقاومت ایران در ۳۹ سال پیش برافراشته شد، امروز
 در دست بی شمار ایرانیان در سراسر کشور قرار دارد. زنان و مردانی که علیه استبداد مذهبی قیام می کنند و برقراری یک
 جمهوری دموکراتیک، لائیک و عدالت طلب را نوید می دهند. برنامه ۱۰ ماده ای خانم مریم رجوی و طرح جبهه
 همبستگی ملی راهکارهایی در مسیر تحقق این چشم انداز است.
 صحبت‌هایم را با طرح دو نکته اساسی از دیدگاههای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرامون شرایط کنونی ایران خاتمه
 می دهم.

یک: مساله کسب آزادی و مبارزه برای رهایی از استبداد مذهبی حق و وظیفه مردم ایران و زنان و مردان آزادیخواه ایرانی
 است. این وظیفه فقط و فقط در انحصار مردم ایران و نیروهای پیشتاز آن است. ما از هیچ قدرت خارجی نمی خواهیم که
 از جانب مردم ایران این وظیفه را به عهده گیرد و بنابراین ما مخالف جنگ خارجی و جنگهای نیابتی هستیم.
 دوم: تنها خواست و انتظار ما از دولتهای جهان و از سازمان ملل متحد این است که بر اساس پرنسیپهای اعلام شده خود و
 به خاطر پایبندی به میثاقها و عهدنامه های حقوق بشر، به استبداد مذهبی حاکم بر ایران یاری نرسانده و با آن مماشات
 نکنند، ابزارهای سرکوب و سانسور را در اختیار حاکمان ستمگر ایران قرار ندهند و حق مردم ایران برای تعیین سرنوشت
 خود و سرنگونی استبداد مذهبی و استقرار یک نظام دموکراتیک، کثرتگرا، عرفی، بدون پروژه هسته ای، طرفدار عدالت و
 صلح و مخالف تبعیض مذهبی، جنسیتی، قومی و ملی را به رسمیت شناسند.
 سپاس فراوان که به من گوش کردید.

آدینه ۲۷ تیر ۱۳۹۹ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۰

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

کوبا؛ پیشتاز و سرمشق در مبارزه با پاندمی کرونا

علت موفقیت کوبا در مبارزه با کرونا یک پاسخ سوسیالیستی دارد: برنامه ریزی مرکزی، منابع ملی را براساس استراتژی توسعه ای توزیع می کند که رفاه و مشارکت اجتماعی مردم و نه سود شخصی را در اولویت قرار می دهد.

هلن یاف/ آمریکا ۲۱
برگردان: بابک



"هلن یاف" (Helen Yaffe) استاد تاریخ اقتصادی و اجتماعی در دانشگاه گلاسگو و متخصص مسائل کوبا و آمریکای لاتین است. او در این نوشته چگونگی برخورد و مبارزه کوبا با پاندمی کرونا را بررسی و تحلیل کرده است.

پاسخ کوبای سوسیالیستی به همه گیری جهانی کرونا فوق العاده است، هم از نظر چگونگی برخورد با آن در داخل کشور و هم به دلیل ادای سهم بین المللی. این واقعیت که یک ملت کوچک که

قرنها منکوب استعمار و امپریالیسم بوده و از هنگام انقلاب ۱۹۵۹ تحت شش دهه محاصره جنایتکارانه ایالات متحده قرار گرفته، می تواند چنین نقش برجسته ای را ایفا کند، سرچشمه در سیستم سوسیالیستی کوبا دارد. برنامه ریزی مرکزی، منابع ملی را براساس یک استراتژی توسعه توزیع می کند که رفاه و مشارکت اجتماعی مردم و نه سود شخصی را در اولویت قرار می دهد.

مقامهای کوبا به سرعت در مورد اطلاعات ارائه شده توسط چین در آغاز سال در مورد SARS-CoV-2 واکنش نشان دادند. در ماه ژانویه آنها کمیسیون فراگیر ملی پیرامون مساله Covid-19 را راه اندازی کردند، برنامه اقدام ملی خود در مورد اپیدمیها را به روز کردند، نظارت بر بنادر، فرودگاهها و تأسیسات دریایی را آغاز کردند، مقامهای مرزی و مهاجرت را برای برخورد با Covid-19 آموزش دادند و دست به تدوین یک برنامه عمل "پیشگیری و کنترل" زدند. متخصصان کوبایی برای آشنایی و تحقیق در باره ویروس جدید کرونا به چین سفر کردند و کمیسیونهای شورای علمی دولت، کار برای مبارزه با این ویروس را آغاز کردند. در ماه فوریه، امکانات پزشکی تجدید سازمان داده شد و پرسنل برای کنترل شیوع ویروس در این جزیره آموزش دیدند. در اوایل ماه مارس، یک گروه علمی و بیوتکنولوژی برای توسعه روشهای درمان و آزمایش و تولید دارو، واکسن و سایر نوآوریهای مربوط به Covid-19 تشکیل شد. از ۱۰ مارس انجام آزمایش روی افرادی که وارد کشور می شدند، آغاز گردید و تمام این اقدامات زمانی انجام می گرفت که ویروس هنوز به کوبا وارد نشده بود.

اولین موارد کرونا و واکنش به آن

در ۱۱ مارس تایید شد که سه جهانگرد ایتالیایی اولین مورد Covid-19 در کوبا هستند. مقامهای بهداشت و درمان کوبا وارد عمل شدند و گردهماییهایی را در محله های شهرها سازمان دادند و همزمان به صورت خانه به خانه چکآپ پزشکی، تست و اقدامات قرنطینه ای انجام دادند و تماسهای افراد را تعقیب کردند. همگی این تدبیرها با برنامه های آموزشی و به روز رسانی داده ها همراهی می شد.

در ۲۰ مارس محدودیتهای رفت و آمد اعمال شد و از مردم خواسته شد تا در هنگام خروج از خانه برای انجام کارهای مهم و اجتناب ناپذیر، از قواعد فاصله گیری اجتماعی پیروی کنند و ماسک بزنند. مالیات مشاغل خصوصی و پرداخت اقساط بدهی شخصی به حالت تعلیق درآمد و پرداخت پنجاه درصد دستمزد به بیماران بستری شده در بیمارستانها تضمین شد. خانوارهای کم درآمد کمک اجتماعی و خانوادگی دریافت کرده و به آنها مواد غذایی، دارو و سایر کالاها درب منزل تحویل داده می شد.



کارگاههای سراسر کشور، با الهام از یک جنبش توده ای "تولید خانگی"، شروع به تولید ماسک کردند و از آنجا که تشکیل صفهای طولانی دوباره به امری روزانه تبدیل شده بود، در پهنه محلی، افراد در گروههای امداد متقابل برای کمک به افراد ضعیف و سالخوردگان در خرید مواد غذایی خود را سازمان دادند.

در ۲۴ مارس کوبا مرزهای خود را به روی افراد غیر مقیم بست؛ یک تصمیم سخت با توجه به اهمیتی که درآمد گردشگری برای دولت دارد. هر شخصی که وارد کشور می شد باید وارد قرنطینه همراه با نظارت می شد و تست می داد. در استانها و شهرستانها، شوراهای دفاع فعال شدند.

در ماه آوریل پرداخت قبضه‌های خدمات عمومی به حالت تعلیق درآمد و رفت و آمد مسافر منطقه ای و محلی نیز متوقف شد، اما امکان حمل و نقل برای پرسنل پزشکی و سایر افراد شاغل در مراکز مهم خدماتی در نظر گرفته شد. هاوانا و شهرهای دیگر ضد عفونی شدند. ۲۰ شهر در شش استان کاملاً یا به صورت موردی در قرنطینه قرار گرفتند.

اپلیکیشن توسعه یافته ای در کوبا به نام "غربالگری مجازی" راه اندازی شد که دارای امکانی بهبود یافته برای مشارکت کاربران در همه پرسی اپیدمیولوژیک وزارت بهداشت (Minsap) بود که به منظور یک تجزیه و تحلیل آماری صورت می گرفت. برای جلوگیری از ورود ویروس به زندانها، اقدامات لازم صورت گرفت، روزانه دو بار آزمایش مستقیم انجام می شد و تا ۲۳ آوریل هیچ مورد ابتلایی در زندانها مشاهده نشد.

در ۲۴ می، دولت ۸۲ مورد مرگ و میر و کمتر از دو هزار مورد ابتلای تایید شده را در کوبا که جمعیت آن کمی بیش از ۱۱ میلیون نفر است، به آگاهی رساند. این به معنای ۱۷۳ مورد تایید شده در هر میلیون نفر است و می توان آن را همین تناسب در انگلیس مقایسه کرد که آماری برابر با ۳۹۰۷ در هر میلیون نفر را نشان می دهد. هیچیک از اعضای کادر پزشکی کوبا جان نسپرده است، اگرچه ۹۲ نفر از آنها تا اواسط آوریل آلوده شده بودند.

این واکنش مثال زدنی در کوبا بر پایه پنج ویژگی بارز یک توسعه سوسیالیستی اش قرار دارد:

نخست: یک سیستم بهداشت عمومی یکپارچه، فراگیر و رایگان که در آن پیشگیری بر درمان تقدم دارد، با شبکه ای از پزشکان خانواده که مسوولیت سلامت عمومی مردم را بر عهده دارند و در میان بیماران خود زندگی می کنند. دوم: صنعت داروسازی بیولوژیکی کوبا که در خدمت نیازهای بهداشت عمومی قرار دارد، نزدیک به ۷۰ درصد داروهای مصرفی در این کشور را تولید و همچنین به ۵۰ کشور صادر می کند.

سوم: تجربه این جزیره در پهنه دفاع مدنی و کاهش خطرات بلایای طبیعی و اقلیمی. کوبا به لطف شبکه ای از سازمانهای مردمی که ارتباطات و اقدامات مشترک جامعه را تسهیل می کنند، توانسته است جایگاه شناخته شده ای در سطح بین المللی از نظر بسیج منابع ملی برای حفظ جان انسانها به دست آورده است.

چهارم: تجربه کوبا در مبارزه با بیماریهای واگیردار. برای چندین دهه کوبا متخصصان پزشکی خود را به کشورهایی که با بیماریهای عفونی دست و پنجه نرم می کردند، اعزام کرده و ده ها هزار نفر از سایر کشورها را برای تحصیل در این کشور دعوت کرده است. کوبا روشهای پیشرفته ای را برای قرنطینه افرادی که به کشور وارد می شوند، طرح ریزی کرده است.

پنجم: انترناسیونالیسم پزشکی کوبا به لطف چهل هزار متخصص در پهنه های مختلف بهداشت و درمان در ۱۶۴ کشور جهان خدمات درمانی رایگان در اختیار کسانی گذاشته که فاقد آن هستند. زمانی که همه گیری کرونا شروع شد، حدود

۲۸ هزار متخصص مراقبتهای بهداشتی در ۵۹ کشور جهان مشغول کار بودند. تا اواخر ماه می، ۲۳۰۰ متخصص دیگر از بریگارد مقابله با اپیدمی و فاجعه "هنری ریو" (Henry Reeve)، برای درمان بیماران Covid-19 به ۲۴ کشور اعزام شدند.

تعهد به خدمات درمانی همگانی با کیفیت بالا

در سال ۱۹۵۹ حدود شش هزار پزشک در کوبا وجود داشت. اما پس از انقلاب نیمی از آنها خیلی سریع ناپدید شدند. از



جمع ۲۵۰ استاد کوبایی دانشکده پزشکی دانشگاه هاوانا، تنها دوازده نفر باقی ماندند. در کشور فقط یک بیمارستان وجود داشت و دولت انقلابی کوبا که در این پهنه باید از نزدیک به صفر حرکت می کرد، چالش ارائه خدمات درمانی همگانی با کیفیت بالا را در برابر خود گذاشت و به همین منظور، "خدمات پزشکی روستایی" (SMR-Servicio Médico Rural) را در سال ۱۹۶۰ تاسیس کرد و طی یک دهه بعد، صدها پزشک تازه آموزش دیده را به مناطق دور افتاده کشور گسیل داشت.

پزشکان SMR در کنار کار خود به عنوان پزشکان بالینی، نقش آموزشگر پهنه سلامت را نیز به عهده گرفتند. برنامه های ملی پیشگیری و کنترل بیماریهای عفونی راه اندازی شد و از سال ۱۹۶۲، در چارچوب یک برنامه ملی واکسیناسیون، طی هشت دوره واکسیناسیون رایگان همه کوباییها واکسینه شدند. بیماریهای عفونی به سرعت مهار و در نهایت ریشه کن شد. در سال ۱۹۷۰ تعداد بیمارستانهای روستایی به ۵۳ عدد افزایش یافت. در سال ۱۹۷۶ کل کشور دارای مراکز خدمات درمانی بود و تعداد آنها به میزان قابل توجهی بهبود یافت.

در سال ۱۹۷۴ یک سیستم جدید پلی کلینیک مبتنی بر جوامع محلی ایجاد شد که به آنها امکان دسترسی به متخصصان مراقبتهای پایه ای را در محل می داد. هم بخش آموزش و هم دستگاه سیاسی بر تاثیر عوامل بیولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی بر بیماران تاکید می کردند. برنامه های ملی متمرکز بر سلامت مادر و کودک، بیماریهای عفونی، بیماریهای مزمن، بیماریهای غیرواگیر و سلامت سالخوردگان بودند.

در سال ۱۹۸۳ "برنامه پزشکان خانواده و پرستاران" (Médicos y Enfermeros de Famili) در سراسر کشور به دست اجرا گذاشته شد که بر پایه آن دفاتر پزشکان خانواده در محلات تاسیس گردید. پزشک یا پرستار با خانواده خود در طبقه فوقانی این دفاتر زندگی می کند، به طوری که مراقبتهای پزشکی به طور ۲۴ ساعت تضمین شود. پزشکان خانواده مراقبتهای بهداشتی را انجام می دهند و کمپینهای ارتقا سلامت را که بر پیشگیری و آنالیز اپیدمیولوژیک متمرکز است، هدایت می کنند.

در این مسیر آنها به سوابق پزشکی و مهارتهای بالینی اتکا می کنند، در حالی که روشهای درمانی پر هزینه و فناوری پیشرفته به بیمارانی که واقعا به آنها نیاز دارند، اختصاص داده می شود. پزشکان خانواده، قرار بیماران را در ساعات صبح متمرکز می کنند و بعد از ظهرها به ویزیت خانگی می پردازند. تیمهای پزشکی وضعیت سلامتی را در منطقه مسکونی تشخیص داده و داروهای بالینی را با بهداشت عمومی و "تخمین مستمر ریسک و ارزیابی" فرد (Valoración VCER. Continua y vlerésación de riesgos) بیماران خود ترکیب می کنند. پزشکان خانواده و پرستاران خانواده نیز در محلهای کار و مدارس بزرگ، مهد کودکها، خانه های سالمندان و غیره فعال هستند.

تا سال ۲۰۰۵ برای هر ۱۶۷ نفر در کوبا یک پزشک وجود داشت. این بالاترین نسبت در سراسر جهان است. کوبا در حال حاضر دارای ۴۴۹ کلینیک است که هر یک از آنها از ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر مراقبت می کند و مرکزی برای فعالیت ۱۵ تا ۴۰ پزشک خانواده است. بیش از ده هزار پزشک خانواده در سراسر جزیره به تساوی پخش هستند.

مراقبت‌های بنیادی پزشکی - ستون فقرات مدل کوبا

مقاله ای که در آوریل ۲۰۲۰ توسط فصلنامه "بررسی پزشکی" (Medic Review) منتشر شد، سیستم مراقبت‌های اولیه را یک "سلاح قدرتمند" در برابر Covid-19 توصیف می‌کند: "آشکار بود که بدون دسترسی بهنگام به آزمایشات سریع، آزمایش دسته جمعی اولین گزینه استراتژیک نیست، اما مراقبت‌های اولیه پزشکی چنین گزینه ای هست." مقام‌های کوبا کلیه کارمندان مراقبت‌های بهداشتی و نیز پرسنل پشتیبانی را در مورد Covid-19 آموزش دادند، آنهم قبل از شناسایی ویروس در کشور! پزشکان متخصص هر استان در بیمارستان مشهور کوبا برای بیماری‌های گرمسیری، موسسه "پدرو کوری" (Pedro Kouri)، آموزش دیدند. آنها پس از بازگشت به استان‌های خود، همکاران، مدیران بیمارستانها و پلی کلینیکها را آموزش دادند.

خانم دکتر "مایرا گارسیا" (Mayra Garcia)، مدیر یک پلی کلینیک، که از او در مقاله مورد بحث نقل شده می‌گوید: "گام سوم، آموزش پزشکان خانواده و پرستاران، کادر فنی آزمایشگاهها و رادیولوژیها، کارکنان اداری و همچنین کارکنان فنی و نگهداری، رانندگان آمبولانسها و حمل و نقل کنندگان برانکارها بود؛ به بیان دیگر، همه افرادی که می‌توانستند با بیمار تماس پیدا کنند."

هر پلی کلینیک همچنین افراد غیر مرتبط با بهداشت و درمان در منطقه جغرافیایی خود مانند کارگران و کارمندان، صاحبان مشاغل کوچک، صاحبخانه‌هایی که به طور به ویژه به خارجیان مسکن اجاره می‌دادند یا مسوولان کودکانها را آموزش می‌داد. به آنها توضیح داده می‌شد که چگونه علائم را تشخیص دهند و اقدامات حفاظتی انجام دهند. برای پشتیبانی، متخصصان ارشد پزشکی از پلی کلینیکها به مطب پزشکان خانواده اعزام شدند.

برای هتل‌های محلی پرسنل پزشکی در نظر گرفته شد تا بتوانند به خارجیان ساکن در آنها ۲۴ ساعته خدمات تشخیصی زودرس و مراقبت‌های پزشکی ارائه دهند. خدمات اورژانس بدون وقت قبلی تجدید سازماندهی شد تا افراد با علائم بیماری تنفسی ایزوله شده و نظارت ۲۴ ساعته بر آنها ممکن شود. هر زمان که ممکن بود، قرارهای درمانی که به Covid-19 مربوط نمی‌شد به تعویق می‌افتاد یا در مورد گروه‌های اولویت دار، با ویزیت خانه جایگزین می‌شد.

مقاله "مرور پزشکی" اهمیت مدل "تخمین مستمر ریسک و ارزیابی" در مبارزه با Covid-19 را برجسته می‌کند. کل جمعیت کوبا پیش‌تر به چهار گروه تقسیم شد: الف) به ظاهر سالم ب) افراد دارای عوامل بیماری و ریسک ج) بیماران د) افراد در پروسه بهبود و توانبخشی. پزشکان بدین وسیله از وضعیت سلامتی و نیازهای جوامع محلی تحت مراقبت خود



آگاهی می‌یابند. دکتر "آلخاندرو فادرگاس" (Alejandro Fadrugas) می‌گوید: مدل "تخمین مستمر ریسک و ارزیابی" با درجه درستی بالا به ما همچنین به طور خودکار در مورد بیماری‌های تنفسی و افرادی که بیماری‌های مزمن آنها شایعترین فاکتورهای خطر در ارتباط با Covid-19 عوارض ابتلا در بیماران است، هشدار می‌دهد."

کمیته‌های دفاع انقلابی (CDR) نشست‌هایی را در سراسر کوبا ترتیب دادند که در آنها می‌توانستند به پزشکان و پرستاران مناطق مسکونی اطلاعات لازم در مورد این بیماری را ارائه دهند. به محض تایید اولین موارد، ویزیت روزانه پزشکان خانواده در منازل و آپارتمانها به جایگاه "مهمترین ابزار" برای شناسایی فعال موارد ابتلا و پیشگیری از شیوه ویروس ارتقا

می یافت. حدود ۲۸ هزار دانشجوی پزشکی به پزشکان خانواده پیوستند تا این ویزیتها را خانه به خانه انجام دهند و علائم احتمالی را کشف کنند. این روش به معنای توانایی در ثبت وضعیت کل جمعیت است.

کسانی که علائم را نشان می دهند، برای معاینه سریع به پلی کلینیک محلی خود فرستاده می شوند. افراد مظنون به داشتن Covid-19 به یکی از مراکز قرنطینه جدید فرستاده می شوند که در تمام مناطق اداری جزیره ایجاد شده است. آنها باید حداکثر ۱۴ روز در آنجا بمانند. در این مدت آزمایشات انجام می شود و مراقبتهای پزشکی صورت می گیرد. اگر معلوم شود، بیماری به یک مشکل تنفسی دیگر مربوط می شود، آنها به خانه برمی گردند و باید حداقل ۱۴ روز تحت مراقبتهای اولیه، در قرنطینه خانگی بمانند. بیمارستانها برای کسانی که واقعا احتیاج دارند، رزرو شده است.

متخصصان مراقبتهای اولیه بهداشتی همچنین مسوول ردیابی سریع تماس داشته ها در همه موارد مشکوک هستند. افرادی که تماس مستقیم داشته اند، آزمایش شده و در خانه قرنطینه می شوند. افزون بر این، خانه ها و ورودیهای عمومی خانه آن دسته از بیمارانی که به مراکز قرنطینه اعزام شده اند، به همراه اعضای خانواده، توسط "تیمهای واکنش سریع" که توسط مدیران و معاونان کلینیکها سازمان داده شده، ضد عفونی می شود. همچنین مطب پزشکهای خانواده نیز روزانه ضد عفونی می شود.

همزمان، کادر پزشکی کارمندان هتلهایی را که شهروندان خارجی در آنها سکنی دارند، واریسی می کنند و پلی کلینیکها تجهیزات مراقبت فردی و مواد ضد عفونی کننده در اختیار آنها قرار می دهند. پلی کلینیکها و پزشکان خانواده همچنین مسوول مراقبت از بیماران مرخص شده از بیمارستانها در دوره ۱۴ روزه نقاهت آنها هستند.

در خط مقدم مبارزه جهانی

در تاریخ ۱۸ مارس، کوبا به کشتی تفریحی "ام اس بریمر" (MS Breamar) با ۶۸۴ مسافر اغلب بریتانیایی و پنج مورد تایید شده کرونا اجازه داد در ساحل خود پهلو بگیرد. این کشتی یک هفته در دریا سرگردان بود، چون کوراکائو، باربادوس، باهاما، جمهوری دومینیکن و ایالات متحده از اجازه ورود آن به آبهای سرزمینی خود سر باز زده بودند. مقامات کوبا ترتیب انتقال ایمن مسافران را با پروازهای چارتر به کشورهای زادگاه خود دادند.

سه روز بعد، برای کمک به مقامهای بهداشت محلی، یک بریگارد پزشکی ۵۳ نفره کوبایی وارد لومباردی ایتالیا شد که در آن تاریخ مرکز این بیماری همه گیر بود. این پزشکان اعضای بریگارد پزشکی هنری ریو بودند که جایزه بهداشت عمومی سال ۲۰۱۷ را به دلیل ارایه کمکهای اضطراری پزشکی رایگان، از سازمان بهداشت جهانی (WHO) دریافت کرده است. این نخستین ماموریت پزشکی کوبا در اروپا بود. تا ۲۱ ماه مه، بیش از ۲۳۰۰ متخصص بهداشت و درمان کوبایی برای معالجه بیماران Covid-19 به ۲۴ کشور اعزام شده بودند، از جمله یک بریگارد دوم در شمال ایتالیا و دیگری در شاهزاده نشین "آندورا" (Andorra). بریگارد پزشکی هنری ریو از سوی سازمانها و اشخاص گوناگون برای دریافت جایزه صلح نوبل پیشنهاد شده است.

خطر سرمشق خوب بودن

انترناسیونالیسم پزشکی کوبا از سال ۱۹۶۰ آغاز شد، اما صدور متخصصان بخش بهداشت و درمان تا اواسط دهه اول ۲۰۰۰



منبع درآمدی برای دولت نبود. این امر با برنامه معروف "نفت در برابر پزشک" آغاز شد که با آن سی هزار شاغل در بخش بهداشت و درمان کوبا کار خود را در ونزوئلا آغاز کردند. دولت جورج دبلیو بوش سعی کرد با "برنامه معافیت پزشکی حرفه ای کوبا" که به متخصصان کوبایی در

برابر ترک مأموریت خود تابعیت آمریکایی می داد، در صادرات پزشکی کوبا خرابکاری کند. شایان ذکر است که متخصصان کوبایی هیچ شهریه ای در طول دوران تحصیل خود پرداخت نکرده اند، ناچار به کسب وام برای تحصیل نبوده اند و داوطلبانه متعهد به کار در خارج از کشور و کمک به افراد محروم و بدون مراقبت پزشکی شده اند. باراک اوباما حتی وقتی که پزشکان کوبایی را به خاطر نبرد با ویروس "ابولا" در غرب آفریقا ستایش کرد، به این برنامه پایبند بود. برنامه مزبور فقط در آخرین روزهای دوره ریاست جمهوری وی در ژانویه سال ۲۰۱۷ ملغی شد.

دولت دونالد ترامپ تهاجم علیه مأموریت‌های پزشکی کوبا را تجدید کرده و برزیل، اکوادور و بولیوی را تحریک به اخراج پزشکان کوبایی کرده است؛ حرکتی که میلیون‌ها نفر از مردم این کشورها را بدون مراقبت‌های بهداشتی رها می کند. ترامپ هم انگیزه مشابهی دارد: مسدود کردن راه درآمد کشوری که از ۶۰ سال جنگ خصمانه ایالات متحده جان سالم به در برده است.

در مساله پاندمی کرونا که اشتباهات دولت آمریکا باعث مرگ قابل پیشگیری ده ها هزار نفر گردیده، جایگاه جهانی و پیشتاز کوبای سوسیالیستی یک خطر محسوب می شود. وزارت خارجه آمریکا در حملات خود، پزشکان کوبایی را "برده" توصیف کرده و ادعا می کند که دولت کوبا به دنبال کسب درآمد و نفوذ سیاسی است. آمریکا به کشورهایی که از کمک‌های کوبا بهره مند می شوند، فشار می آورد کمک این کشور را درست در همان موقع که به شدت به آن نیاز دارند، رد کنند. این حملات به ویژه از آن رو شریانه است که بعید است کوبا چیزی بیش از بازپرداخت هزینه کمک‌هایش دریافت کند.

همزمان، محاصره ایالات متحده که به عنوان اقدامات تنبیهی در زمان ریاست جمهوری ترامپ تشدید شد، مانع از خرید ونتیلاتورهایی که کوبا به صورت فوری برای بیماران مبتلا به Covid-19 خود نیاز دارد، شده است. یک محموله کمک چین به کوبا شامل تجهیزات پزشکی به مقصد نرسید، چون شرکت هواپیمایی که کالاها را حمل می کرد، به دلیل هراس از مجازات ایالات متحده، حاضر به پرواز به کوبا نشد.

آنچه که پیرامون انترناسیونالیسم پزشکی بنا شده بر برنسیب‌های خدشه ناپذیر به روشنی پیداست، این است که با یا بدون قدردانی، کوبای انقلابی همچنان به مبارزه برای مراقبت‌های بهداشتی در هر کجای جهان ادامه خواهد داد؛ هر نقطه ای که دست شهروندان و سرمشق اش بتواند بدانجا برسد.

جنبش رنگین کمان بیشماران (تیر ۹۹)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

حرکتهای اعتراضی در تیر ماه به صورتهای مختلف انجام گرفته و از مهمترین دلایل آن؛ حقوق معوقه، اخراج از کار، نپرداختن سهم بیمه کارفرما، خصوصی سازی، تعرض به محیط زیست، حقایق کشاورزان، قراردادهای موقت و پایمال کردن حقوق کارگران به وسیله شرکتهای پیمانکاری به ویژه در شهرداریها بود.

با افزایش نرخ تورم و صعود بی مجابای قیمتها، زندگی و معیشت مردم به فلاکت کشیده شده است. روز سه شنبه ۱۰ تیر، بانک مرکزی با انتشار گزارشی از افزایش ۷,۳ درصدی نقدینگی در کشور طی بهار سال جاری نسبت به ابتدای سال و رسیدن آن به ۲۶۵۱ هزار میلیارد تومان خبر داد. نقدینگی در سال ۹۴ حدود ۱۰۱۷ هزار میلیارد تومان بود. رشد نقدینگی رابطه مستقیم با رشد تورم دارد. بر اساس برآورد صندوق بین‌المللی پول، در فروردین ماه امسال (آوریل ۲۰۲۰)،



نرخ تورم در سال گذشته ۴۱,۱ درصد بوده و ایران همچنان جزو معدود کشورهایی است که تورم بالای ۳۰ درصدی دارد. (راديو فردا)

مساله بحران آب در این ماه نیز منجر به اعتراض شهروندان شد که خیرهای آن در این مجموعه آمده است. به گزارش روز یکشنبه ۲۲ تیر خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران، بی آبی در گرمترین روزهای سال گلوی سیزده هزار شهروند سورانی، در استان بلوچستان، را خشک کرده است؛ این بی آبی بی سابقه در سوران که

در مدت دو ماه اخیر جریان دارد صدای مردم این شهر را در آورده است. مردم می گویند: در بعضی از مناطق آب اصلاً وصل نشده، حتی مردم سوران از آبهای تولید شده کولرهای گازی استفاده می کنند و یا با گالن از مناطق مختلف آب شرب و شست و شو تهیه می کنند و یا نیروهای شهرداری به صورت سقایی به بعضی از خانه ها آبرسانی می کنند.

موضوع آتش سوزیهای گسترده در نقاط مختلف کشور، فاجعه دیگری را برای محیط زیست کشور رقم زد. سرهنگ علی عباس نژاد، سرکرده یگان حفاظت سازمان جنگلها در ایران، می گوید که از ابتدای سال جاری خورشیدی تا روز یکشنبه ۸



تیر، حدود ۱۱۰۰ مورد آتش سوزی در جنگلها و مراتع کشور به وقوع پیوسته است. گزارش سازمان دیده بان جهانی جنگل که بر اساس نقشه های ماهواره های مختلف ناسا تنظیم شده، نشان می دهد که استانهای خوزستان، فارس، بوشهر، ایلام و اصفهان بیشترین موارد آتش سوزی را داشته اند. کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، خراسان رضوی، تهران و کرمانشاه در رتبه های بعدی هستند. (دویچه وله به نقل از ایسنا)



سه تن از فعالان محیط زیست هنگام خاموش کردن آتش در منطقه حفاظت شده اورامانات به شهادت رسیدند. سازمان حقوق بشری «هه نگاو» گزارش کرد که این سه نفر بر اثر انفجار مین جان باخته اند. یکشنبه شب ۸ تیر، شماری از مردم پاه مرکز اورامانات، به استقبال آمبولانس حامل جانبختگان رفته و شعار «شهید نمی میرد» سر دادند. تجمع

کنندگان عکس سه فعال محیط زیست، مختار خندانی نوسود، از اعضای هیات موسس و سخنگوی انجمن محیط زیستی ژبوی، یاسین کریمی عضو دیگر این انجمن و بلال امینی از فعالان محیط زیست را در دست داشتند. در مجموعه زیر خلاصه ۱۳۱ حرکت اعتراضی از جانب کارگران و مزدبگیران در خرداد ماه را خواهید خواند. اخبار حرکت‌های اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران در این ماه به طور جداگانه در ماهنامه نبرد خلق منتشر می شود.

یکشنبه اول تیر

*کارگران راه آهن ناحیه زاگرس برای اعتراض به عدم پرداخت حقوق، حق بیمه و اجرایی نشدن تجمیع قراردادها، اعتصاب کرده و مقابل ساختمان اداره راه آهن ناحیه در اندیمشک تجمع کردند. به گزارش کانال تلگرام کارگران و کارکنان نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن، این کارگران در روزهای سه شنبه و چهارشنبه، ۲۷ و ۲۸ خرداد هم دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان اداره راه آهن تجمع کردند.

*کارگران پستهای فشارقوی برق خوزستان برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل مقابل شرکت برق منطقه ای خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: همه بخشنامه ها و آیین نامه های مربوط به تبدیل وضعیت تا امروز اجرایی نشده و ما به دلیل کرونا نتوانستیم به تهران بیاییم؛ اما با این اعتراض می خواهیم صدای نارضایتی خود را به گوش مسئولان وزارت نیرو برسانیم.

*جمعی از مال باختگان آدویکو (ثبت نام کنندگان خودروی ام. جی) در استان آذربایجان شرقی با تجمع مقابل ساختمان گروه صنعت خودرو آذربایجان، خواهان بازگرداندن هزینه های ثبت نام میلیونی خود یا تحویل خودروهای شان شدند. به گزارش ایرنا، یکی از ثبت نام کنندگان خودرو در این خصوص گفت: ۵۰ میلیون تومان برای ثبت نام خودرو پرداخت کردیم اما ۲ سال است که از تحویل خودرو سرباز می زنند.

*به گزارش عصر هامون، تعدادی از شهروندان ساکن زابل در اعتراض به عدم جمع آوری زباله ها توسط شهرداری، مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به برگزاری تجمع اعتراضی زدند. شهروندان معترض زباله های خود را مقابل ورودی شهرداری این شهر رها کردند.

دوشنبه ۲ تیر

*کارگران شرکت آب و فاضلاب روستایی خوزستان برای اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: با گذشت مدت زیادی از قولهای مسئولان، هیچ گرهی از مشکلات آبفا روستایی باز نشده و شرایط نسبت به گذشته سخت تر هم شده است زیرا وضع درآمد شرکت مانند سالهای گذشته همچنان ضعیف است و مشکل حقوق و بیمه ما کارکنان نیز حل نشده است.

*کارگران کارخانه عقاب افشان واقع در شهرک صنعتی سمنان برای اعتراض به اخراج از کار مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش رکن، شرکت عقاب افشان تولید کننده انواع اتوبوس عقاب - اسکانیا قصد دارد از ۹۵۰ کارگرش ۴۶۱ نفر را اخراج کند و طی روزهای گذشته از آنها خواسته شده خود را برای دریافت بیمه بیکاری معرفی کنند.

چهارشنبه ۴ تیر

*کارگران پستهای فشار قوی برق تهران برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و وعده ها توخالی دست به تجمع مقابل شرکت برق منطقه ای استان تهران زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان با انتقاد از تعلل در تبدیل وضعیت گفتند: همه مجوزهای لازم برای تبدیل وضعیت اپراتورهای پستهای فشار قوی برق صادر شده است حتی خود وزیر نیرو این اجازه را صادر کرده اما سازمان توانیر در اختصاص چارتهای خالی اهمال می کند.

*جمعی از مرغداران استان سمنان جهت اعتراض به عملکرد جهاد کشاورزی و یکه تازی دلالان مقابل استانداری اجتماع کردند. به گزارش مرآت نیوز، یکی از مرغداران گفت: طی چندماه اخیر قیمت واکسن و سویا بیش از ۳ برابر افزایش پیدا کرده است. قیمت سویا از ۲۵۰۰ تومان به بیش از ۸۰۰۰ تومان رسیده و با این شرایط افزایش هم پیدا خواهد کرد. او ادامه داد: برای هر جوجه به ۲ کیلو سویا نیاز است اما جهاد کشاورزی فقط ۱۰۰ گرم اختصاص می دهد.

پنجشنبه ۵ تیر

*کارگران معدن مس چهار گنبد سیرجان، زیر مجموعه صندوق بازنشستگی فولاد، برای اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و مطالبات دیگر و اجرای ناقص طرح طبقه بندی مشاغل برای چندمین روز متوالی دست به تجمع مقابل اداره کار سیرجان زدند. به گزارش مهر، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: ما کارگران با این اوضاع تورم و خرج و مخارج زندگی، دو ماه حقوق نگرفته و معوقه دستمزد و حقوق داریم که متأسفانه شرکت مورد قرارداد ما پرداخت نکرده است. معدن مس چهار گنبد سیرجان واقع در ۳۵ کیلومتری جاده بافت روستای بلورد است.

شنبه ۷ تیر

*بازنشستگان ذوب آهن اصفهان از شهرهای مختلف این استان مقابل ساختمان بیدادگستری استان اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، آنها به عدم همسان سازی حقوق براساس تبصره ۵ ماده ۱۰۹ و به اجرا درنیامدن تعهدات درمانی، مطابق آیین نامه فولاد و پرداخت نشدن مطالبات معوقه از سال ۹۱، اعتراض کردند.

*برخی از اهالی روستای ام اطمیر اهواز به علت مشکلات ناشی از قطع مکرر آب در این روستا اقدام به مسدود کردن جاده قدیم اهواز - خرمشهر کردند. به گزارش مهر، اهالی این روستا با قطع برخی درختان و آتش زدن آنها در میان جاده، جلو عبور و مرور خودروها را گرفتند. این حرکت اعتراضی با دخالت سرکوبگرانه نیروی انتظامی اهواز پایان یافت.

*کارگران خدمات شهری شهرستان خرمشهر با تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران گفت: اکثر کارگران شهرداری برای تامین هزینه های زندگی با مشکل رو به رو هستند و حدود سه ماه است حقوق و مطالبات خود را دریافت نکرده اند.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران سد شفارود شهرستان رضوانشهر در استان گیلان برای اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق دست از کار کشیدند و در محل کارشان واقع در روستای پونل تجمع کردند.

*به گزارش کولبر نیوز، شماری از مالباختگان پروژه مسکن ارغوان وابسته به ارتش مقابل ساختمان اداره مسکن و شهر سازی کردستان در سنجج تجمع کردند. معترضان، دلیل تجمع خود را عدم دریافت واحد های مسکونی خود پس از ده سال عنوان کردند.

*به گزارش راه آرمان، کارگران معدن کرومیت امین یار فاریاب در پی خلف وعده کارفرما و ادامه بلا تکلیفی شغلی و معیشتی برای باری دیگر دست از کار کشیدند و مقابل این معدن تجمع کردند. یکی از کارگران معترض گفت: حدود ۴۵ روز پیش کارگران معدن امین یا فاریاب به دنبال عدم پرداخت حق بیمه، حقوق، عدم صدور فیش حقوقی، خودداری از عقد قرارداد و حتی ندادن لباس مخصوص به کارگران اعتراض کردند.

یکشنبه ۸ تیر

*جمعی از اعضای شرکت تعاونی مسکن سازمان حفظ نباتات کشور برای اعتراض به عدم تحویل زمین مقابل وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند و خواستار برگرداندن زمین تعاونی که ۸ سال پیش خریداری کرده اند، شدند. به گزارش فارس، یکی از تجمع کنندگان گفت: ۸ سال پیش شرکت تعاونی مسکن سازمان حفظ نباتات کشور زمینی را به مساحت ۲۵ هکتار از وزارت جهاد کشاورزی خریداری کرد تا برای اعضای خود مسکن بسازد. این روال در چارچوب قانون و بر اساس مصوبه هیأت وزیران انجام شد، تمام مراحل قانونی آن پیش رفت و حتی بنچاق به نام اعضای ۲۰۷ نفره این شرکت تعاونی صادر شد. اما در فرایند صدور سند به نام اعضا جلوی کار را گرفتند و دولت جدید آن را مغایر با قانون اعلام کرد.

دوشنبه ۹ تیر

*صدها کارگر رسمی صنعت نفت به خاطر اعتراض به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مبنی بر افزایش حقوق دست به تجمع مقابل ساختمان وزارت نفت زدند. به گزارش مدآرا، تجمع کنندگان گفتند: ۲۰ هزار نفر از کارگران رسمی وزارت نفت از اضافه حقوق مصوبه سال ۹۳ مجلس برای مشاغل سخت بهره مند نشده اند.

*کارکنان و بازنشستگان شرکت مخابرات از استانهای مختلف کشور با برپایی تجمع مقابل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات به عدم اجرای تعهدات پس از واگذاری به بخش خصوصی اعتراض کردند. یکی از حاضران در تجمع به خبرنگار

ایلنا گفت: مهم ترین خواسته ما اجرای بدون تنازل تمامی بندهای آیین نامه استخدامی مصوب ۸۹ هیات مدیره مخابرات بر مبنای تعهدات مندرج بند شش صورتجلسه هیات وزیران در سال ۸۵ است که این تعهدات، ملاک واگذاری مخابرات به بخش غیردولتی بود.

*در ادامه اعتراضهای کارگران پستهای فشار قوی برق کشور نسبت به عدم تبدیل وضعیت و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل، کلاه زردهای هرمزگان دست به تجمع مقابل شرکت برق منطقه ای این استان در بندرعباس زدند. به گزارش ایلنا، یکی از معترضان گفت: ما در معاش زندگی خود مانده ایم. تورم سرسام آور سبب شده مشکلات زیادی سرمان آوار شود. شرکت هم با کاهش حقوقهایی که دارد، زندگی همه پرسنل را فلج کرده است.

*جمعی از کارگران شهرداری کوت عبدالله مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. یکی از کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله به خبرنگار ایلنا گفت: پیمانکار حقوق سه ماه نخست امسال کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله را پرداخت نکرده است. از سویی دیگر پیمانکار از شهریور ماه سال گذشته تاکنون حدود ۲ میلیون تا ۳ میلیون ریال از حقوق هرماه ما کسر کرده و حق شب کاریها هم پرداخت نمی شود.

سه شنبه ۱۰ تیر

*صدها کارگر شهرداری بوشهر در اعتراض به بروز نشدن حقوق شان در سال جدید و عدم پرداخت به موقع آن برای دومین روز متوالی اعتصاب کرده و مقابل ساختمان این شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از پاکبانان حاضر در تجمع در حالی که گرمای عرق ریزانش ماسکش را خیس و مرطوب کرده، گفت: در سال جدید افزایش حقوق پاکبانان لحاظ نشده و با وجود اینکه در قرارداد مبلغ سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان قید شده ولی پرداختی پاکبانان تنها ۲ میلیون بوده است.

*غارت شدگان شرکت ریگان خودرو و شهر خودرو با تجمع دوباره مقابل دفتر این شرکت واقع در جاده مخصوص کرج خواستار تعیین تکلیف خودروهای خود شدند. به گزارش بهارستان آنلاین، یکی از معترضان گفت: «شرکت شهر خودرو و ریگان خودرو سال ۹۷ با ما قرارداد تحویل خودرو کوپا بسته است و طبق قرارداد باید ۹ ماه بعد خودرو را تحویل می دادند اما پس از ۲۰ ماه نه تنها خودرو تحویل داده نشده، بلکه شرکت ریگان خودرو سود مشارکت را نیز پرداخت نمی کند و قیمت خودرو را نیز به بیش از دو برابر افزایش داده است.»

چهارشنبه ۱۱ تیر

*بار دیگر کارگران پستهای فشار قوی برق کشور در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و اجرا نشدن طرح طبقه بندی مشاغل، مقابل ساختمان شرکت برق منطقه زنجان و ساختمان شرکت برق منطقه کرمانشاه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دور جدید اعتراض این کارگران از روز چهارشنبه ۴ تیر آغاز شد و با تجمع مقابل شرکت برق منطقه ای استان تهران و مقابل شرکت برق منطقه ای استان هرمزگان در بندرعباس ادامه پیدا کرد.

*کارگران فضای سبز شهر کوت عبدالله در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی خود، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران گفت: «پیمانکار هر چند ماه یکبار به کارگران حقوق پرداخت می کند و در حال حاضر حقوق فروردین، اردیبهشت و خرداد را دریافت نکرده ایم.»

*جمعی از اهالی روستای مرزیجران اراک برای اعتراض به تصرف املاک شان توسط اداره اوقاف با تراکتورهای شان در جاده راه افتادند و جمعی از اهالی این روستا هم در راه احقاق حقوق شان با ماشین و پای پیاده آنها را همراهی کردند. به گزارش آفتاب، یکی از اهالی معترض روستای مرزیجران گفت: چند سالی است که اوقاف روی روستای ما دست گذاشته و هر طوری شده می خواهد روستا را وقفی اعلام کند. چند سال پیش که علیه روستا به دادگاه شکایت کرد، دادگاه حکم به پیروزی اوقاف داد. بعد مردم اعتراض کردند و بعد از بررسی اعلام شد که روستا وقفی نیست. وی افزود: چند وقت بعد دوباره اوقاف از روستای ما شکایت کرد.

*صاحبان و کارگران واحدهای بازیافت ضایعات محله ملا حسینی کرمانشاه برای اعتراض به تخریب محل کارشان توسط اجرائیات شهرداری مقابل فرمانداری کرمانشاه تجمع کردند. به گزارش گیتی آنلاین، منطقه کرمانشاه بیش از ۴۰ واحد بازیافتی و کارگاه خودجوش، با مجوزهای حقیقی و حقوقی طبق اسناد مالکان در این شهرک، دارد.

پنجشنبه ۱۲ تیر

*جمعی از کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری منطقه ۸ اهواز مقابل درب ورودی استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش عصر ما خوزستان، معترضان دلیل تجمع خود را عدم دریافت مطالبات سه ماهه خود عنوان کردند.

*همزمان با افتتاح سایت تصفیه خانه شماره دو شیراز، جمعی از کارگران شرکت بهره برداری و نگهداری از شبکه های آبیاری و زهکشی استان فارس برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی و شغلی، پس از واگذاری به بخش خصوصی، دست به تجمع مقابل درب ورودی این تصفیه خانه زدند. به گزارش فارس، یکی از کارگران معترض گفت: شرکت ما در ابتدا دولتی بود اما با وجود عدم رعایت اصل ۴۴ به شرکت خصوصی تبدیل شد و شرکت ما توانمندسازی که نشده هیچ، به ورطه نابودی کشیده شده است.

یکشنبه ۱۵ تیر

*رانندگان بازنشسته شرکت واحد در اعتراض به پرداخت قسطی و دیرکرد در پرداخت سنوات تجمع کردند. به گزارش کانال تلگرام سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، رانندگان زحمت کش شرکت واحد بعد از گذراندن بیست سال کار طاقت فرسا براساس قوانین مشاغل کارهای سخت و زیان آور باید بازنشسته شوند و سنوات کاری شان که براساس هریک سال کار، یک ماه آخرین دستمزد و حقوق است باید از سوی کارفرما در حین تسویه حساب پرداخت شود. *هم زمان با نشست علنی شورای فرمایشی شهر تبریز، جمعی از کارگران خدماتی شهرداری تبریز برای انعکاس صدای اعتراض شان نسبت به عدم پرداخت ماهها حق بیمه دست به تجمع در محوطه ساختمان شهرداری این کلانشهر زدند. به گزارش ایلنا، با وجودی که حق بیمه کارگران خدماتی شهرداری تبریز از حقوق ماهیانه آنها کم می شود اما به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز نمی شود و بهمین دلیل این کارگران برای تمدید و تعویض دفترچه های درمانی خود با مشکل روبرو هستند.

*صاحبان وانت بارهای تهران برای اعتراض به توخالی در آمدن وعده های دولت مبنی بر پرداخت تسهیلات کرونایی، برای چندمین روز متوالی مقابل ساختمان اتحادیه حمل بار سبک شهری و پیک موتوری تهران تجمع کردند. به گزارش دنیای اقتصاد، رئیس اتحادیه حمل بار سبک شهری و پیک موتوری تهران به عدم اجرای پرداخت تسهیلات کرونایی به رانندگان وانت اشاره کرد و گفت: از ۱۰ هزار عضو اتحادیه، حتی یک مورد هم تسهیلات کرونای دولت را دریافت نکرده است. *به گزارش برنا، جمعی از کسبه پارکینگ پروانه دست به تجمع مقابل شهرداری منطقه ۱۲ در تهران زدند و ضمن اعتراض به انتقال محل کسب و کارشان به پارک شهر خواستار بازگشایی پارکینگ پروانه شدند. *به گزارش هرانا، جمعی از ساکنان شهرستان حاجی آباد واقع در استان هرمزگان در اعتراض به قطعی مداوم آب و برق، مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند.

دوشنبه ۱۶ تیر

*به گزارش هرانا، شماری از کارگران واحد اجرائی شهرداری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، نخست مقابل ساختمان شورای قلابی این شهر و سپس مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. یکی از کارگران معترض در این خصوص گفت: آخرین دستمزد دریافتی ما کارگران شهرداری اهواز مربوط به دی ماه سال ۱۳۹۸ است.

*کارگران فضای سبز شهرداری دزفول دست از کار کشیده و با تجمع مقابل ساختمان شهرداری به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و حق بیمه و پرداخت نشدن حق اضافه کاری، بروز نشدن حقوق در سال جدید، نداشتن قرارداد کار و کار بدون تجهیزات لازم بهداشتی اعتراض کردند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران معترض گفت: علاوه بر پرداخت نشدن حقوق اردیبهشت و خرداد، حق بیمه تامین اجتماعی نیز واریز نشده که این موضوع باعث تمدید نشدن دفترچه های بیمه

کارگران شده است. وی با بیان این که اغلب کارگران زن و بچه دارند و مستاجر هستند، افزود: یخچالهای ما خالی است و شرمند زنی و بچه هایمان شده ایم.

*جمعی از نانویان خمام از بخشهای تابع شهرستان رشت برای اعتراض به تغییر قیمت نان و عدم تطابق نرخ جدید با سایر کالاها دست به تجمع مقابل اتحادیه صنف نانویان رشت زدند. به گزارش خمام نیوز، نرخ جدید نان های یارانه ای و آزاد از سوی اتحادیه صنف نانویان شهرستان رشت به نانوییهای بخش خمام برای اجرا از روز دوشنبه ۱۶ تیر اعلام شده است.

سه شنبه ۱۷ تیر

*به گزارش هرانا، شماری از شهروندان تهران در اعتراض به قوانین خانواده و مهریه مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در تهران تجمع کردند. رویه قضایی و نوسانات شدید قیمت سکه معضل زندانیان و محکومان مهریه را به موضوع روز تبدیل کرده و بسیاری معتقدند نیاز به بازنگری در قوانین ازدواج، بیش از پیش پررنگ شده است.

*جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی اصفهان مقابل اداره کل تأمین اجتماعی این شهر تجمع کردند. به گزارش هرانا، معترضان، افزایش حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی طبق مصوبه کمیسیون تلفیق مجلس، رفع تبعیض و نابرابری بین بازنشستگان صندوقهای کشوری و لشگری با تأمین اجتماعی را از خواسته های اصلی خود اعلام کردند.

*همزمان با سفر سورنا ستاری، معاون علمی رئیس جمهور به استان قزوین، کارگران کارخانه کنتور سازی ایران دست به تجمع دو باره مقابل دفتر امام جمعه قزوین زدند تا برای چندمین بار به ادامه بلاتکلیفی معیشتی و شغلی علیرغم وعده و وعیدها اعتراض کنند. به گزارش ایلنا، کارگران این واحد تولیدی قزوین هنوز بیمه بیکاری خود را دریافت نکرده و مسئولان هیچ اقدامی برای مطالبه کارگران این شرکت انجام نداده اند.

چهارشنبه ۱۸ تیر

*جمعی از کشاورزان شهرستان هویزه در استان خوزستان در اعتراض به قطع جریان آب زمینهای کشاورزی اقدام به تجمع کردند. به گزارش هرانا، ماموران سازمان آب و نیروی انتظامی قصد داشتند تا جریان آب را از زمینهایی که توسط اهالی هویزه به زیر کشت شلتوک رفته و بخشی از آن آماده کشت است قطع کنند. در این یک ویدئو منتشر شده، کشاورز معترض خطاب به ماموران می گوید: شما می خواهید ما مهاجرت کنیم، اینجا سرزمین آباء و اجداد ماست، آب بردید، نفت بردید، فرزندان ما بیکار هستند، گناه ما چیست؟

یکشنبه ۲۲ تیر

*جمعی از مغازه داران مترو تهران برای اعتراض به سطح بالای اجاره با توجه به کاهش مسافران به دنبال شیوع بیماری کووید ۱۹ دست به تجمع مقابل ساختمان شرکت بهره برداری زیر پل کالج در تهران زدند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان با سردادن شعار «نوبخت بیا بیرون» خواهان حاضر شدن فرنوش نوبخت مدیرعامل شرکت بهره برداری متروی تهران در تجمع و پاسخگویی به مشکلات شان شدند.

*به گزارش لالی نیوز، شماری از کارکنان شهرداری شهرستان لالی در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود در میدان ۲۱ دی این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارکنان ۱۱ ماه حقوق معوقه و ۵ ماه حق بیمه خود را دریافت نکرده اند.

*به گزارش تبریز بیدار، شماری از پاکبانان شهرستان تبریز در محوطه عمارت شهرداری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضان دلیل این تجمع را عدم پرداخت حق بیمه خود عنوان کردند.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، صدها کسبه جزیره قشم با تجمع مقابل ساختمان مرکزی سازمان منطقه آزاد قشم و راهپیمایی در خیابانهای شهر به بلاتکلیفی معیشتی در پی بسته شدن گمرک و دیو و ترخیص نشدن کالاهای شان اعتراض کردند.

دوشنبه ۲۳ تیر

*جمعی از کارگران سازمان پسماند شهرداری تهران برای اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق مقابل ساختمان شهرداری تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران در خصوص تجمع کارگران گفت:

این کارگران طرف قرارداد با شرکت پیمانکاری بودند که قبلاً با سازمان مدیریت پسماند کار می‌کرد و به همین دلیل که آن شرکت پیمانکاری زیرمجموعه سازمان بازنشستگی شهرداری تهران بوده است، کارگران برای اعتراض به شهرداری مراجعه کردند.

* تعداد زیادی از آبداران آب و فاضلاب روستایی کهگیلویه و بویراحمد با تجمع جلوی استانداری کهگیلویه و بویراحمد به عدم دریافت حقوق خود و نداشتن امنیت شغلی اعتراض کردند.

به گزارش کبنا، یکی از آبداران حاضر در تجمع گفت: حدود ۶ ماه است که نزدیک ۲۰۰ نفر آبدار و آب و فاضلاب روستایی حقوق گیرمان نیامده است. حقوق‌هایمان پس از ۶ ماه پرداخت می‌شود و مقدار حقوق ما واقعاً ناچیز است. با توجه به شیوع ویروس کرونا، در این مدت اقلام بهداشتی در اختیار ما قرار نگرفته است و با همه افراد مختلف سر و کار داریم.

* کارگران طرح آبرسانی به دشت سیستان (شرکت چکاد جنوب) برای اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق مقابل ساختمان کارفرمای اصلی این طرح که وزارت جهاد کشاورزی شهرستان زابل است، تجمع کردند. به گزارش اس. بی پرس، طرح موسوم به ۴۶ هزار هکتاری یا آبرسانی به دشت سیستان به گفته عده ای، از آن دست طرحهایی است که اگر دستگاههای نظارتی دست روی آن بگذارند، پرده از بی عدالتیهای بسیاری در استان سیستان و بلوچستان خواهد افتاد.

* کارگران پسماند شهرداری منطقه ۲ آبدان برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و ۱۶ ماه حق بیمه مقابل دفتر امام جمعه این شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، کارگران معترض گفتند: زیر نظر پیمانکار پسماند در منطقه ۲ شهرداری آبدان مشغول به کار هستیم و چهار ماه است که حقوق و مزایای ما پرداخت نشده است و با این شرایط حتی توانایی تامین کمترین مایحتاج خانواده خود را نداریم. ۱۶ ماه حق بیمه ما هم پرداخت نشده و با کمترین امکانات مشغول کار هستیم و بارها به دلیل این مشکلات اعتراض کردیم ولی فقط با وعده و وعید مواجه شدیم و در عمل هیچ اتفاق مثبتی در خصوص پرداخت بیمه و حقوق رخ نداده است. ما از قولهای بی پشتوانه مسوولان شهرداری خسته شده ایم.

چهارشنبه ۲۵ تیر

* تعدادی از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، کرمانشاه، بجنورد، تبریز، اراک، خرم آباد، ایلام، اهواز و کرج با تجمع در مقابل ادارات کل سازمان تامین اجتماعی این شهرها خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایلنا، حاضران در این تجمعها خواسته های اصلی خود را افزایش عادلانه مستمریها و پرداخت تام و کمال بدهیهای دولت به سازمان می دانند. مطالبات دیگر تجمع کنندگان، اجرای دقیق همسان سازی، افزایش سطح خدمات درمانی رایگان و رفع نیاز به بیمه تکمیلی، بهبود سطح رفاهی بازنشستگان و پرداخت سهم درمان کارگران است.

* به گزارش ایلنا، گروهی از کسبه بازار شهرستان کرمانشاه در اعتراض به ضبط شدن تابلوها و چادرهای حفاظتی مغازه های خود، بدون اخطار و یا اعلام قبلی از سوی شهرداری این شهرستان

دست به تجمع زدند. معترضان عنوان کردند که؛ توسط ماموران شهرداری مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند.

* کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن شمال غرب (زنجان) که تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری تراورس مشغول به کارند برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و ۱۳ ماه حق بیمه دست از کارکشیدن و مقابل ساختمان اداره راه آهن این ناحیه در زنجان تجمع کردند. به گزارش کانال تلگرام کارگران شرکت تراورس، مطالبات دیگر کارگران هم ماههاست که پرداخت نشده است.

* به گزارش ایران کارگر، به دنبال تحقق نیافتن وعده های مقامات شهرداری مهریز واقع در استان یزد، در خصوص پرداخت مطالبات کارگران، آنها بار دیگر دست به تجمع اعتراضی زدند.

* کارگران کارخانه بوتان واقع در شهر صنعتی کاوه برای اعتراض به سطح پایین حقوق و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست از کارکشیدن و در محوطه این واحد تولید کننده وسایل برقی خانگی تجمع کردند. به گزارش پیام سندیکا، به دنبال این اعتراض مدیر عامل کارخانه از تهران به کارخانه آمد و کارخانه را به مدت دو روز تعطیل نمود تا تصمیم گیری نماید. کارگران اعلام کردند که اگر کارفرما تصمیم به نفع کارگران نگیرد اعتراض شان را به خیابان خواهند کشید.

پنجشنبه ۲۶ تیر، خیزش مردم بهبهان

پنجشنبه شب ۲۶ تیر مردم بهبهان برای اعتراض به وضعیت نابسامان اقتصادی و صدور حکم اعدام به بازداشت شدگان قیام آبان سال گذشته اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی در میدان بانک ملی این شهر کردند. مردم بپاخاسته بهبهان با سر دادن شعارهایی چون «خامنه ای قاتله ولایتش باطله/ بسیجی بی شرف/ مرگ بر دیکتاتور/ حکومت آخوندی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم/ توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه/ نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران/ ایرانی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد و ... نفرت و انزجار از رژیم را نشان دادند.

خیزش مردم بهبهان توسط نیروهای امنیتی و نظامی به شدت سرکوب شد. نیروی سرکوبگر انتظامی با شلیک گاز اشک آور و تیراندازی مردم را مورد تهاجم قرار داده و تعداد زیادی را دستگیر کردند.

آدینه ۲۷ تیر

*جمعی از آتش نشانان اصفهان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، آنها خواسته های خود را اجرای آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور برای همه رسته های شغل آتش نشانی و همچنین همسان سازی حقوق آتش نشانان اصفهان با آتش نشانان سایر کلانشهرها عنوان کردند. آتش نشانان اظهار داشتند: بارها برای پیگیری مطالبات خود به همه نهادهای مسئول مراجعه کرده ایم و امیدواریم مسئولان سختی و خطرات کار ما را درک کنند و در جهت پاسخگویی به ما بر بیایند.

*گروهی از رانندگان شرکت مخابرات منطقه کردستان با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، معترضان دلیل تجمع خود را عدم پرداخت ۳ ماه معوقات مزدی و بروز نشدن قرارداد و حقوق خود عنوان کردند.

شنبه ۲۸ تیر

*به گزارش هرانا، روز شنبه ۲۸ تیر، کارگران میدان نفتی دست میسان واقع در دشت آزادگان، با تجمع در این شرکت خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. آنها دلیل تجمع خود را ناکافی بودن حقوق ماهیانه و نامناسب بودن کیفیت غذای این شرکت عنوان کردند. اکثر پرسنل به دلیل نامناسب بودن کیفیت غذای این شرکت با مسمومیت‌های غذایی متعدد مواجه و راهی بیمارستان شده اند.

*به گزارش هرانا، شماری از کارگران شرکت فولاد محمره واقع در شهرستان خرمشهر، در محوطه این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران دلیل تجمع خود را عدم پرداخت حقوق معوقه و حق بیمه خود عنوان کردند.

*کارگران شهرداری کوت عبدالله برای اعتراض به عدم پرداخت کامل و به موقع حقوق دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند. به گزارش ایرنا، یکی از کارگران فضای سبز شهرداری کوت عبدالله گفت: حقوق کارگران از اردیبهشت ماه تاکنون پرداخت نشده است، پیمانکار هر چند ماه یک بار به کارگران حقوق پرداخت می‌کند و در حال حاضر حقوق اردیبهشت و خرداد را دریافت نکرده ایم.

دوشنبه ۳۰ تیر

*به گزارش ایلنا، تجمع کارگران نیروگاه دماوند وارد دومین روز خود شد. کارگران به شائبه واگذاری شرکت بهره برداری مدیریت تولید که کارگران با آنها کار می‌کنند، معترض هستند و تاکید دارند که در صورت تغییر، امنیت شغلی آنها به خطر می‌افتد و باید این موضوع لغو شود. کارگران گفتند: بخشی دیگر از مشکلات ما کارگران خالی شدن منابع مالی دو صندوق بازنشستگی و قرض الحسنه کارگران و کارکنان نیروگاه دماوند است.

سه شنبه ۳۱ تیر

*گروهی از اهالی مسکن مهر مولوی جوانرود در اعتراض به مشکلات واحدهای تکمیل نشده و افزایش قسط وام پرداختی دست به تجمع زدند. به گزارش کردپا، ساکنان مسکن مهر «مولوی» جوانرود از ۲ سال قبل واحدهای مسکونی خود را تحویل گرفتند و در آن ساکن شدند اما می‌گویند با مشکلات فراوانی از جمله افزایش تسهیلات مسکن مهر از ۳۰ به ۴۵

میلیون تومان، افزایش سود مشارکت به علت تاخیر در ساخت و سازه‌ها، نداشتن زیرساختها، پروانه و پایان کار و مطالبه بانک در باز پرداخت تسهیلات روبرو هستند.

سی و هفتمین روز اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران نیشکر هفت تپه، روز سه شنبه ۳۱ تیر، در سی و هفتمین روز از اعتصاب شان با راهپیمایی و تجمع مقابل ساختمان فرمانداری شهر شوش خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند. اعتراض کارگران هفت تپه از روز شنبه ۲۴ خرداد آغاز شده است. به گزارش ایلنا، اصلی ترین خواسته های کارگران این واحد تولیدی پرداخت معوقات مزدی، رسیدگی به وضعیت شغلی، تعیین تکلیف شرکت، بازگشت به کار همکاران اخراج شده، ابطال واگذاری شرکت به بخش خصوصی و همچنین تمدید مهلت دفترچه های درمانی است. یکی از کارگران شرکت کننده اعتصاب گفت؛ خواسته اصلی و مشترک همه کارگران هفت تپه خروج بخش خصوص از مجتمع است چرا که معتقدیم خصوصی سازی در هفت تپه باعث ورشکسته شدن آن شده و امروز شاهدیم کارفرما با رها کردن مجتمع تمایلی به ادامه تولید و بازسازی کارخانه برای تولید شکر ندارد.



مدیر عامل این شرکت امید اسدبیگی، متهم ردیف اول یک پرونده

اختلاس یک و نیم میلیارد دلاری ارز است. او به بهانه مسدود بودن حسابهای شرکت از پرداخت حقوق کارگران خودداری می کند. اما قاضی پرونده معتقد است اسدبیگی قصد دارد با گروگان گرفتن حقوق کارگران، دادگاه را تحت فشار بگذارد. کارگران نیز می گویند اسدبیگی آنها را به سپر انسانی خود تبدیل کرده است.

کشت و صنعت هفت تپه در ۱۵ کیلومتری شهر شوش در شمال خوزستان واقع شده و قدیمی ترین کارخانه تولید شکر از



نیشکر در کشور است که نیم قرن از تاسیس آن می گذرد و طبق اصل ۴۴ قانون اساسی اواخر سال ۱۳۹۴ از سوی سازمان خصوصی سازی از چرخه دولتی خارج و به بخش خصوصی واگذار شد.

حدود چهار هزار نفر به صورت رسمی، قراردادی و پیمانکاری در بخشهای مختلف این شرکت بزرگ تولید شکر مشغول کار هستند.

اخبار کوتاه منتشر شده در شبکه های اجتماعی

پنجشنبه ۵ تیر: تجمع کارگران شرکت مهاجر جنوب جم در پالایشگاه شماره ۱۹ اسلویه/ تجمع اعضای تعاونی مسکن مهر ۱۴۴ واحدی ارغوان زاگرس سندج مقابل استانداری

یکشنبه ۸ تیر: گروهی از کارگران پروژه آبرسانی محیط زیست (شرکت کیسون)، در اعتراض به عدم دریافت ۱۳ ماه حقوق معوقه خود، مقابل سازمان آب تهران تجمع کردند./ اعضای تعاونی مسکن مهر ۱۴۴ واحدی ارغوان زاگرس در سندج واقع در ویلا شهر برای برای دومین روز متوالی مقابل اداره کل راه و شهرسازی کردستان تجمع کردند./ تجمع سپرده گذاران ریگان خودرو برای اعتراض به تخلفات متعدد این شرکت مقابل ساختمان شرکت واقع در کیلومتر ۹ جاده مخصوص کرج تجمع کرده و خواستار تعیین تکلیف خودرو های خود شدند.

دوشنبه ۹ تیر: سهامداران بانک مهر اقتصاد در اعتراض به عدم رسیدگی قضایی به وضعیت پرونده پذیره نویسی این بانک مقابل ساختمان بیدادستانی تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند./ جمعی از سپرده گذاران شرکت آذویکو آذربایجان خودرو بار دیگر مقابل وزارت صنعت، معدن و تجارت تجمع کردند./ جمعی از اهالی شهرک فدک کرمانشاه در اعتراض به تخریب املاک شان و عملکرد ماموران اجرائی شهرداری کرمانشاه دست به تجمع مقابل ساختمان شورای اسلامی شهر زدند.

چهارشنبه ۱۱ تیر: صاحبان مراکز ضایعات بروجرد برای اعتراض به تعطیلی محل کارشان برای سومین روز متوالی مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. حدود ۴۷۰ مرکز جمع آوری ضایعات در شهرستان بروجرد فعال هستند و بیش از ۳ هزار نفر در ارتباط با این مراکز مشغول به کار هستند./ گروهی از کارگران شهرداری بهبهان در استان خوزستان در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی چهار ماهه خود دست به برگزاری تجمع اعتراضی زدند.

پنجشنبه ۱۲ تیر: کارگران کارخانه چوب اسالم واقع در کیلومتر ۶۰ جاده انزلی به تالش در استان گیلان، برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق دست از کار کشیدند و در محوطه این واحد تولید و عرضه فرآوردهای چوبی و مبلمان تجمع کردند.

آدینه ۱۳ تیر: جمعی اهالی شهر سوزا از توابع شهرستان قشم در استان هرمزگان با تشکیل زنجیره انسانی به فروش سواحل بین شهر سوزا و روستا مسن از طرف سازمان منطقه آزاد قشم اعتراض کرده و خواهان حذف قرارداد فروش سواحل شدند./ برای چهارمین روز متوالی، صاحبان مرغ فروشیهای مریوان در استان کردستان برای اعتراض به گران شدن قیمت مرغ و کاهش درآمدشان از بازکردن مغازه های شان را خودداری کردند.

شنبه ۱۴ تیر: تاکسی داران شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد برای اعتراض به نرخ پایین کرایه دست از کار کشیدند و با توقف خودروهای شان تجمع کردند.

سه شنبه ۱۷ تیر: جمعی از شهروندان ساکن روستای جریه سید محمد شهرستان شوش در اعتراض به بیکاری و مشکلات معیشتی مقابل درب شرکت قند خاورمیانه شوش تجمع کردند.

دوشنبه ۲۳ تیر: جمعی از آتش نشانان اصفهان برای اعتراض به سطح نازل حقوق، مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور نشدن و عدم تبدیل وضعیت مقابل ساختمان سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی این کلانشهر تجمع کردند.

پنجشنبه ۲۶ تیر: جمعی از کارگران کارخانه بوتان گاز شهرستان ساوه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست از کار کشیده و در محوطه این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه شنبه ۳۱ تیر: تجمع دوباره کارگران کارخانه تعطیل شده کنتورسازی ایران در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی، مقابل استانداری قزوین./ کارگران مزرعه پرنیان شرکت پرورش کرم ابریشم ایران برای اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق، عیدی و مطالبات سال ۹۸ دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان صومعه سرا در استان گیلان زدند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در

ایران را به شدت محکوم می کنیم.

با حکم اعدام معترضان آبان ۹۸، صورت مساله قیام تغییر نمی کند

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... سه شنبه ۱۰ تیر

قیام آبان ۹۸، در تکامل خیزشهای ۹۶ و ۸۸، به درستی یک رویارویی تعیین کننده بین مردم و رژیم بود. این قیام با گستردگی و شرکت اقشار زحمت کش جامعه نشان داد که تحولات ایران نه در جدالهای باندهای درون هرم قدرت و در حاشیه حکومت، بلکه در خیابان و در همآوردی مردم با رژیم رقم می خورد.

بر این منظر قیام آبان، بر هر گونه راه حل از طریق صندوق نمایشی رای و جدالهای درون قدرت خط بطلان کشید. رژیم با کشتار بیش از ۱۵۰۰ نفر از قیام آفرینان، دستگیری هزاران نفر، کشتن زیر شکنجه و رها کردن اجساد آنها زیر پلها و خرابه ها و دریاچه ها، نتوانست خود را در برابر لرزه های قیام بیمه کند.

رژیم بعد از ماهها تاخیر با دادن آمار دروغ از کشته شدگان و انکار جنایت نيزارهای ماهشهر، از تایید حکم اعدام سه جوان دستگیر شده در اعتراضات آبان به نامهای امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی و طرح اتهام «مفسد فی الارض» علیه ۸ تن دیگر از دستگیر شدگان در اصفهان خبر داده است.

مزدور حبیبی، رئیس کل بیدادگستری رژیم در استان اصفهان، در روز آدینه ۶ تیر، از صدور حکم «مفسد فی الارض» برای ۸ تن از دستگیرشدگان آبان ۹۸ خبر داد. حرفهای این جنایتکار، دلیل اعدامها و وحشت رژیم از قیامهای بالقوه و پیش رو در آینده را مشخص می کند.

دیکتاتوری حاکم با چالشهای متعددی روبروست؛ از یک سو تنفر تمام عیار مردم همراه با خطر شورش و قیام، از سویی دیگر جدال در باندهای درون قدرت برای مشارکت در قدرت و ثروت.

هلال شیعی رژیم در منطقه به عنوان تضمین امنیت و صدور بحران بیش از هر زمان تنگتر شده است. کلید واژه امنیت نظام با احتمال شورش گرسنگان بعد از قیام آبان و افول وضعیت معاشی مردم با هم همسایبی می کنند. پیش بینی قیام و سرنگونی کشتی ورشکسته حکومت دیگر فقط تجسمی از آینده در میان سرنگون طلبان نیست، بلکه تبدیل به چشم اندازی برای سرنوشت حکومت، در میان کارشناسان، نظریه پردازان و دلواپسان حکومتی به وفور مطرح می شود. نمونه آخر آن نامه موسوی خوئینی ها به خامنه ای و کنشهای ایجاد شده پیرامون آن در هرم قدرت است.

رژیم راه حل نجات خود را در فعال تر کردن دستگاه سرکوب و چوبه های دار می داند. صورت مساله ای که با قیام خونین آبان ۹۸ با ابعاد کیفی و کمی آن در کف خیابان نوشته شد، با اعدام جوانان پاک نخواهد شد.



پرواز ۷۵۲؛ غرامت یا عدالت؟

منصور امان

فراسوی خبر... شنبه ۱۴ تیر

رژیم ج.ا به پرونده خود در سرنگون سازی جنایتکارانه هواپیمای مسافربری اوکراین برگ تازه ای اضافه کرده است. "نظام" اکنون برای رها ساختن گریبان خود از دست خانواده قربانیان، جامعه ایران و طرف حسابهای بین المللی، پیشنهاد پرداخت رشوه می کند.

به گفته پایوران سوئدی، چهار کشور اوکراین، کانادا، افغانستان و سوئد "تفاهم نامه دوجانبه ای" را با رژیم مَلاها برای "دریافت غرامت" امضا کرده اند. وزیر خارجه سوئد که انجام این توافق ضمنی را به آگاهی رسانده، به جزییات آن اشاره نکرده است. دیگر کشورهایی که خائِم "لینده" از آنها نام برده نیز تاکنون واکنش رسمی به این خبر نشان نداده اند.

اگرچه پرداخت غرامت یک گام لازم و بدیهی برای جبران دستکم بخشی از خسارات به بار آمده و از آن مهمتر، اعتراف به ارتکاب جرم به شمار می آید، با این حال غرامت دهی فقط یک بخش از دادرسی است و نه جایگزینی برای آن. موضوعی

که "تفاهم" یاد شده را پُرسش برانگیز می کند، ابهام پیرامون چارچوب حقوقی است که بدان دست یافته شده و همچنین "پرداخت غرامت" در کادر آن صورت می گیرد.

با توجه به اینکه هنوز پرونده سقوط پرواز ۷۵۲ هواپیمایی اوکراین از سوی هیچ مرجع یا نهاد صلاحیت دار کشوری یا بین المللی مورد رسیدگی قرار نگرفته، مدارک لازم گردآوری نشده و رژیم ج.ا. در تحویل مهمترین مدرک جرم یعنی، جعبه سیاه هواپیما کارشکنی می کند، روشن نیست مذاکره بر سر حل و فصل مساله غرامت بر چه پایه ای انجام شده است. طرفهای یک دعوای حقوقی البته می توانند خارج از روند دادرسی با یکدیگر به توافق برسند و متهم با جلب نظر شاکی، با تخفیف یا معافیت از مجازات روبرو شود. همزمان اما این امر بسته به وجود شرایطی است که در این مورد مشخص برآورده نمی شود:

۱- توافق دو طرف در خلال روند قانونی پرونده، یعنی دادرسی قضایی صورت گرفته باشد. افراد یا نمایندگان سیاسی نمی توانند قانون را به دست بگیرند، به جای دادگاه بنشینند و حکم صادر کنند. برای رسیدگی به پرونده جنایت ج.ا. هنوز هیچ دادگاهی تشکیل نشده.

۲- حتی تامین این شرط نیز به خودی خود به معنای چراغ سبز برای دولتهای یاد شده به منظور به جریان انداختن روند توافق خارج از دادرسی نیست. آنها در صورتی می توانند پرونده را وارد این روندی کنند که از جانب شاکیان، خانواده های قربانیان، نمایندگی رسمی و صریح داشته باشند. دستکم از خانواده قربانیان ایرانی سرنگون سازی هواپیما، هیچیک از آنها چنین وکالتی ندارد.

۳- جرم دارای جنبه عمومی نباشد، بدین معنا که از جانب آن زیان اجتماعی برخاسته نشده باشد. در پرونده سرنگون سازی هواپیمای اوکراینی افزوده بر خانواده قربانیان، جامعه نیز یک طرف دعوا است، چون امنیت خود را بازیچه دست حاکمیت می بیند و سهل انگاری قابل تکرار و شمول پذیر آن در مورد جان و سلامت شهروندان را یک فعل مجرمانه و مشمول کیفر می داند. رژیم ج.ا. با تحت پیگرد و آزار قرار دادن معترضان به این تبهکاری و حتی تعقیب پلیسی و قضایی برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در مراسم سوگواری و یادبود برای قربانیان، خود به زبانی گویا به زاویه عمومی جرم اعتراف می کند.

انجام یک دادرسی عادلانه که در فرایند آن علت و چگونگی سرنگون ساختن پرواز ۷۵۲ به گونه کامل شفاف سازی شود، آمران و عاملان معرفی و به مجازات برسند و خسارت مادی و معنوی خانواده قربانیان جبران گردد، مقدم بر هر مساله دیگری است. به دلیل ماهیت بین المللی جرم و هویت دولتی متهم، یک مرجع قضایی بین المللی صلاحیت دارترین محکمه برای انجام چنین دادرسی است. "تفاهم" چهار کشور دخیل در پرونده با رژیم ج.ا. خلاف این روند حرکت می کند.



هزینه های تروریسم با شگردهای عوامفریبانه پولسازی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... یکشنبه ۱۵ تیر

رویدادهای اخیر، سیمای سرزمینی که با بی کفایتی حاکمان در هر سوی آن شیپور مرگ و ویرانی نواخته می شود را در برابر چشم همگان قرار داده است.

از مرگ با کرونا و انفجار در یک مرکز درمانی تا مرگ در خاموش کردن آتش به دلیل فقدان ابزارهای لازم برای مهار آتش مثل بالگردها. از آتش سوزیهای زنجیره ای جنگلها تا انفجار در مراکز مختلف هسته ای و موشکی. از انفجار در مرکز تولید کلاهکهای موشکی (خجیر در شرق تهران)، مرکز غنی سازی اورانیوم در نطنز تا آتش سوزی در نیروگاه زرگان در جاده اهواز - مسجد سلیمان، و مجتمع پتروشیمی تندگویان و...

در این آتش سوزیها، جنگل و ثروتهای مردم است که می سوزد و در مراکز هسته ای و موشکی، سرمایه های سرسام آوری که رژیم به بهای فقیرتر کردن مردم هزینه کرده بر باد می رود.

چند خبر در رابطه با فقر مردم و ولخرجیهای رژیم در هفته اخیر پخش شده است که به چند نمونه آن اشاره می کنم. بر اساس خبر رویترز (پنجشنبه ۱۲ تیر) و گفته های سه سرکرده گروههای وابسته به جمهوری اسلامی در عراق، دریافتیهای این گروهها از آغاز سال جاری با گسترش ویروس کرونا و بسته شدن مرزها، «به میزان چشمگیری کاهش یافته است». بر اساس این گزارش کمک مالی رژیم به هر یک از «چهار گروه اصلی شبه نظامیان شیعه عراق» از ابتدای سال جاری میلادی از ماهی «چهار و نیم تا پنج میلیون دلار به دو تا سه میلیون دلار» کاهش یافته و تقریباً نصف شده است. تغذیه گروههای تروریستی دیگر مانند حزب الله لبنان، حوثیها و نیز حکومت بشار اسد و ... را باید به بیلان هزینه های رژیم اضافه کرد. در کنار پولهای هنگفتی که سپاه تروریستی قدس، برای حفظ عمق استراتژیک خود هزینه می کند، ساخت «عتبات عالیته»، هلدینگهای تجاری، پرداخت حقوق به طلبه های ارسالی به کشورهای دیگر و... را هم باید اضافه کرد. بدین ترتیب و علیرغم بحران کرونا و تعطیلی کسب و کار مردم، کسب و کار «ستاد بازسازی عتبات عالیات» به گفته رئیس آن، پر رونق بوده است.

در این دوران ساخت و ساز «طرح صحن حضرت زینب» بدون «تعطیلی» ادامه یافت. (رادپو فردا، ۱۴ تیر) دوشیدن مردم با طرحهای عوامفریبانه برای کمک رسانی به این پروژه ها شرم آور است. به نظر می رسد که از مرده سواری قاسم سلیمانی چیزی برای رژیم عاید نشد و حالا از مرده ریگ او استفاده می کنند. راه اندازی بنگاههای کلاهبرداری با عنوان «قاسم سلیمانی» برای خالی کردن جیب مردم با شعار «هر ایرانی ۵ هزار تومان» برای کمک به ساخت «صحن حضرت زینب در کربلا»، فروش «سنگهای به کار رفته در این طرح» به قیمت هر متر ۲۵۰ هزار تومان و فروش هر متر مربع از «صحن» به قیمت ۴ و نیم میلیون تومان به مردم، چیزی جز چاپیدن و غارت مردم نیست. (همان جا)

در کنار ولخرجیهای رژیم در پروژه های تروریستی، هر روز تعداد بیشتری از مردم به زیر خط فقر می روند. بر اساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سال گذشته، مراجعه کنندگان به «کمیته امداد» ۱۹,۵ درصد افزایش داشته است. بر اساس این آمار در سال ۹۸ «تعداد مددجویان کمیته امداد با افزایش ۷۸۳ هزار و ۵۵۴ نفری از حدود ۴ میلیون و ۸ هزار ۲۲۸ نفر در سال ۱۳۹۷ به ۴ میلیون و ۷۹۱ هزار و ۷۸۲ نفر در سال ۱۳۹۸ رسیده است.» (نود اقتصادی)

در رویدادی دیگر، یک مجلس نشین از چابهار، روز شنبه ۱۴ تیر در رابطه با بی آبی در استان سیستان و بلوچستان گفت: «فقط ۱۹ درصد از مردم ساکن این استان به آب شرب بهداشتی دسترسی دارند.» وی اضافه کرد: «در همه روستاها، حتی ساحلی چابهار یک متر لوله گذاری هم صورت نگرفته است.» بر اساس این گزارش، برخی پروژه های مربوط به آب و فاضلاب از سال ۶۷ تاکنون در حال ساخت مانده اند.» (خبرگزاری برنا)

صحنه های دردناکی که این روزها مردم ایران با آن درگیر هستند، نتیجه بی کفایتی و سیاستهای رژیم در ایران و منطقه است. تقلای رژیم برای خنثی کردن تحریمها و یا برداشتن آنها، دقیقاً نه برای رفاه مردم ایران بلکه برای برآورده کردن نیازهای مالی تروریستها به منظور برپا نگاه داشتن ویرانه های عمق استراتژیک ولایت فقیه است.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

آتش و دود در حومه تهران و دمشق؛ دور بعدی تنش

منصور امان

فراسوی خبر... شنبه ۲۱ تیر

همزمان با آنکه رژیم ج.ا. فعالیت‌هایی ماجراجویانه اُتمی خود را از سر گرفته و به طور سیستماتیک و هدفمند تعهدات هسته‌ای اش در توافق وین را زیر پا می‌گذارد، تنش گرد بُحران ناشی از سیاستها و اقدامات آن نیز به گونه خطرناکی افزایش یافته است.

انفجارهای روز پنجشنبه در غرب تهران که گفته می‌شود در مراکز نظامی روی داده، به سلسله رویدادهای مُشابهی که در دو هفته اخیر ماشین نظامی ج.ا، تاسیسات زیر بنایی و مراکز مهم اقتصادی در مرکز آن قرار داشته، تداوم بخشیده است. در ششم تیر یک انفجار شدید مرکز تولید موشک‌های بالستیک مَلاها در خُجیر را به لرزه درآورد. این نوع موشکها توانایی حمل کُلاهک هسته‌ای را دارا هستند. در ۱۲ تیر بخشهایی از مرکز مهم اُتمی "نظام" در نطنز در پی یک یا چند انفجار شدید تخریب گردید. در تاسیسات مُنهدم شده، سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای که زمان دستیابی به بُمب اُتم را کوتاه می‌کند، تولید می‌شده است. در همین فاصله دو هفته‌ای، دو نیروگاه برق در شیراز و اهواز و یک مرکز پتروشیمی در ماهشهر نیز با آتش سوزی و تخریب مواجه شده است.

در حالیکه ماشین تبلیغاتی حاکمیت و رسانه‌های زرد آن تلاش می‌کنند نگاه‌ها و توجُّهات را به سمت گمانه زنی و پخش ضد اطلاعات در باره شیوه انجام این حملات و حاشیه‌های آن مُنحرف کنند، پُرسش اصلی در این رویدادها اما معنایی است که بازگو می‌کند و جهت حرکتی است که نشان می‌دهد.

سلسله حوادث یاد شده نشان از تراکم شدید فاکتورهای بُحران رژیم ج.ا دارد؛ تحوُّلی که بی واسطه از آماجها و سیاستهای شریانه هسته‌ای آن سرچشمه گرفته است. گامهای شتابان حاکمان کشور به سمت ساخت جنگ افزار اُتمی که امروز در پوشش "واکنش به بدعهدی اروپا" بر زمین داغ بُحران گذاشته می‌شود، تحرُّک عوامل دخیل در آن را نیز افزایش می‌دهد. یک جبهه وسیع بین‌المللی از آمریکا تا اسرائیل و از اروپا تا کشورهای عربی منطقه خود را طرف حساب یا متأثر از این اقدامات می‌داند و به این یا آن شکل برای جلوگیری و رویارویی با آن آماده دست زدن به اقدام می‌باشد.

همزمان رویکرد تنش زای رژیم ج.ا در پهنه هسته‌ای، به دیگر محورهای اختلاف و تضاد آن با طرفهای خارجی یاد شده، جایگاه و اهمیت بیشتری می‌بخشد. بر این اساس، تجاوز نظامی در سوریه و جنگهای نیابتی در عراق، یمن و لُبنان در متن خطر تجهیز مَلاها به جنگ افزار هسته‌ای خوانده می‌شود و به این ترتیب شدت درگیری در این نُقاط به گونه ناگُزیر فراز تازه‌ای می‌یابد.

یک توازن مُخرَب و خطرناک بین رفتار و سیاستهای ج.ا و واکنش طرفهای خارجی آن، جهتگیری رویدادها را تعیین می‌کند. رویدادهای دو هفته گذشته از این قاعده پیروی کرده و بازی‌ای که حاکمان ایران آغاز کرده اند را به دور بعد می‌برد. مسیر حرکت نطنز و خُجیر دالان بی انتهای بُحران، تنش، درگیری و تحریمها است که با تابلوهای توسعه طلبی، فرقه‌گرایی، تروریسم و جنگ بقا هدایت می‌شود. این در حالی است که رژیم ج.ا از هیچیک از مولفه‌های لازم قُدرت (اقتصاد قُدرتمند، هم سطحی یا دست بالا در توازن نظامی، مشروعیت و پشتیبانی اجتماعی) برای پیشبرد چنین جنگی و رسیدن به انتهای دالان برخوردار نیست.

مردم آثار این جنگ فرسایشی و بیهوده را که فقط به بقای قُدرت و ثروت در دست اُلیگارشی حاکم خدمت می‌کند، با کوچک و کوچک تر شدن دایره زیست شایسته و انسانی خود تجربه کرده اند. در تنور جنگ خصوصی رژیم ولایت فقیه این فقط سرمایه کشور نیست که در حومه تهران و دمشق دود می‌شود، بلکه زندگی اکنون و سرنوشت و آینده اکثریت مردم ایران است که به کام آتش ریخته می‌شود. آخرین بار کُرونا و کُشتار دسته جمعی آن نشان داد که خسارت حُکمرانی رژیم ولایت فقیه تا چه مرزهای فاجعه باری می‌تواند گسترش یابد و چگونه کشور و جامعه را آسیب پذیر کرده است.

خیزش اعدام شدنی نیست

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۶ تیر

حاکمان بی اعتبار ج.ا در هراس از خیزشهایی که به کمین شان نشست، به چوبه های دار پناه برده اند. آنها با گرداندن پرونده سه تن از بازداشت شدگان اعتراضات آبان بین دواير تشریفاتى قضایی که با هدف تبلیغات و خبر سازی صورت می گیرد، در حال زمینه چینی و تدارک اعدام این مُعترضان هستند.

در همین راستا سُخنگوی دستگاه قضایی از "تایید حکم اعدام" امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی در "دیوان عالی کشور" خبر داده است. آقای غلامحسین اسماعیلی در همین حال برای آرایش قضایی سرکوب و آب و تاب دادن به دسیسه چینی برای قتل مُعترضان پای چند دایره و پروسه اداری دیگر را نیز به میان کشیده و "دادرسیهای فوق العاده یا اعمال ماده ۴۷۷ یا هر موجب قانونی دیگر" را نیز بر فراز پرونده آویخته است.

جنایت انجام شده ای که "نظام" در پشت سر دارد، اعدام دپاکو رسول زاده، از اهالی روستای "دریاز" - مهاباد و صابر شیخ عبدالله، دانشجوی ترم آخر کارشناسی ارشد بیمه است. این دو شهروند کُرد روز سه شنبه ۲۴ تیر پس از گذراندن نزدیک به هفت سال زندان، اعدام شدند. در سناریوی ریشخندآمیزی که دستگاه امنیتی ج.ا علیه این دو نوشته بود، آنها به "بمب گذاری در رژه نیروهای نظامی" مُتهم شده بودند. به سه مُعترض آبان نیز به همین شیوه پرونده سازی، اتهامات گوناگونی نسبت داده شده است که با هر بار برپایی نمایش تبلیغاتی سُخنگوی قوه قضایی، نوع یا روایت تازه ای از آن ارایه می شود. اما این تنها رُسوایی دستگاه قضایی نیست؛ هیچیک از محکومان یاد شده به وکیل دسترسی نداشته اند، دادگاه آنها به طور مخفی برگزار شده و در نهایت با اتهاماتی مُحاکمه شده اند که اساس آن اعترافات اجباری است و در جریان مُحاکمه از سوی "مُتهمان" پس گرفته شده.

با این همه، شیوه و چگونگی روند قانونی مُحاکمه در اینجا یک موضوع فرعی است؛ دُرُشت نویسی اعدام و خون ریزی مساله ای مربوط به جُرم یا اتهام نیست، بلکه هدفی سیاسی را تعقیب می کند که بی واسطه به بقای حاکمیت می رسد. کسی بیشتر و روشن تر از خود حاکمیت هراس از توفانی که در برابر دیدگانش در افق مشغول شکل گرفتن است را بیان نمی کند. سُخنان رهبران و پایوران حکومت و محتوای رسانه های رسمی مملو از اشاره های سر بسته یا صریحی است که نسبت به "طُغیان خشم مردم"، "شورش گُرسنگان"، "راه افتادن سیل" و جُز آن هُشدار می دهد.

حاکمان ج.ا و گُماشنگان آنها که می کوشند با احکام تبهکارانه و فرستادن جلادان به رژه، جامعه را از تکان باز دارند و میخکوب کنند، می توانند بازتاب اجتماعی اقدامات خود را مُرور کنند تا دریابند کُجا ایستاده اند. همه می دانند و می توانند حس کنند که حاکمیت از سر ترس و بُزدلانه در پشت دیوار وحشت خویش، شمشیر کشیده است. آنچه که در فضای اجتماعی کشور پیچیده نه بوی خونین اقتدار ج.ا، بلکه بوی وحشت و پوسیدگی آن است.

از این نظر، حاکمان رژیم ولایت فقیه دُرُست عکس آنچه که انتظار می کشند را از جامعه مُعترض دریافت می کنند. آنها قصد قُدرت نمایی و زهر چشم گیری کرده اند، اما جامعه از مانور شان پیام ضعف و واهمه می گیرد. خیزش آبان جامعه ایران را به لحاظ ذهنی به نقطه ای فراتر از سطح ترور و سرکوب برده و رشته هایی که "نظام" برای اعدام خیزش می بافد را در همان گام نَخُست پنبه می کند.

اعمال جنایتکارانه رژیم ولایت فقیه اما بدون تاثیر هم نیست؛ آنها مُحرکی برای مردم دی و آبان است و شتاب ساعت سخت داوری شان!

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس bedostan@gmail.com

گرامی باد یاد و نام رفیق محمد صفاری آشتیانی

امیر ابراهیمی

رفیق محمد صفاری آشتیانی متولد ۱۳۳۱ و دانشجوی حقوق دانشگاه تهران (اخراجی از نیروی هوایی به دلیل فعالیت سیاسی) بود.



وی پس از ضربه رومستان ۴۶ بر گروه رفقا جزئی، ظریفی و سورکی، فعالیت کاملاً مخفی در پیش گرفت و پس از مدتی در بهار سال ۱۳۴۷ همراه با فدایی شهید رفیق علی اکبر صفایی از ایران خارج و به جنبش فلسطین (فتح) پیوست. در سال ۱۳۴۷ رفقای این گروه که فعالیت شان برای ساواک لو نرفته بود، به سازماندهی مجدد پرداختند و در سال ۱۳۴۹

رفقا علی اکبر صفایی فراهانی و محمد صفاری آشتیانی به ایران برگشته و به گروه می پیوندند. رفیق صفایی همراه با تعداد دیگری از رفقا برای ندادن عملیات چریکی به جنگلهای شمال می رود و رفیق صفاری برای تدارکات همراه رفقای دیگر در شهر می ماند. پس از حماسه سیاهکل و اعدام ۱۳ تن از رفقای فدایی (گروه جنگل)، رفیق صفاری همراه با رفقای ضربه نخورده در عملیات اعدام انقلابی سپهبد فرسیو شرکت می کند و با ادغام گروه جنگل با گروه رفقا امیر پرویز پویان، مسعود احمد زاده و عباس مفتاحی و تشکیل چریکهای فدایی خلق، رفیق صفاری نقش برجسته ای در بخش تدارکات چریکهای فدایی به عهده می گیرد. در روز دوم مرداد ۱۳۵۱ حوالی خانه تیمی (سلیمانیه- تهران) رفیق صفاری متوجه حضور نیروهای سرکوبگر رژیم شاه می شود. در این موقعیت رفیق با شلیک هوایی و ایجاد درگیری با ماموران باعث جلب توجه رفقای داخل پایگاه می شود و رفقا حمید اشرف و شیرین معاضد (فضیلت کلام) موفق به خروج از محاصره دشمن می شوند. در نبرد حماسی این روز رفیق محمد صفاری آشتیانی به شهادت می رسد. یاد و نامش جاودان

شهدای فدایی در مرداد ماه



رفیق زهرا فرمانبردار

رفقا: محمد صفاری آشتیانی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - فرامرز شریفی - محمد رضا خوانساری - احمد زبیرم - فریدون شافعی - عباس جمشیدی رودباری - زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانژاد - عبدالله سعیدی بیدختی - ناصر فضل الهی - حسین الهیاری - جهانبخش پایداری - مرتضی (امیر) فاطمی - داریوش شفاعتیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - بهروز کتابی - سعیده کریمیان - گودرز همدانی - مهدی یوسفی کهل - حسن کهل - زهرا

فرمانبردار - حسین پور قنبری - محمد تقی ترابی - محمد رضا رمضان علی - محمد عظیمی - محمد یزدانی - کامران اسماعیل زاده - هادی حسین زاده کرمانی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری - هامان شفیعی - محمد (محمود) یوسفی - حسین محمدی - بیژن مجنون - عبدالکریم عبدالله پور - سعید سلیمانی نژاد - علی احمدی - عباسعلی شریفیان - علی رضا قاسمیان - اسماعیل عابدی - غضنفر اسدی - جمیل اکبری آذر - ونداد ایمانی - مسعود جعفرپور - ابراهیم جلالی - عبدالرحیم (مجید) جلالی - شهرام خدایانهی - یحیی رجبی - محمد رفیعی - فرهاد سلیمانی - مهین ضیانشندی - مهدی صدیق پور - نصرت الله کریمی - حالی زاده - علی یاسری نشتمی - ابراهیم جلالی - مینا ضامنیان - سعید سالاری ساردوئی - حسن منصوری - کتیون داده امیری - یعقوب مالنی - ایوب ملکی - عزیز محمد رحیمی - بهروز کتابی - آذرنوش مهدویان - یوسف منزه - اردشیر شیرین بخش - مهرداد گرانیپایه - عبدالله لیجائی (سیجانی) - آرامائیس داربیانس - محمدرسول عزیزبان - کاظم کازرونی - فیروز صدیقی - کریم ترابی - عبدالرضا ترابی - جمشید پورقاسمی - عبدالعظیم سرعتی - مینا ضامنیان و ... از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند، یادشان گرامی

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 727/ 22 Juiye 2020

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook ///// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org